

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هنر

مشترک کلیه رشته‌ها

راهنمای معلم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵



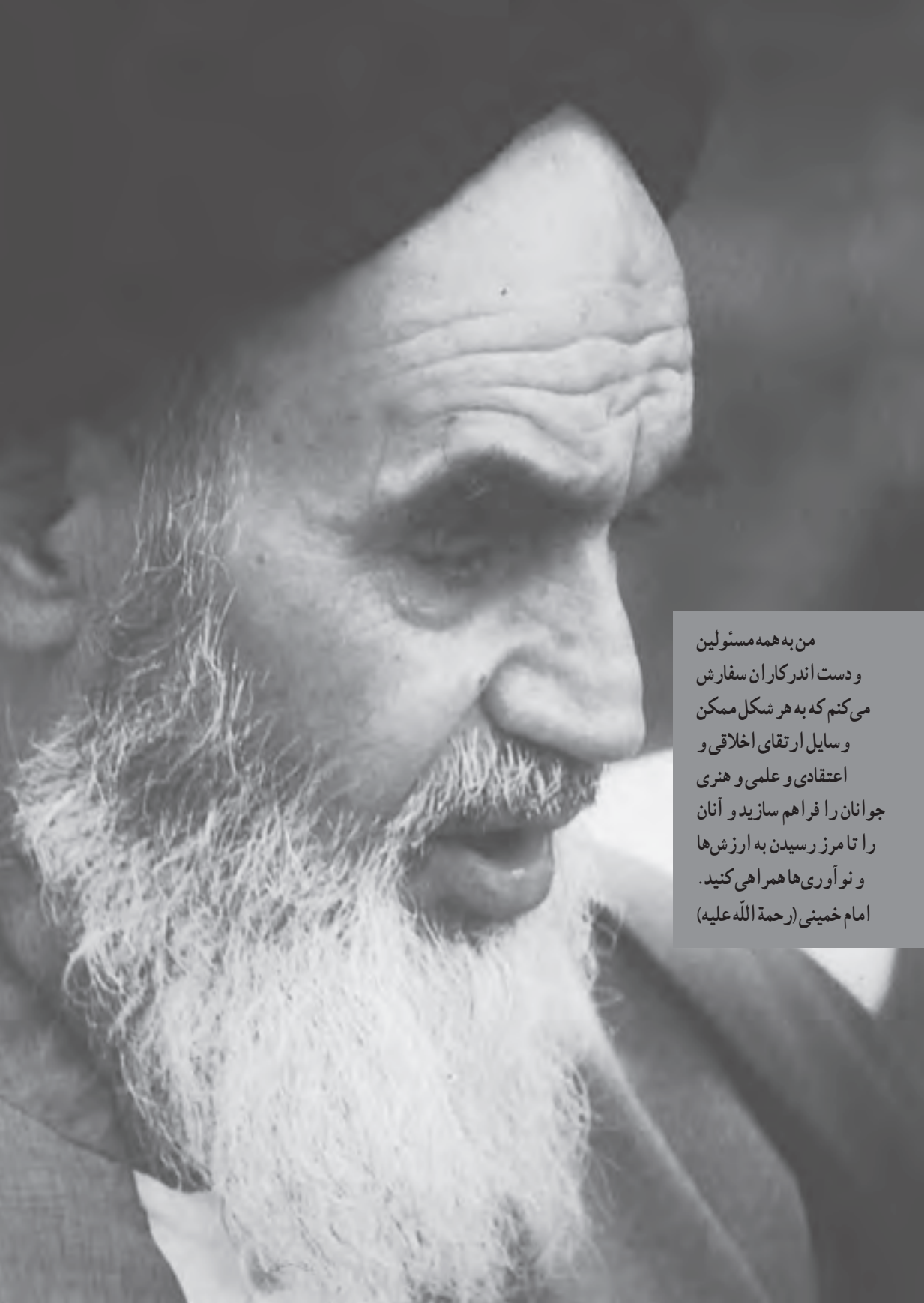
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: راهنمای معلّم هنر - دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۷۰
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: سید غلامرضا اسلامی، مینو آیت‌اللهی، خدامراد محمدی، رحمت امینی، عبدالناصر خیاط، فریبا شاپوریان، سید عبدالمجید شریف‌زاده، محمد شهبازی، حمید محمد ظاهری (اعضای شورای برنامه‌ریزی) محمد رضا آزاده فر، مرضیه پناهیان پور (اعضای گروه تألیف) - سید اکبر میرجعفری (ویراستار)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - الهه یعقوبی نیا (صفحه‌آرا) سیده فاطمه طباطبایی، افسانه امیراحمدی، حسین قاسم‌پور اقدم، فاطمه صغری ذوالفقاری، کبری اجابتی، احمد رضا امینی، ناهید خیام باشی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۶۹۴-۱

ISBN: 978-964-05-2694-1



من به همه مسئولین
و دست اندرکاران سفارش
می‌کنم که به هر شکل ممکن
وسایل ارتقای اخلاقی و
اعتقادی و علمی و هنری
جوانان را فراهم سازید و آنان
را تا مرز رسیدن به ارزش‌ها
و نوآوری‌ها همراهی کنید.
امام خمینی (رحمة الله علیه)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

پیشگفتار

فصل یکم : کلیات

- ۶..... جایگاه و ضرورت برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- ۷..... رویکردهای برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- ۸..... اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- ۱۰..... اهداف تدوین برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ هنر دوره دوم متوسطه
- ۱۱..... ساختار کتاب
- ۱۲..... نگاهی بر روش‌های فعال یاددهی - یادگیری با مثال‌هایی از درس هنر
- ۲۵..... ارزشیابی

فصل دوم : مروری بر درس‌ها

- ۲۸..... بودمان اول : مطالعه مفهوم زیبایی و هنر
- ۶۲..... بودمان دوم : خلاقیت هنری
- ۷۲..... بودمان سوم : تحلیل آثار هنری
- ۱۰۱..... بودمان چهارم : هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی

فصل سوم : ضمائم

- ۱۱۴..... سازمان دهنده‌های تصویری
- ۱۱۵..... نقشه‌ها و نمودارها
- ۱۱۶..... منابع و مآخذ



سخنی با همکاران فرهیخته

هنر جسمه زاینده است و دولت پاینده... هنرمند هر کجا که رود قدر بیند و در صدر نشیند.

(گلستان سعدی باب هفتم در تأثیر تربیت)

حمد و ثنای پروردگار جمیل که منشأ حسن است و کمال. خداوند بزرگ را شاکریم که برای نخستین بار در این پایه تحصیلی، برای آشنایی هر چه بیشتر نسل امروز با مقوله هنر، توفیق خدمتگزاری داریم. در جوامع برخوردار از فرهنگ غنی، هنر و هنرمند همواره جایگاه والا و ویژه‌ای دارد. بر این قیاس از گذشته نیز در این مرز و بوم اهل هنر منزلت خاصی داشته‌اند، و هنر با زندگی مردم پیوند داشته است. کمال هنر ایرانی علاوه بر تجلی در آثار فاخر و خاص، در تک تک مصنوعات کاربردی هم قابل لمس و رؤیت بوده که خود مبین ذوق و قریحه نیاکان ما می‌باشد.

امید آن داریم که با تلاش و آموزش‌های شما نسل آینده نیز هنر را قدر بدانند و شاهد تحولات عمیق و چشمگیری در اندیشه و کیفیت زندگی نسل آینده جامعه ایرانی اسلامی باشیم.

بیان آنچه که نیاکان ما بوده‌اند، به دانش آموزان، احساس غرور و آنچه هستیم، احساس اعتماد به نفس و آنچه خواهیم بود، احساس امید و تلاش می‌دهد. به امید آنکه نسلی امیدوار، هنر آشنا و متفکر تربیت کنیم. کتاب هنر دوره دوم متوسطه فرصتی است که نظام آموزشی برای دانش آموزان جهت ارتقای معرفت هنری فراهم کرده است و براساس اهداف دوره‌های تحصیلی در برنامه درسی ملی به صورت زیر تدوین شده است.

۱ با مطالعه و یادگیری درباره پدیده‌ها، موضوعات، آثار هنری و... سواد هنری خود را توسعه دهد.

۲ با به کارگیری قدرت تخیل و ذوق هنری، اثری فرهنگی هنری خلق کند و آن را بر اساس معیارهای

زیبایی شناسی و ارزشی ارتقا دهد.

۳ پس از انتخاب یک اثر هنری آن را براساس معیارهای زیبایی شناسی و ارزشی نقد کند و تأثیر آن را

برخود و دیگران بررسی کند.

۴ با ارزش گذاری نسبت به میراث فرهنگی (فکری)/ هنری در سطح محلی، ملی و جهانی، نقش هنر را در

شکل گیری هویت و انتقال فرهنگ شناسایی کند.

در این دوره همان گونه که در ساحت زیبایی شناسی و هنری بالا تبیین شده است، بیشتر برجسته‌های

نقد و تحلیل و ساختار آثار هنری همراه با دست ورزی‌هایی برای فهم بهتر مسائل نظری تأکید خواهد شد.

کتاب هنر در چهار پودمان طراحی شده است.

پودمان اول «مطالعه مفهوم زیبایی و هنر»: در این پودمان با دقت به زیبایی های جهان هستی که منجر به توجه به ذات لایزالی خواهد شد، موجب تقویت احساس دانش آموزان در برخورد با پدیده ها می شود. در این فصل تعاریفی از هنر و زیبایی شناسی و بیان عناصر هنری و مکاتب و سبک ها آورده شده است. در واقع بحث های بنیادین در مورد زیبایی شناسی و هنر در اینجا دارای اهمیت ویژه ای است.

پودمان دوم «اخلاقیت هنری»: سعی شده در این فصل با دقت و ظرافت بسیار به تقویت و پرورش ذهن خلاق دانش آموز پردازد و در کنار آن دانش آموز به انجام تمرینات عملی خواهد پرداخت. این فصل به دلیل جذابیت های ویژه خود و شناسایی توانایی های دانش آموزان حائز اهمیت است.

پودمان سوم «تحلیل آثار هنری»: در این پودمان انواع هنرها به سه عنصر فضا، صدا و حرکت مورد بررسی قرار می گیرد و دانش آموز با ساختار اصولی آنها آشنا خواهد شد. به دست آوردن دانش ساختاری به او کمک خواهد کرد تا بررسی و تحلیل صحیح تری از آثار هنری پیرامون خویش داشته باشد. به دلیل اهمیت و گستردگی موضوع این فصل از اهمیت فراوانی برخوردار است و بخش اعظم کتاب را به خود اختصاص داده است.

پودمان چهارم «هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی»: این پودمان چگونگی حفاظت، توسعه و بهسازی میراث فرهنگی و تأثیر آن بر نوع زندگی مردم و عوامل آسیب زای میراث فرهنگی را بررسی می کند. این بخش از کتاب به دلیل وجود مباحثی مهم برای ادامه حیات میراث فرهنگی و پاسداشت آن شایان اهمیت است.

نکاتی در اجرای تدریس

برای بهبود روند تدریس و همسویی آن با اهداف آموزشی، بهتر است به نکات زیر توجه شود.

۱ آگاهی مدرسان این کتاب با مباحث کتاب های هنر در پایه های قبل (هفتم، هشتم، نهم)،

۲ بهره برداری از راهنمای معلم و بسته های «بر فراز آسمان».

۳ استفاده از روش های تعاملی و فعال در کلاس زمینه تفکر فعال دانش آموزان را فراهم می آورد و معلم دانش آموزان را برای رسیدن به پاسخ پرسش های ذهنی آنها هدایت و راهنمایی می کند.

«احساس آزادی و امنیت برای اظهار نظر دانش آموزان که در سایه حاکم کردن فضایی غیر قضاوتی توسط معلم در کلاس درس به وجود می آید، از نهایت اهمیت برخوردار است. تنها چنین فضایی است که می تواند مشوق و محرک تخیل، گمانه زنی، داستان پردازی و... در رویارویی با مسائل علمی باشد».

(مهر محمدی، ۱۳۸۶، ۷۵)

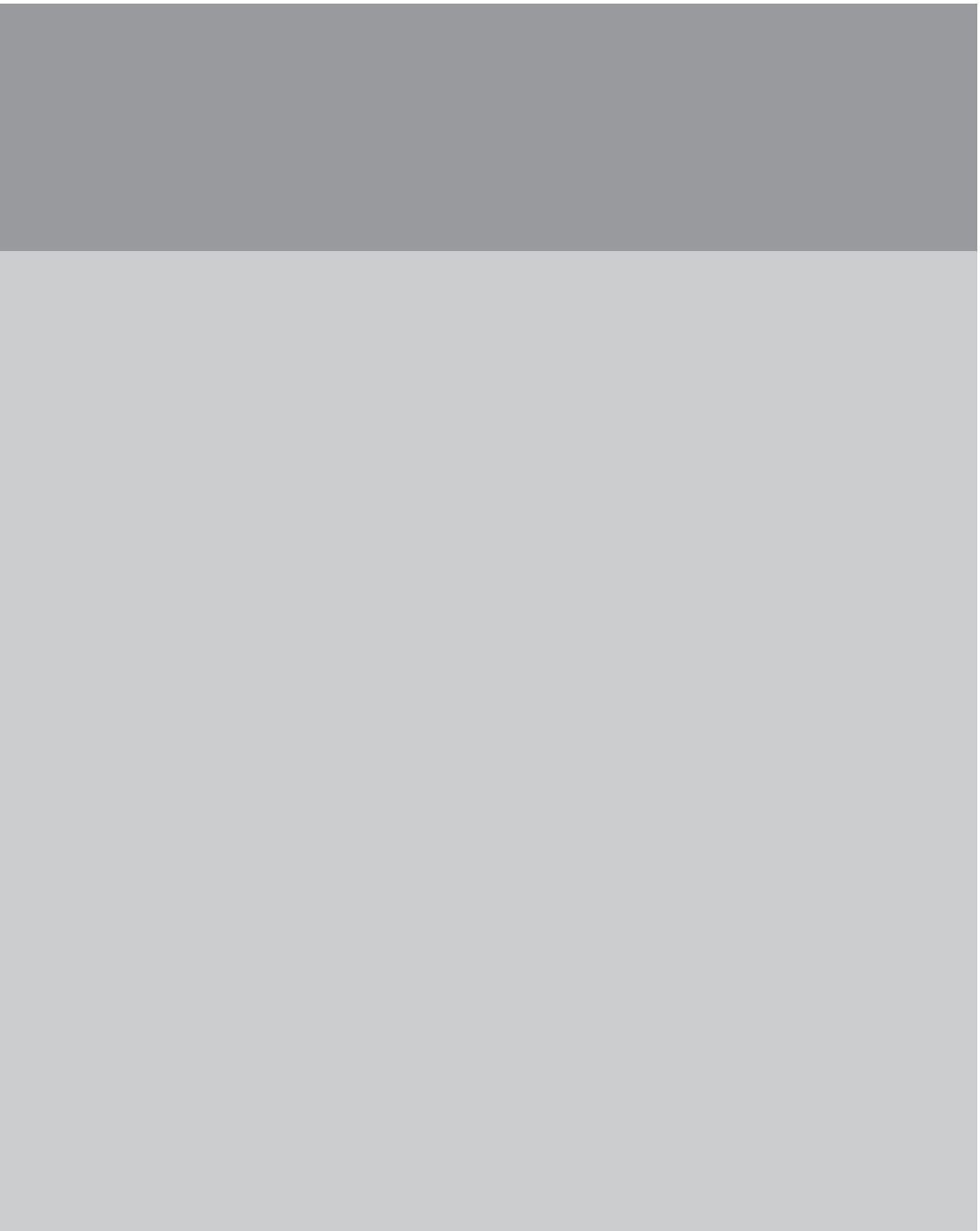
۴ توجه و اهمیت به دریافت‌های آنی و حادث‌شده دانش‌آموزان در کلاس و ترغیب به بیان آنها و تجزیه و تحلیل و ارزیابی آنها توسط معلم. «معلمی که دارای چنین سلوکی است، در حقیقت به خلق فرهنگ مساعد تفکر شهودی در کلاس درس کمک می‌کند.» (مهر محمدی، ۱۳۸۶، ۷۵)

۵ توجه کامل به استفاده از امکانات بومی و محلی؛ همچنین شناسایی میراث فرهنگی زادگاه خویش که منجر به ارزش‌گذاری واقعی توسط دانش‌آموزان خواهد شد و پرورش حس تعهد و مسئولیت از این آثار و حفاظت مسئولانه از آن، یکی از اهداف کتاب درسی است.

۶ بازدید از نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، ابنیه تاریخی، کارگاه‌های صنایع دستی، و حضور در طبیعت در روند آموزشی مؤثر است.

۷ با توجه به اینکه ارزشیابی از این کتاب (طبق جدول شماره ۸ ارزشیابی مستمر کتاب هنر پایه دهم) فرایند محور خواهد بود، دقت و یادداشت موارد زیر به قضاوت درست شما از دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.

- شرکت دانش‌آموزان در بحث‌های کلاسی
- شرکت فعالانه در گفت‌وگوهای گروهی
- ارائه نقد و تحلیل آثار هنری
- فعالیت‌های داوطلبانه
- ارائه نوآوری‌های خلاقانه
- انجام فعالیت‌ها (در حد توان دانش‌آموزان)



فصل ۱

کلیات

- جایگاه و ضرورت برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- رویکردهای برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- اهداف تدوین برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه
- ساختار کتاب هنر
- نگاهی بر روش های فعال یاددهی - یادگیری با مثال هایی از درس هنر
- ارزشیابی

جایگاه و ضرورت برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه

جدول ۱-۱- وضعیت ارائه درس هنر در برنامه درسی دوره دوم متوسطه				
نام درس	ساعت اختصاص داده شده در هفته	وضعیت ارائه درس	ارزشیابی	نیت ارزشیابی در کارنامه
هنر(عمومی)	۲ ساعت	اختیاری (به انتخاب دانش آموز یا مدرسه) پایه دهم یا یازدهم	فرایند محور (کارپوشه)	به صورت کمی(نمره) در کارنامه ترم اول و دوم
×درس هنر طبق جدول مواد درسی وساعات تدریس در تمامی شاخه های نظری (ریاضی فیزیک، علوم تجربی، ادبیات وعلوم انسانی، علوم و معارف اسلامی، فنی و حرفه ای و کار دانش) در پایه دهم یا یازدهم به انتخاب دانش آموزان ارائه می گردد.				

«هنر عرضه کننده فراگیر فضایل فرهنگی در مدارس است» بنابراین ضروری است در محیط های آموزشی به دانش آموزان کمک کنیم تا هنگام خلق یک اثر هنری به شکل بخشیدن به اندیشه ها با بیان شخصی خویش بپردازند و برای این امر از انواع اشکال هنری استفاده کنند.

پس لازم است آنها را تشویق کنیم که گوش دهند؛ به تصویر بکشند؛ تماشا کنند، بنویسند؛ قصه بگویند؛ رویا پردازی کنند؛ نمایش اجرا کنند؛ درآین ها و مناسک با نگاه نو و علاقه شرکت کنند؛ در مورد آثار هنری گفت وگو کنند، این امور به آنها کمک می کند تا بتوانند به درون و خصائل انسانی خویشتن راه یابند و با دیدی فعالانه به خود، محیط، اجتماع، روابط اجتماعی و جریان های جاری جهان بنگرند و با جهان آفرینش پیوند برقرار کنند. برای هر مسئله راه حل های متفاوتی را بیازمایند و به کلیات توجه کنند و سپس جزء به جزء مسائل را بررسی و آزادانه تحلیل کنند. آر نهام در این باره می گوید: «یکی از مسائل مهم که می تواند توسط انواع اشکال هنری آموزش داده شود، توجه کل به جزء کیفیات یک پدیده است».

در این حالت درس هنر برای دانش آموزان، از تفنن به یک امر جدی و ابزاری که با آن تفکر نقادانه را می آموزد تبدیل می شود. این فرایند منجر به تحقق اهداف مشترک در مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش خواهد شد.

شایستگی‌هایی که تربیت یافتگان نظام تربیت رسمی و عمومی برای ورود مطلوب به زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی نیاز به آن دارند به شرح زیر می‌باشد:

(مبانی نظری تحول بنیادین، ۳۳۸، ۱۳۹۰)

- خرد ورز و پرسش‌گر
- انتخاب‌گر و آزادمنش
- سالم و با نشاط
- جمع‌گرا و جهانی اندیش
- خود باور و دارای عزت نفس
- حق محور و مسئولیت‌پذیر نسبت به خالق، خود، جامعه و طبیعت
- دارای ذائقه هنری و زیبا شناختی

همان‌گونه که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ در سند تحول بنیادین آمده است مدرسه جلوه‌ای از حیات طیبه می‌شود و دانش‌آموز گامی به سوی زندگی بهتر برمی‌دارد.

رویکردهای برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه

این کتاب ارتباط معناداری با برنامه‌های درسی تدوین شده در پایه‌های قبلی خویش دارد و همچنین کامل‌کننده همان مسیر با رویکرد تحلیلی و زیبایی شناختی است. کتاب هنر دوره دوم متوسطه نسبت به پایه‌های پایین‌تر این تفاوت را دارد که در پایه‌های قبلی، دانش‌آموز هر جلسه به صورت عملی به انجام کارهای هنری می‌پرداخت اما این کتاب بیشتر به موضوع شناخت تحلیلی هنر می‌پردازد. البته این بدان معنا نیست که دانش‌آموز در این دوره به خلق هنری نمی‌پردازد. تجربه عملی آثار هنری در این دوره صورت می‌پذیرد، اما این تجربیات نه برای تقویت مهارت بلکه برای فهم بهتر موضوعات ارائه شده است.

هنر دارای دو بعد اصلی است. یک بعد آن فراهم‌کننده توانایی بیان افکار، احساسات، عواطف، تخیلات و تفکرات در قالب یکی از رشته‌های هنری است و بعد دیگر آن افزون شدن فرزانگی، فرهیختگی و کمال در انسان است. همان‌گونه که در قلمرو حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر برنامه درسی ملی^۱ آمده است رمزگشایی و رمزگذاری پدیده‌ها در قالب‌های هنری دو فرایند کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است.

برای تقویت خلق معنا (تولید اثر) ضروری است که هر فرد به صورت عملی به خلق اثر هنری بپردازد و با تمرین و ممارست به مهارت خود بیفزاید؛ اما برای دستیابی به کشف معنا (درک و دریافت اثر) ضرورت اولیه

تقویت حساسیت مواجهه با آثار هنری است و ممکن است فرد الزاماً هنرمند نباشد اما به یاری هنر به فرزاندگی و کمال دست یابد. براین اساس، دانش آموز، هر رشته‌ای از علوم و فنون را نیز پیشه خود سازد، می‌تواند از مطالب آن در مسیر زندگی انسانی خویش بهره‌مند شود.

رویکرد اصلی: رویکرد اصلی در این کتاب آشنایی با ساختار هنری و شناخت تحلیلی آثار هنری است. به دلیل اینکه درس هنر مبحثی چند بعدی است، کوشش شده تا مباحث نظری و تئوری همراه با انجام تمرینات عملی به گونه‌ای ارائه شود که در نهایت به تقویت تفکر، خلاقیت، برقراری ارتباط، تولید محصول، بیان احساسات، ابراز وجود، درک و فهم و تجزیه و تحلیل دانش‌آموز منجر گردد و درانتها او به یک یادگیرنده و تحلیل‌گر دائمی هنر تبدیل گردد.

رویکرد تفکر نقادانه: با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از کتاب به بیان اصول و ارکان شکل‌گیری یک اثر هنری می‌پردازد، قصد بر آن است که دانش‌آموز با یادگیری اصول به پژوهش، تحلیل و نقد آثار هنری بپردازد تا مهارت تحلیل و نقد و پرسشگری او افزایش یابد و این امر به پرورش تفکر نقادانه منجر شود.

رویکرد فعالیت محور: به دلیل آنکه هنر جنبه عملی و کاربردی دارد، برای تفهیم بهتر معانی و حس اثر باید شخص به تجربه و تمرین دست زند، هرچند که هدف، خلق یک شاهکار هنری نباشد. حضور در خلق یک اثر هنری تجربه‌ای است که به تفهیم اصول و تفکر نقادانه و تحلیل‌گرانه کمک می‌کند. پس در این کتاب سعی شده که تمرینات عملی در جهت تفهیم بهتر اصول به دانش‌آموز ارائه شود و در نهایت توانایی‌های عملی و ذهنی، درک و فهم و بیان احساسات، خلاقیت و نقد و داوری وی در حین انجام تمرینات و یادگیری اصول تقویت گردد.

رویکرد ارتباطی: در این رویکرد هنر وسیله‌ای برای برقراری ارتباط هنرمند با محیط پیرامون است. دانش‌آموز با شناخت و یادگیری عناصر، نمادها و برخی نشانه‌ها قادر خواهد شد، با آثار هنری ارتباط ژرف‌تری برقرار کند و نقش هنر به عنوان یک ابزار تأثیرگذار ارتباطی را درک نماید.

اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر دوره دوم متوسطه

اصول حاکم بر تدوین برنامه درسی هنر بر دو محور استوار است.

■ اصول عمومی که الزامات آموزشی را در برمی‌گیرد و در همه رشته‌ها حائز اهمیت است و مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

■ طراحی فعالیت‌های عملی برای استفاده و تقویت هوش‌های چندگانه

■ تقویت جنبه‌های دیداری، شنیداری، رفتاری

■ ارتقای حساسیت نسبت به پدیده‌های آفرینش

- تقویت قدرشناسی و ارج نهادن به جهان هستی و پدیده‌های موجود در آن
- تقویت تفکر و تحلیل نقادانه
- تفکر در حوزه زیبایی و شناخت زیبایی‌های طبیعت
- تقویت ارزش‌گذاری به فرهنگ و احساس نیاز به آن
- ایجاد تمایل و احساس افتخار نسبت به هویت فرهنگی
- ایجاد آمادگی در جهت حفظ هویت فرهنگی

■ اصول اختصاصی که فقط حوزه هنر را شامل می‌شود :

- محور قرارگرفتن تربیت هنری (ارتباط با جهان آفرینش و پدیده‌های آن، زیبایی‌شناسی، معرفت نسبت به میراث فرهنگی، تفکر نقادانه هنری)
- تنظیم محتوا در جهت پرورش نگاه نو و خلاقانه به محیط پیرامون
- تلقی تربیت زیباشناختی و هنری به مثابه تربیت همگانی (ص ۳۰۸ سند تحول بنیادین)
- تأکید بر فراهم آوردن زمینه گرایش و تخصص هنری در متربیان (همان)
- تأکید بر فراهم سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان
- طراحی محتوا در جهت تقویت و پرورش جنبه‌های خلاقیت
- آموزش اصول حاکم بر یک اثر هنری
- ایجاد شناخت نسبت به ارزش میراث فرهنگی و ارج نهادن به آن
- آماده‌سازی و ایجاد شوق جهت حفظ میراث فرهنگی
- پیش‌بینی فعالیت‌هایی جهت تفهیم مطالب نظری ثقیل
- آموزش مقدمات اصول حاکم بر نقد و تحلیل هنری
- مطالعه و تفکر پیرامون زیبایی‌شناسی آثار هنری
- ارزشیابی غیرمستقیم از آموخته‌های دانش‌آموزان از طریق کار عملی
- هم‌گامی کتاب و فعالیت‌ها با پیشرفت فناوری در عرصه هنری
- پیش‌بینی عدم دسترسی به ابزار و دستگاه‌های روز و طراحی فعالیت‌هایی برای استفاده از در دسترس‌ترین ابزار جهت انجام فعالیت‌های عملی

اهداف تدوین برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر دوره دوم متوسطه

طراحی و تدوین کتاب هنر، بر بستر چهار عرصه ارتباط دانش‌آموزان با خود، خالق، خلق و خلقت استوار است. این عناصر در متن دروس به صورت درهم تنیده شده گاه محسوس و گاه نامحسوس دانش‌آموز را به سمت خود هدایت می‌کند و او را به غور در جهان هستی فرا می‌خواند و جهان خلقت را همچون یک اثر هنری کامل در جلوی چشم عقل او به نمایش می‌گذارد و سپس به بیان اصول هنری به استناد در طبیعت و آثار هنرمندان برجسته می‌پردازد و او را ترغیب به عمل، تفکر و تعقل می‌کند و با این حرکت ایمان به ذات لایزال را در عمق جان او می‌نشاند. تفکر نقادانه و زیباشناسانه را به او می‌آموزد تا در تربیت نسلی متفکر، زیباشناس، نقاد و تحلیل‌گر مؤثر باشد. بر اساس این الگو برخی از مصادیق دروس در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲-۱- ارتباط محتوای درس با چهار عنصر خود، خالق، خلق، خلقت

خود	خالق	خلق	خلقت
<ul style="list-style-type: none"> - درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش (شایستگی‌های پایه ۱-۷ تعقل برنامه درس ملی) - بالا رفتن حساسیت دانش‌آموز در توجه به زیبایی‌ها در پیرامون خود و بهره‌مندی از آنها در زندگی فردی و اجتماعی - تفکر درباره‌ی خویش - مطالعه‌ی عوامل سازنده‌ی شخصیت - ارج نهادن به فرهنگ و هویت فرهنگی - بیان خود از طریق ارائه آثار هنری - بصیرت نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود (شایستگی‌های پایه ۱-۷ برنامه درس ملی تعقل) 	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی اولیه‌ی دانش‌آموز با مفاهیم بنیادی زیبایی و حُسن و ادراک احسن الخالقین - درک عظمت خالق از طریق پدیده‌های جهان - درک عظمت خالق از طریق شناخت توانایی‌های خود - احساس محبت و دوستی به خالق با دقت در جهان هستی - تفکر و تعمق در آیات قرآنی و کسب معرفت در معنا - ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او، توانمندی‌های جمعی و فردی انسان (شایستگی‌های پایه ۲-۷ ایمان) 	<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط با اطرافیان از طریق بیان هنری - آشنایی با ابزار هنری به عنوان واسطه‌ی ارتباط با دیگران - شناخت آثار و بیان شخصی آثار هنری جهان - شناخت مردم و نحوه زندگی نیاکان از روی مطالعه میراث فرهنگی - ارج نهادن به آثاری که باعث شناخت گذشتگان و فرهنگ شخص می‌شود 	<ul style="list-style-type: none"> - توجه و دقت در طبیعت و پدیده‌های آفرینش - کشف شگفتی‌های آفرینش از طریق شناخت مبانی هنری - تقویت نگاه کردن و گوش دادن فعالانه به پدیده‌های جهان هستی - الهام و اندیشه پردازی با کمک جهان خلقت - حفظ محیط زیست طبیعی - ارزش قائل شدن به مخلوقات هستی و محیط زیست (شایستگی‌های پایه ۵-۷)

ساختار کتاب

جدول ۳-۱- ساختار کتاب هنر در دوره دوم متوسطه

جدول پیشنهادی ارائه محتوای کتاب هنر در دوره دوم متوسطه در کلاس			
پودمان‌ها	تعداد جلسات پیشنهادی	مجموع ساعات	فعالیت‌های جانبی معلم
پودمان اول مطالعه مفهوم زیبایی و هنر	۴	۸	برگزاری کلاس در یک فضای باز مانند بوستان یا مزرعه، مراتع، تولید محتوای آموزشی جهت ارائه مطالب این فصل
پودمان دوم خلاقیت هنری	۶	۱۲	تعیین پروژه‌های عملی، نمایش انیمیشن یا فیلم‌های کوتاه در کلاس، پخش فیلم کوتاه در کلاس
پودمان سوم تحلیل آثار هنری	۱۲	۲۴	برگزاری برخی جلسات کلاس در فضای باز مانند بوستان‌ها، کشتزارها و... جهت نقاشی با منظره‌یاب یا عکاسی، پخش نمونه‌های صوتی و تصویری ذکر شده در کتاب، بازدید از مسجد محل جهت بررسی کاشی‌کاری‌ها، بازدید از معماری‌های تاریخی شهر یا استان خود و...
پودمان چهارم هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی	۵	۱۰	برپایی نمایشگاهی از میراث فرهنگی خانوادگی، بازدید از یک کارگاه هنرهای سنتی، دعوت از یک یا چند هنرمند هنرهای سنتی در مدرسه جهت کار و نمایشگاه و سخنرانی (برگزاری ورکشاپ)، بازدید از موزه‌ها و ابنیه تاریخی، ایجاد گروه‌های داوطلبانه برای حفاظت از میراث فرهنگی به نام «میراث بانان»
ساعات، جلسات و فعالیت‌های جانبی پیشنهادی است			

کتاب طبق جدول بالا از چهار پودمان یا فصل کلی تشکیل شده است. هر پودمان یا فصل دارای مباحث جزئی‌تر است و محتواهای تعیین شده را تشریح و تعیین می‌کنند که در ذیل به قسمت‌های طراحی شده به صورت مجزا می‌پردازیم.

الف) انتظارات: در شروع هر پودمان یک نمای کلی از محتوا در قالب انتظارات به مخاطب داده می‌شود و زمینه‌ای را آماده می‌کند تا خواننده آماده دقت در مضامین شود.

ب) محتوای آموزشی: شامل کلیه مباحثی می‌شود که به‌طور مستقیم یا در قالب فعالیت‌های مستتر در آنها سعی در تشریح و توضیح مفاهیم و اهداف درس شده است.

از متن دروس هیچ امتحان کتبی صورت نمی‌گیرد و یادگیری دانش‌آموز و احتساب نمره فقط از طریق انجام فعالیت‌های تعیین شده در کتاب و از سوی معلم و به صورت فرایند محور انجام می‌پذیرد.

فعالیت‌های داخل متن: باعث مشارکت هرچه بیشتر دانش‌آموز در کلاس و فرایند تدریس می‌شود. و به تفهیم درس بسیار کمک می‌کند. پس لازم است در صورت برخورداری از امکانات لازم، فعالیت‌ها در کلاس انجام شود یا با صلاح‌دید دبیر تمرینات دیگری در حد تجهیزات دانش‌آموزان و کلاس جایگزین تمرینات کتاب شود. بهتر است معلم برای انجام این فعالیت‌ها، نمره‌ای برای دانش‌آموزان اختصاص دهد. **فعالیت‌های انتخابی:** فعالیت‌هایی هستند که معلم با توجه به شرایط کلاس و سنجیدن فرصت تدریس آنها را جهت انجام مشخص می‌نماید. این فعالیت‌ها در شاخص ارزیابی جزء فعالیت‌های داوطلبانه نمره‌گذاری می‌گردند.

فعالیت‌های انتخابی پایان پودمان: دانش‌آموزان از بین چند فعالیت می‌توانند یک فعالیت را جهت پروژه پایان پودمان خود انتخاب کنند و به انجام آن بپردازند. اهداف دنبال شده در این فعالیت‌ها جزئی از این پودمان است. این فعالیت به همراه فعالیت‌های کلاسی نمره‌یابی این پودمان را تشکیل می‌دهد.

نگاهی به روش‌های فعال یاددهی – یادگیری با مثال‌هایی از — درس هنر

روش‌های فعال یاددهی و یادگیری در آموزش برای معلم همانند ابزارهایی در دستان یک جراح حاذق است. هرچه ابزارها کامل‌تر کار ایمن‌تر، موفق‌تر، دقیق‌تر و ساده‌تر خواهد بود. اما نکته مهم این است که فقط جمع‌آوری ابزار کافی نیست. استفاده صحیح و به جا، به اندازه وجود یک وسیله مهم است. به عبارت ساده‌تر دانستن و استفاده از روش‌های فعال یاددهی و یادگیری و یا آشنایی با رویکردهای آن به تنهایی کافی نیست. احاطه بر اینکه کدام روش در چه نوعی از محتوا نتیجه بهتری خواهد داد، در نتیجه یک تدریس موفق، تأثیر خواهد داشت.

«بهترین معلم، کسی است که دارای قابلیت خلق روش‌های تازه است و بهترین روش‌ها، روشی خاص نیست؛ بلکه یک هنر است (روش متکی به عمل هنرمندانه است). هر معلمی باید تلاش کند در خود، قابلیت کشف روش‌های جدید را بیرون بیاورد» (دال، ۱۹۸۷. نقل در مهر محمدی، ۱۳۸۶، ۳۴)

در صفحات بعد روش‌های فعال یاددهی – یادگیری با ارائه مثال‌ها و توضیحاتی کاربردی در تدریس ارائه شده است. شرح روش‌ها، برگرفته از «نگاهی به روش‌های فعال کمیسیون کیفیت بخشی به یاددهی – یادگیری دفتر آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی» است که با اضافه کردن مصداق‌هایی از تدریس مفاهیم همین کتاب در اینجا آمده است.

۱. روش دریافت مفهوم :

در این روش مفاهیم و تعاریف به طور مستقیم در اختیار دانش آموز قرار نمی‌گیرد بلکه ابتدا مثال‌ها و نمونه‌هایی ارائه می‌شود و سپس دانش آموزان خودشان ویژگی مفهوم و تعریف آن را به دست می‌آورند. این روش فرصت تحلیل و رشد شیوه‌های مؤثر تفکر را برای دانش آموزان فراهم می‌سازد. هرگاه معلم نمونه‌هایی را به دانش آموزان ارائه دهد و سپس با راهنمایی، آنها را به مفهوم، هدایت کند، نتیجه یادگیری، در ذهن فرد ماندگارتر خواهد بود. این روش در مقایسه با حالتی که ابتدا تعریف مفهوم و سپس نمونه‌ها و مثال‌ها به فراگیر ارائه می‌شود، بسیار مؤثرتر خواهد بود.

مراحل تدریس :

۱ عرض نمونه‌ها

۲ دستیابی به مفهوم

۳ بررسی فرایند تفکر

مثال : پودمان چهارم، خصایص فرهنگ ایرانی - اسلامی، صفحه ۱۲۵

معلم برای رساندن دانش آموزان به ماهیت و مفهوم درس ابتدا قصد دارد تعریفی از فرهنگ را ارائه کند به همین دلیل روش دریافت مفهوم را برای تدریس انتخاب می‌نماید. ابتدا جدولی را روی تخته رسم می‌کند و بدون اشاره به موضوع، عوامل تشکیل دهنده آن را در جدول، زیر عبارت بلی می‌آورد و مواردی را که مد نظرش نیست زیر عبارت خیر می‌نویسد.

آنگاه معلم به دانش آموزان توضیح می‌دهد : به جدول توجه کنید. برخی مفاهیم با بلی مشخص شده‌اند؛ این موارد مد نظر من است و آنچه مد نظر من نیست، زیر عبارت خیر آمده است. موارد جدول را باهم مقایسه کنید و آنچه را در ذهن من است، حدس بزنید.

جدول ۴-۱

خیر	بلی
پیروی از مد	تفکرات و اندیشه‌ها
شبکه‌های مجازی	آداب و رسوم
مصرف گرایی	مذهب
فینگلیش	زبان فارسی
تفنن	هنر

جدول ۴. جدول دریافت مفهوم

فرضیه‌هایی در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. معلم برای هدایت دانش‌آموزان می‌تواند موارد دیگری را هم به جدول اضافه کند تا آنها را به جواب درست رهنمون سازد. سپس مفهوم با کمک معلم شکل می‌گیرد. در اینجا لازم است معلم از دانش‌آموزان دربارهٔ جریان فکری آنها سؤال کند:

ابتدا به چه فکر می‌کردید؟

چرا این گونه فکر می‌کردید؟

نمونهٔ بالا یک مثال از روش تدریس دریافت مفهوم کتاب هنر است. در این حالت دانش‌آموز فعالانه در تشکیل ارائهٔ مفهوم درس شرکت می‌کند و خود به مفهوم دست می‌یابد.

۲. روش بارش فکری :

این روش یک همکاری گروهی در حل مسئله است. به نظر پژوهشگران روش بارش فکری به پرورش مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان کمک مؤثری می‌کند و آموزش از این طریق باعث پرورش حل خلاق مسئله در آنان می‌گردد. اسبورن مبدع روش بارش فکری عقیده دارد در صورتی که قواعد و مقررات مشخصی برای جلسات بارش فکری در نظر گرفته و رعایت شود، این روش بسیار کارآمدتر خواهد شد.

چهار قاعدهٔ اساسی بارش فکری :

۱/ **انتقاد ممنوع** : این مهم‌ترین قاعدهٔ بارش فکری است. در جریان بارش فکری افراد اندیشه‌های غلط یا صحیح خود را ارائه می‌دهند، هر گونه انتقاد یا اعتراض، روند فعالیت را کند می‌کند و فکر آنان را به جای تفکر دربارهٔ موضوع مورد نظر، به سوی انتقاد و حتی واکنش در مقابل انتقاد سوق می‌دهد و چه بسا به مشاجره منتهی شود. (منوچهر فضلی/ راهنمای عملی روش مشارکتی/ صفحه ۷۶).

۲/ **تمامی اظهار نظرها مورد قبول است** : این قاعده برای جرئت بخشیدن به پیشنهادها شرکت‌کنندگان است.

۳/ **جمع‌آوری بیشترین نظرات** : هر چه تعداد نظرات بیشتر باشد، احتمال وجود موفقیت برای رسیدن به حل مسئله بیشتر است.

۴/ **بهبود پیشنهادهای قبلی** : در این روش فرد می‌تواند در ادامهٔ بحث پیشنهاد اولیه خود را بهبود دهد. مثال : معلم برای ارائهٔ درس صیانت از میراث فرهنگی در صفحهٔ ۱۳۵ در پودمان ۴ روش بارش فکری را انتخاب کرده است. او ابتدا توضیح می‌دهد داشته‌های هنری و فرهنگی هر ملتی هویت فرهنگی آن ملت را تشکیل می‌دهد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مانند شناسنامه‌ای برای یک کشور است و دانش‌آموزان را با توضیحات خود از اهمیت موضوع آگاه می‌سازد. سپس سؤال زیر را مطرح می‌کند :

چگونه می‌توان از میراث فرهنگی محافظت کرد؟

سپس معلم چهار قانون بالا را روی تابلوی کلاس می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا در گروه‌های خود به مدت معینی درباره موضوع مورد نظر مشورت کنند و نتایج گفت و گوهای خود را یادداشت و نظرات نامناسب حذف و مابقی را طبقه‌بندی کنند.

پس از به پایان رسیدن وقت مشورت، یک نماینده از هر گروه نتایج به دست آمده از گروه خود را روی تابلوی کلاس می‌نویسد و معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا درباره این نتایج اظهار نظر کنند.

■ کدام نظرات مناسب‌اند؟

■ کدام نظرات نامناسب‌اند؟

■ کدام نظرات مهم‌ترند؟

۳. روش پیش‌سازمان دهنده :

در این روش مطالب درسی به طور مستقیم هدف قرار می‌گیرند و یادگیرنده مطالب جدید را به مطالبی که قبلاً آموخته، مرتبط می‌سازد. بدین صورت یادگیری معنادار خواهد شد. اگر چنین یادگیری‌ای خوب انجام گیرد، پردازش فعال اطلاعات را بهتر می‌سازد.

مراحل تدریس پیش‌سازمان دهنده :

■ پیش‌سازمان دهنده (محتوای درس) به صورت سخنرانی، بحث، فیلم و... ارائه می‌شود.

■ تعاریف دقیق بیان می‌شوند.

■ مثال‌هایی جهت تفهیم درس می‌آید.

و دانش‌آموز بین دانش قبلی و جدید خود ارتباط برقرار می‌نماید.

مثال : معلم تصمیم دارد برای تدریس ترکیب بندی آواها و شکل‌گیری اثر هنری صفحه ۱۰۰ از روش

پیش‌سازمان دهنده استفاده کند. در این الگو ابتدا معلم با طرح سؤال، هدف درس را مشخص می‌کند.

به نظر شما چه عواملی باعث ایجاد تفاوت و تنوع صوتی در یک آواز می‌شود؟

معلم سپس از بین پاسخ‌های دانش‌آموزان پاسخ‌های نزدیک‌تر را تأیید می‌کند و به بیان عناصر اصلی

سازنده آثار هنری صوتی می‌پردازد و بدین ترتیب به تشریح کامل درس می‌پردازد و مثال‌هایی را در جهت

تفهیم درس بیان می‌دارد و دانش‌آموزان نیز مثال‌های صوتی را که به خاطر می‌آورند بیان می‌کنند و به کمک

معلم بهترین مثال‌ها انتخاب و برای تفهیم تکرار می‌شوند.

۴. روش تدریس اعضای تیم :

یادگیری از طریق همیاری اساس روش این نوع از تدریس است. پژوهشگران بر این باورند که یادگیری یک فرایند اجتماعی است و فعالیت‌های یادگیری برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات حیاتی است. در این نوع یادگیری دانش‌آموزان درگیر یادگیری خواهند شد.

این روش بر دو فرضیه استوار است :

- ۱ هر یک از شرکت‌کنندگان قسمت متفاوتی از موضوع درس را که قرار است همه یاد بگیرند، می‌خواند.
- ۲ هر دانش‌آموز در گروه هم به عنوان معلم درس می‌دهد هم به عنوان دانش‌آموز یاد می‌گیرد. (پس از انجام این مراحل معلم توضیحات ضروری و تکمیلی را ارائه می‌کند).

مراحل اجرای روش تدریس اعضای تیم

- ۱ آمادگی فردی
 - ۲ کار تیمی
 - ۳ آزمون
 - ۴ نقد و بررسی
 - ۵ جمع بندی
- مثال : معلم قرار است شکل‌گیری گروه و دسته‌بندی عناصر در صفحه ۷۳ را با این روش تدریس کند.
- (الف) ابتدا دانش‌آموزان را به گروه‌های ۵ نفره تقسیم می‌کند.
- (ب) سپس به هر فرد گروه از شماره ۵-۱ یک شماره اختصاص می‌دهد.
- (ج) روی تابلوی کلاس این تقسیم‌بندی را می‌نویسد.

۱ مجاورت

۲ مشابهت

۳ تداوم

۴ خاتمه

۵ وضعیت عمومی

- (د) معلم تصاویر زیادی درباره اصول گشتالت به دانش‌آموزان نشان می‌دهد.
- (ه) اکنون از شماره ۱ هر گروه می‌خواهد درباره اصل مجاورت، شماره‌های ۲ مشابهت، شماره‌های ۳ تداوم و شماره‌های ۴ خاتمه، و شماره‌های ۵ وضعیت عمومی را به مدت معینی از روی کتاب مطالعه کنند.

پس از پایان مدت باید شماره‌های ۱ از تمامی گروه‌ها جمع شوند و دربارهٔ مطلب مجاورت با یکدیگر به گفت‌وگو و تبادل اطلاعات بپردازند و بقیهٔ شماره‌ها نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. اکنون هر نفر به گروه خود بازمی‌گردد و مطلب مورد مطالعهٔ خود را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد. در این حالت معلم در بین گروه‌ها حضور دارد و بر روند کار نظارت می‌کند. در پایان ۵ نفر را انتخاب می‌کند تا در مورد موضوع مورد تدریس برای کل کلاس توضیح دهند و خود نیز توضیحات تکمیلی را خواهد داد. در پایان، کار گروه‌ها نقد و بررسی گردیده و نمره‌ای به هر گروه تعلق خواهد گرفت.

۵. روش حل مسئله :

هرگاه دانش‌آموز با موقعیتی روبه‌رو شود که نتواند با استفاده از اطلاعات و مهارت‌های خود سریعاً به آن پاسخ دهد، می‌گویند با مسئله‌ای روبه‌رو شده است. مسئله را نمی‌توان با اولین پاسخی که به ذهن می‌رسد، حل کرد. حل کردن مسئله مستلزم تفکر، جست‌وجو و کشف مناسب‌ترین راه حل برای آن است. یادگیری از این طریق، دانش‌آموزان را ترغیب به ارائهٔ راه‌حل‌ها و فرضیه‌سازی می‌کند و سپس به آنها کمک می‌کند تا تجزیه و تحلیل کنند و دربارهٔ رد یا قبول فرضیه‌ها تصمیم‌گیری کنند. مزیت مهم این روش پرورش تفکر در دانش‌آموزان است.

نکات :

- بهتر است مسائل را از محتوای کتاب انتخاب کنید و آن را با زندگی روزانه دانش‌آموز ارتباط دهید.
- با سؤالات تفکر برانگیز ذهن دانش‌آموزان را به تلاش وادارید.
- دانش‌آموزان را تشویق کنید برای حل مسئله روش‌های گوناگون را بررسی کنند (حتی راه‌حل‌های غیرمعمول).

مثال : معلم می‌خواهد مبحث زیبایی‌شناسی در صفحهٔ ۲۰ کتاب هنر را با روش حل مسئله تدریس کند. ابتدا تصاویر زیبایی از طبیعت، تابلوهای نقاشی، معماری اسلامی و... را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد؛ سپس پرسش زیر را مطرح می‌کند.

«به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود که ما یک پدیده را زیبا بنامیم؟»

در این حالت برای طبقه‌بندی و نظم بهتر افکار دانش‌آموزان می‌تواند جدول خام زیر را ارائه دهد تا دانش‌آموزان بتوانند در آن افکار خود را به صورت طبقه‌بندی شده بنویسند. مانند نمونه زیر:

جدول ۵-۱- جدول طبقه‌بندی افکار

مسئله: به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود تا ما یک پدیده را زیبا بنامیم؟	
<p>۱. به دلیل وجود برخی از ویژگی‌ها، روی زیبایی بعضی از پدیده‌ها توافق جمعی وجود دارد.</p> <p>۲. در بعضی موارد هر فرد احساس ویژه‌ای نسبت به یک پدیده دارد و احساسات مشترکی با دیگران در این زمینه وجود ندارد. (تلقی زیبایی در بسیاری از موارد نسبی است)</p>	آنچه می‌دانیم
<p>۱. چه عواملی وجود دارد که ما از دیدن یک پدیده احساس زیبایی می‌کنیم؟</p> <p>۲. احساس زیبایی از چه چیزی در درون ما به وجود می‌آید؟</p>	آنچه نیاز داریم، بدانیم
<p>۱. عواملی مانند رنگ، شکل، اندازه، نظم</p> <p>۲. احساس شادی، احساس آرامش، احساس تمیزی</p> <p>۳. احساس نیاز، احساس کمال، احساس شکوه</p>	ایده‌ها و راه‌حل‌ها (فرضیه‌ها)
<p>۱. مطالعه کتاب درسی</p> <p>۲. گفت‌وگو و همفکری</p> <p>۳. استفاده از کتاب‌های کتابخانه</p> <p>۴. استفاده از منابع معتبر در اینترنت</p>	آنچه برای جمع‌آوری اطلاعات باید انجام دهیم

این یک نمونه از جدولی است که یک گروه از دانش‌آموزان تهیه کرده‌اند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا جداول خود را ارائه و از اندیشه‌های خود دفاع کنند و اگر بعضی نظرات رد شد، به عوامل و اندیشه‌های دیگر بیندیشند و فکر خود را اصلاح و آن را مجدداً ارائه کنند. سپس با اشاره به اندیشه‌های درست، معلم توضیحات تکمیلی ارائه و درس را جمع‌بندی می‌کند. در مرحله بعد برای تثبیت آموخته‌ها پرسش شفاهی از دانش‌آموزان صورت می‌گیرد.

۶. روش تدریس مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT:

این روش به بهره‌گیری از فناوری‌های روز برای تدریس اطلاق می‌شود و فقط به رایانه ختم نمی‌شود. با توجه به پیشرفت فناوری و علاقه روزافزون دانش‌آموزان نسبت به استفاده از این ابزار، این روش بسیار مفید می‌تواند باشد و در صورت مجهز بودن فضای آموزشی، کلاسی پویاتر و پرنرژی‌تر خواهید داشت. در انتخاب فناوری مناسب به‌تراست به‌دو نکته توجه شود:

- ۱ کیفیت فناوری مفید و تأثیرگذار بودن آن
- ۲ قابلیت کاربرد آن در موقعیت‌های خاص آموزشی

مراحل تدریس

ایجاد/نگیژه: ابتدا برای دانش‌آموزان با نمایش فیلم، انجام آزمایش، تصاویر و تجهیزات کمک آموزشی مختلف باید ایجاد انگیزه کرد.

کاوش و جست‌وجو: دانش‌آموزان پیرامون ابهامات به وجود آمده در منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی به جست‌وجو پردازند.

تجزیه و تحلیل: نتایج به دست آمده را تجزیه و تحلیل کنند و درباره آن توضیح دهند.

مثال: دبیر هنر روش ICT را برای ارائه درس فضای دوبعدی – عناصر و فضا صفحه ۵۲ کتاب انتخاب کرده است. کلاس در اتاق سایت مدرسه تشکیل شده و تمامی دستگاه‌ها به اینترنت وصل اند.

معلم ابتدا جلوی کلاس روی میز چندین جسم و چند پارچه را قرار می‌دهد. دانش‌آموزان از قبل گروه‌بندی شده‌اند. معلم به تناسب زمان کلاس از چند گروه می‌خواهد تا اجسام را با بهترین ترکیب روی میز بچینند. پس از اتمام کار از دانش‌آموزان کلاس سؤال می‌کند:

- ۱ ترکیب‌های چیده شده چگونه است؟ چرا؟
- ۲ ترکیب‌بندی خوب دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳ چند نوع ترکیب‌بندی وجود دارد؟

دانش‌آموزان برای یافتن پاسخ سؤالات و جمع‌آوری اطلاعات می‌توانند به اینترنت رجوع کنند. یکی از سایت‌هایی که معلم معرفی می‌کند سایت زیر است.

<http://www.tebyan.net/>

حال دانش‌آموزان برای به دست آوردن جواب‌های درست، به تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده می‌پردازند. سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد:

برنامه power point را باز کنند و با استفاده از ابزار shapes در چندین اسلاید ترکیب‌بندی‌های مختلفی

از فرم‌های دایره، مربع و مثلث ایجاد کنند و توضیحاتی درباره علت انتخاب این نوع از ترکیب‌بندی بنویسند. معلم برای آنها در منزل نیز تکلیفی طراحی می‌کند.

۱ فرم‌های دایره، مربع و مثلث را انتخاب کنید و با ابزار 3D Effects آنها را به حالت سه‌بعدی درآورد و آنها را در صفحه ترکیب کنید. (این روش برای صفحه ۸۵ تمرین سه‌بعدی نیز مؤثر است).

۲ تعدادی از تابلوهای رضا عباسی، فرشچیان، لئوناردو داونچی یا گوگن را انتخاب کنید و آنها را از لحاظ ترکیب‌بندی بررسی نمایید. تابلوها را در پاورپوینت قرار دهید و به وسیله ابزار shapes عناصر اصلی شکل دهنده ترکیب‌بندی آنها را مشخص نمایید.

۷. روش تدریس مبتنی بر ساختن‌گرایی 5E:

این روش تدریس بر اساس انرژی، تعامل و هم‌فکری دانش‌آموزان بنا نهاده شده است. یادگیری به این شیوه دانش‌آموزان را وادار به خواندن، نوشتن، پژوهش، تجزیه و تحلیل، تفکر و محاسبه، مراجعه به منابع مختلف و اطلاعات گذشته و حال می‌کند. یادگیری به شیوه 5E به فرد انگیزه بیشتری برای آموختن می‌دهد. در این روش معمولاً دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک به یاری هم به یادگیری موضوع مورد نظر می‌پردازند. این مدل در ۵ مرحله اجرا می‌شود.

۱ انگیزش: طرح یک فعالیت از سوی معلم مانند طرح معما یا سؤال یا داستان تفکر برانگیز.

۲ جست و جوگری: دانش‌آموزان از طریق گروه به کاوش می‌پردازند.

۳ تشریح: دانش‌آموزان برای کارهای خود توضیح منطقی ارائه می‌کنند.

۴ گسترش: معلم به دانش‌آموزان راه جمع‌آوری اطلاعات بیشتر را نشان می‌دهد.

۵ ارزشیابی: ارزشیابی از لحظات اول کلاس شروع و تا آخر ادامه می‌یابد.

مثال: معلم برای مبحث تصویر در تصویر و تصاویر چند موضوعی صفحه ۶۹ پودمان ۳، روش تدریس مبتنی بر ساختن‌گرایی را انتخاب کرده است. او می‌گوید امروز برای شما دو داستان تعریف خواهیم کرد و از شما می‌خواهم به هر دو داستان بادقت گوش دهید و تصاویر آنها را در ذهن مجسم کنید. برای دانستن جزئیات داستان‌ها، باید به کتاب‌های کتابخانه مدرسه رجوع کنید. (باتوجه به زمان کم و کم‌حوصلگی دانش‌آموزان معلم داستان‌ها را بسیار خلاصه بیان می‌کند).

اولین داستان او ماجرای غدیرخم است. معلم داستان را از صحنه مراسم طواف شروع می‌کند. او برای دانش‌آموزان از اسرار طواف می‌گوید. از آنان سؤال می‌کند چرا باید گردخانه کعبه چرخید. دانش‌آموزان حدس‌هایی می‌زنند. سپس معلم توضیح می‌دهد این چرخیدن ریشه‌ای آسمانی دارد و می‌گوید خداوند در

قرآن می‌فرماید «در آن روز فرشتگان را مشاهده می‌کنی که گرداگرد عرش الهی درآمده‌اند». (سوره زمر آیه ۷۲) بنابراین سر طواف تشبیه به فرشتگان و همانندی با توبه ملائکه است و ادامه می‌دهد. در آن سال حجاج همراه پیامبر هفت بار گرد خانه خدا چرخیدند و وقتی مراسم حج تمام شد، در راه بازگشت به محلی به نام غدیر خم رسیدند و جبرئیل از سوی خداوند، به پیامبر وحی فرستاد: «ای فرستاده ما! تمام آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن؛ و اگر این کار را نکنی رسالت خود را تکمیل نکرده‌ای.» (سوره مائده، آیه ۶۷). آنگاه پیامبر فرمود: «من در میان شما دو چیز نفیس و گران‌بها می‌گذارم: یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من.» آنگاه فرمود: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة»؛ (هر کس من مولای او هستم، این علی مولای اوست).

معلم از دانش آموزان می‌پرسد: آیا توانستید تصاویر را به ذهنتان بسپارید؟ سپس داستان دوم را تعریف می‌کند. داستان جنگ رستم و اکوان دیو: اکوان دیو به شکل یک گورخر وحشی، به گله‌های اسب کبخسرو آسیب می‌رساند. رستم در نبرد با این دیو، هر بار که سوار بر رخس، به او یورش می‌برد، دیو ناپدید می‌شود. در این نبرد رستم، خسته در کنار چشمه‌ای به خواب می‌رود که در همان زمان اکوان به او حمله می‌کند و او را اسیر می‌سازد. اکوان دیو به رستم می‌گوید که او را به دریا افکند یا به کوهستان؟ رستم چون می‌داند که کار دیو واژگونه است، به دیو می‌گوید که مرا به کوه بیفکن و «چون به آب افکنده می‌شود»، با شنا خود را نجات می‌دهد. بعد از آن دیو را یافته با او روبه‌رو می‌شود و برای شکست او نام خدا را بر زبان می‌آورد تا دیو، جادو به کار نبندد و سر دیو را می‌برد (دیو اشاره به خلق و خوی و رفتارهای دیوگونه دارد). معلم سعی می‌کند شیوه نقلی را در بیان داستان خود برای جذاب‌سازی بیاورد. حالا از دانش آموزان می‌خواهد با توجه به صحنه‌های همین داستان و با داستان غدیر خم و با مطالعه بقیه داستان‌ها شروع به یک نقاشی گروهی نمایند.

اکنون دانش آموزان به صورت گروهی با استفاده از نسخه‌های شاهنامه که در کتابخانه موجود است و یا با استفاده از اینترنت به مطالعه داستان‌های مختلف شاهنامه یا داستان‌های ایرانی و یا اسلامی می‌پردازند و درباره صحنه‌های داستان گفت‌وگو می‌کنند و به سؤالات پیش‌آمده پاسخ می‌دهند. اکنون طرح کلی کار آماده شده؛ هر گروه به کار روی پرده خود به صورت تصویر در تصویر و یا تصاویر چند موضوعی یا حالت‌های دیگر می‌پردازند. معلم در تمام مدت گروه‌ها را زیر نظر دارد و از آنها درباره داستان یا طرح اولیه سؤال می‌کند. پس از اتمام کار هر گروه پرده خود را در کلاس به نمایش می‌گذارند و کار خود را توصیف می‌کنند. کارها به خواست معلم توسط دانش آموزان از نظر قاب‌بندی دسته‌بندی می‌شود. معلم به کارهای دانش آموزان رجوع می‌کند و از روی کارها درباره نوع قاب‌بندی و انواع آن از دانش آموزان سؤالاتی

می‌کند، و آنها توضیح می‌دهند در این حالت این مبحث توسط خود دانش‌آموزان آموخته می‌شود. برای هفته آینده معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا با مطالعه دقیق کتاب درباره کار خود در یک ورقه توضیحاتی را بنویسند و در کنار کار به دیوار نصب کنند. با استفاده از کتاب‌ها و اینترنت در عکس‌های حرفه‌ای انواع قاب‌بندی را جست‌وجو کنند به کلاس بیاورند و یا بیان نمایند و اتودهای مختلفی از قاب‌بندی متفاوت سوژه خود به همراه داشته باشند و با دوستان خود در مورد آنها به گفت‌وگو بپردازند.

۸. تفکر استقرایی :

روش تفکر استقرایی برای تکوین مفهوم و آموزش همزمان مفاهیم تدوین شده است. این روش برای کمک به رشد تفکر استقرایی (منطقی) ذهنی به خصوص توان طبقه‌بندی بسیار مفید است. مهم‌ترین کاربرد این الگو بهبود ظرفیت تفکر است و دانش‌آموزان را به کسب و پرورش اطلاعات بسیاری در درون ذهن خود وامی‌دارد.

مراحل تدریس

۱. تکوین مفهوم

۱ فهرست کردن مطالب

۲ گروه‌بندی براساس ویژگی‌های مشترک

۳ عنوان‌دهی و طبقه‌بندی

۲. تشخیص و تعیین جنبه‌های شاخص

۴ کشف روابط و استنتاج

۳. کاربرد اصول

۵ پیش‌گویی نتایج، توضیح پدیده‌های جدید و فرضیه‌سازی

۶ توضیح یا پشتیبانی از فرضیه‌ها

۷ تصدیق پیش‌گویی

مثال: روش تدریس انتخابی معلم برای درس فضاهای سه بعدی (فضاهای منفی و مثبت صفحه ۸۶ کتاب پودمان ۳) تفکر استقرایی است. معلم چند تصویر از تابلوی اشیای بی جان را به دانش آموزان نشان می دهد و از آنها می پرسد کدام قسمت از این فضاها در کادر، منفی و کدام مثبت هستند. جواب ها با هدایت معلم توسط خود دانش آموزان تصحیح می شوند سپس تصاویری از ابنیه تاریخی را بین گروه ها تقسیم می کند و از آنان می خواهد تا فضاهای مثبت و منفی تصویر را فهرست کنند و در جدول زیر قرار دهند.

جدول ۱-۶ طبقه بندی اطلاعات به روش استقرایی

فضاهای مثبت	فضاهای منفی

سپس تصویر هر گروه برای کل کلاس به نمایش درمی آید و جدول طبقه بندی آن توسط دانش آموزان خوانده می شود و توسط بقیه گروه ها ارزیابی و تصحیح می شود. به این ترتیب محتوای درس توسط تفکر منطقی دانش آموزان و تجزیه و تحلیل و طبقه بندی آنها انجام می شود. معلم از دانش آموزان می خواهد تا فضاهای منفی و مثبت کلاس را نیز بررسی و طبقه بندی کنند و جدول را یکی از دانش آموزان رسم کند و چیدمان کلاس از لحاظ تعادل فضای مثبت و منفی بررسی شود. پیشنهاد می شود دانش آموزان هر یک از تمرینات مربوط به فضا را برای هر بخش از منزل خود نیز انجام دهند تا چیدمان متعادلی به دست بیاورند. روش تفکر استقرایی را معلم برای تدریس فضاهای بسته، نیم بسته و باز هم به کار می برد.

۹. کاوشگری:

روش کاوشگری مبتنی بر این است که یادگیرنده مستقل بار بیاید. کاربرد این روش، مستلزم فعالیت به صورت کاوشگری علمی است. در این روش به فراگیران مسیر مناسبی برای پدید آمدن نظم ذهنی و مهارت لازم برای سؤال کردن تعاملی و پاسخ گویی به سؤال هایشان ارائه می شود. در این روش معلم و دانش آموز به راحتی با یکدیگر همکاری می کنند. کاوشگری را معلم می تواند به صورت هدایت شده کنترل کند.

مراحل تدریس

۱ برهم زدن تعادل

۲ برشگری

۳ فرضیه سازی

۴ آزمایشگری

۵ تحلیل و نتیجه گیری

مثال: معلم برای درس حرکت و رفتار صفحه ۱۸ بودمان ۱، روش کاوشگری را انتخاب می کند و در ابتدای کلاس ۱۰ دقیقه از یک فیلم یا نمایش نامه را برای دانش آموزان نمایش می دهد، سپس از دانش آموزان می پرسد نفر اول داستان به نظر شما چه خصوصیتی داشت. دانش آموزان حدس هایی می زنند. در مرحله بعد معلم راجع به دو فرد دیگر موجود در فیلم سؤال می کند و آنان پاسخ می دهند. معلم از دانش آموزان سؤال می کند از کجا فهمیدید که این افراد چنین خصوصیتی داشتند. آنان مثال هایی از پوشش و رفتار آنها می زنند. معلم بیشتر از آنان درباره رفتار و شخصیت آنها سؤال می کند. آنها می توانند مطالبی را بیان کنند به همین طریق کم کم زبان بدن را کشف می کنند.

در اینجا معلم دانش آموزان را به ۵ گروه تقسیم می کند. به هر گروهی از دانش آموزان بررسی رفتار و حرکات یک قسمت از اعضای بدن شامل سر، دست ها، چشم ها، پاها، حالت چهره را پیشنهاد می کند و آنها را با همان اعضا نام گذاری می کند. از آنان می خواهد تا در گروه به بررسی حرکات آن عضو و حالت های مختلف آن در موقعیت های متفاوت بپردازند و نتایج بررسی و کاوش خود را یادداشت کنند.

سپس به مرحله چهارم کاوشگری می رسد. از دانش آموزان داوطلب پرسش هایی توسط هر گروه می شود. معلم به داوطلبان این آزادی را می دهد که به هر سؤالی که دوست نداشتند، پاسخ ندهند. سؤالات از طرف معلم کنترل می شود. نمونه ای از سؤالات دانش آموزان:

■ آیا تا به حال ترسیده ای؟ از چه چیزی؟ چرا؟

■ به درس ریاضی علاقه مند هستی؟ چرا؟

در مورد بهترین دوستت صحبت کن؛ بدون اینکه نامی از او ببری.

هنگام پاسخ گویی به این سؤالات دانش آموزان حرکات بدن فرد را یادداشت می کنند. در انتها هر گروهی

با توجه به اسم خود به تحلیل حرکات بدن دوستانشان می پردازند و نتایج را با نوشته های خود کنترل می کنند.

ارزشیابی

- ارزشیابی یکی از ارکان مهم در برنامه‌درسی است. هدف از انجام ارزشیابی در درس هنر موارد زیر است:
- اطلاع از میزان آگاهی و آمادگی دانش‌آموزان برای شروع آموزش مطالب جدید
 - شناخت نقاط ضعف و قوت و اثربخشی تدریس
 - میزان تحقق اهداف آموزشی
 - تثبیت آموخته‌ها
 - آشنایی با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
 - آگاهی از توانایی‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان

نکته مهم: ارزشیابی در این درس به صورت فرایند محور یا کار پوشه براساس جدول زیر صورت می‌گیرد. کارپوشه مجموعه‌ای شامل بهترین کارهای انجام شده است و براساس توانایی یادگیرنده، ارزیابی می‌شود.

محتویات کار پوشه

لازم است ارزیابی از کارهای منتخب فرد که با توافق معلم و دانش‌آموز در طی یک ترم انجام شده است؛ شامل فعالیت‌های کلاسی، تمرین‌های منزل، پروژه‌های تعریف شده، متون، سی‌دی، دست‌سازها و... با توجه به عوامل یاد شده در جدول ارزیابی از دانش‌آموز به صورت نمره ثبت گردد.

نکته: بعضی از فعالیت‌ها از طرف دبیر یا کتاب به صورت گروهی انجام گرفته است. هنگام ثبت نمره بهتر است موارد زیر در نظر گرفته شود:

الف) ارزشیابی فرد در گروه

ب) ارزشیابی کل گروه

ارزشیابی فرد در گروه با توجه به میزان فعالیت و مشارکت فرد صورت می‌گیرد.

جدول ۷-۱- ارزشیابی از کتاب هنر دوره دوم متوسطه - پودمان اول - مطالعه مفهوم زیبایی و هنر

نمره	مشاهده تحقق اهداف (ارزشیابی مستمر نوبت اول و دوم)	عناوین پودمان های کتاب پایه دهم
۴	شرکت در بحث و گفت و گوهای کلاسی و فعالیت درگروه	پودمان (۱) مطالعه مفهوم زیبایی و هنر
۴	ارائه ایده های خلاقانه	
۱۰	انجام فعالیت های تعیین شده از سوی معلم	
۲	نظم و انضباط کارگاهی (کلاسی)	
۲۰	جمع	
۱۰	انجام فعالیت های تعیین شده از سوی معلم	پودمان (۲)
۴	ارائه ایده های خلاقانه	
۴	رعایت عناصر زیبایی شناسی در خلق اثر هنری	
۲	نظم و انضباط کارگاهی (کلاسی)	
۲۰	جمع	
۱۰	انجام فعالیت های تعیین شده از سوی معلم	پودمان (۳)
۴	ارائه ایده های خلاقانه و فعالیت های داوطلبانه در حفظ میراث فرهنگی	
۴	تحلیل آثار هنری	
۲	نظم و انضباط کارگاهی (کلاسی)	
۲۰	جمع	
۴	شرکت در بحث و گفت و گوهای کلاسی	پودمان (۴)
۴	انجام فعالیت های تعیین شده از سوی معلم	
۴	ارائه ایده های خلاقانه و فعالیت های داوطلبانه	
۲	نظم و انضباط کارگاهی (کلاسی)	
۲۰	جمع	
۸۰	جمع کل	

فصل ۲

مروری بر درس‌ها

- بودمان اول مطالعه مفهوم زیبایی و هنر
- بودمان دوم خلاقیت هنری
- بودمان سوم تحلیل آثار هنری
- بودمان چهارم هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی

مطالعه مفهوم زیبایی و هنر

پودمان
اول

اهداف کلی پودمان

- ۱ تربیت مخاطب به عنوان یادگیرنده مادام العمر هنر
- ۲ تقویت مهارت تحلیل، ارزیابی و تشخیص آثار فاخر هنری

روش های تدریس پیشنهادی

برای تدریس هر قسمت از کتاب معلم می تواند با توجه به تجربه خود، و به نسبت مبحث مورد نظر، روش تدریس خاصی را به کار ببرد. روش هایی که در این قسمت می آید. همان طور که از نام آن معلوم است، کاملاً پیشنهادی است و سعی شده در انتخاب روش تدریس حتماً از روش های فعال استفاده شود تا تدریس به صورت تعاملی و پویا برگزار گردد. برای این قسمت از محتوای روش های پیش سازمان دهنده، بارش فکری، حل مسئله، کاوشگری می توان استفاده نمود که نمونه هایی از آن در بخش کلیات صفحه ۱۷ و ۲۴ آمده است لطفاً مطالعه بفرمایید.

وسایل کمک آموزشی جهت تدریس این مبحث

وسایل کمک آموزشی در تدریس به تسهیل امر آموزش و تفهیم بیشتر موضوعات درسی برای فراگیران کمک می کند. این وسایل به نسبت هر مدرسه متفاوت است و معلم باید با تدبیر و خلاقیت خود از امکانات موجود استفاده بهینه کند؛ اما آنچه که همیشه در دسترس است، پناه بردن به دامن طبیعت و کمک گرفتن از آن است. ما در اینجا وسایل معمول را نام می بریم و آگاهی که شما دبیران مدبر بهترین و سهل الوصول ترین ها را به اقتضای امکانات فراهم خواهید ساخت.

استفاده از کتاب های مرتبط با موضوعات مختلف این فصل، مایحتاج عمومی آموزش مانند: تخته و گچ یا ماژیک، تصاویری از هنرهای زیر: تصاویری از طبیعت، معماری و ابنیه تاریخی، مجسمه، اجرای نمایش یا گروه های کُر ارتش، پخش قرائت قرآن مجید، فیلم یا نمایش نامه جهت تدریس مباحثی از جمله

زیبایی‌شناسی، نگاه کردن و گوش دادن، حرکت و رفتار. استفاده از آثار هنری از جمله عکاسی یا نقاشی برای مبحث ترکیب‌بندی و عناصر هنری.

آثار نگارگری به صورت پوستری یا نمایش در ویدئوپروژکتور برای تدریس سبک و مکتب.

جدول ۱-۲- اهداف و مهارت‌های بودمان اول

عناوین درس	اهداف	مهارت‌ها
نگاه کردن، گوش دادن و رفتار	بالا بردن حساسیت دانش‌آموز در زمینه بهره‌گیری از حواس خود در مسیر آفرینش هنری	تقویت نگاه کردن و گوش دادن فعالانه به پدیده‌های پیرامون خود و تحت کنترل قرار دادن حرکات در قالب رفتار معین.
زیبایی و زیبایی‌شناسی	هدف اصلی این قسمت آشنایی اولیه دانش‌آموز با مفاهیم بنیادی زیبایی و حُسن به ویژه از دیدگاه اسلامی است.	بالا رفتن حساسیت دانش‌آموز در توجه به زیبایی‌ها در پیرامون خود و بهره‌مندی از آنها در زندگی فردی و اجتماعی خود است.
مفاهیم بنیادی هنر	هدف اصلی این قسمت فراهم آوردن تعاریف در مفاهیم بنیادی هنر برای آشنایی دانش‌آموز با ادبیات مورد استفاده در این حوزه است.	دانش‌آموز در این بخش با تعاریفی مانند «موضوع»، «محتوا»، «فرم»، «سبک و مکتب»، آشنا می‌شود. علاوه بر آشنایی با تعاریف دانش‌آموز با طبقه‌بندی هنرها در این فصل آشنا می‌شود.

پیامدهای تدریس

واحد درسی نگاه کردن، گوش دادن و رفتار

۱ تسلط بر رفتار

۲ استفاده از حساسیت و دقت نسبت به مسائل و پدیده‌های پیرامون جهت آفرینش‌های هنری

شناخت مطلوب

۱ تسلط به رفتار باعث سلامتی روان و جسم خواهد شد.

۲ شناخت رفتار باعث شناخت بیشتر نسبت به محیط و جامعه خواهد شد.

۳ هر انسانی احتیاج به درک محیط و درک از طرف محیط خواهد داشت. تقویت حس‌های چندگانه

به شخص کمک می‌کند تا در درک از محیط موفق باشد.

۴ خوب دیدن و خوب گوش دادن کمک به روابط اجتماعی هر فرد می‌کند و تقویت این حواس در داشتن

یک جامعه سالم مطلوب است.

پرسش‌های ضروری

- ۱ تفاوت نگاه کردن و دیدن چیست؟
- ۲ چرا باید نگاه کردن را تقویت کنیم؟
- ۳ شنیدن و گوش دادن چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟
- ۴ چرا باید گوش دادن را تقویت کنیم؟
- ۵ چرا باید به رفتار مسلط باشیم؟
- ۶ شناخت رفتار اطرافیان چه کمکی به ما می‌کند؟

مهارت‌هایی که در پایان این واحد درسی دانش آموز باید به دست بیاورد

دانش‌آموزان خواهند دانست :

- ۱ مهارت خوب نگاه کردن
- ۲ مهارت خوب گوش دادن
- ۳ مهارت شناخت نسبی به رفتار اطرافیان
- ۴ مهارت تسلط بر رفتار خود

واژگان کلیدی

نگاه کردن، گوش دادن، حرکت، رفتار

هدف فعالیت‌های عملکردی

فعالیت ۱

- ۱ دقت در دیدن و گوش دادن
- ۲ بالارفتن دقت حواس
- ۳ دقت در حافظه دیداری و شنیداری
- ۴ دقت در بیان

فعالیت انتخابی

این نوع فعالیت‌ها به انتخاب دانش‌آموز صورت می‌گیرد و از طرف معلم برای آن امتیاز خاصی تعلق می‌گیرد.

۱ شناخت تفاوت‌ها و اشتراکات آثار و بالا بردن دقت

فعالیت ۲

۱ دقت در مشاهده

۲ بیان احساسات

فعالیت ۳

۱ تقویت بیان

۲ تقویت گوش دادن

۳ درک تفاوت گوش دادن و شنیدن

فعالیت انتخابی

این نوع فعالیت‌ها به انتخاب دانش‌آموز صورت می‌گیرد و از طرف معلم برای آن امتیاز خاصی تعلق می‌گیرد.

۱ درک تفاوت گوش دادن و شنیدن

فعالیت ۴

۱ تقویت زبان بدن

۲ بیان احساسات از طریق رفتار

اطلاعات تکمیلی و مراحل تدریس

مقدمه

هدف اصلی این فصل ارائه تعاریف کلی درباره زیبایی‌شناسی و مفاهیم بنیادی هنر است. پیش از ورود به این مبحث، جستاری کوتاه به منظور آشنایی دانش‌آموز با تفاوت‌های اصلی «دیدن و نگاه کردن»، «شنیدن و گوش دادن» و «حرکت و رفتار» ارائه می‌شود. دانش‌آموز در دوره‌های قبل نیز با موضوعاتی مانند تقویت قوه نگاه کردن و شنیدن آشنا شده است، اما به دلیل اینکه کتاب هنر دهم بیشتر بر بنیاد مفاهیم اساسی هنر با شیوه‌ای تحلیلی طراحی شده است، ضروری است تا این موضوع مجدداً در ابتدای این کتاب مرور شود. در این بخش موضوع تفاوت حرکت و رفتار به لحاظ اینکه در دوره‌های قبلی به آن اشاره شده، بدیع‌تر است. با مطالعه این فصل دانش‌آموز با دیدگاه‌های مختلف در زمینه زیبایی و هنر آشنا می‌شود. دانش‌آموز با این موضوع آشنا می‌شود که ساختار همه هنرها به گونه‌ای بنا نهاده می‌شود که بر عواطف، احساسات و قدرت تعقل انسان تأثیرگذاری کند و فطرت زیادوستی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دستیابی به ریشه این اشتراکات او را در زمینه شناخت عمیق ماهیت و کارکرد هنر یاری می‌رساند. دانش‌آموز همچنین مطلع خواهد شد که در منابع کهن از اصطلاح «صناعت» به جای «هنر» استفاده می‌کردند و حکیمان ایرانی

صناعت را عنصری بسیار مهم در زندگی سعادت‌مند انسانی محسوب می‌کرده‌اند. در خلال این آشنایی، تلاش می‌شود حساسیت دانش‌آموز در زمینه نگاه کردن و شنیدن مظاهر زیبای هنر در محیط زندگی ارتقا یابد. مهم‌ترین نمونه‌های کمال یافته هنر، مخلوقات الهی‌اند. برای مشاهده زیبایی در صنعت پروردگار باید به دنیای پیرامون خود نگاهی بیندازیم. در واقع به دلیل اینکه ما به صورت مداوم و روزمره مظاهر زیبای آفرینش را پیرامون خود می‌بینیم، آنها برایمان بسیار عادی شده است. از دانش‌آموزان بخواهید که هر جلسه نمونه‌ای از مظاهر خلقت را که بسیاری از افراد بی‌توجه از کنار آنها می‌گذرند، جمع‌آوری کنند و در کلاس به نمایش بگذارند. این مظاهر می‌تواند نمونه‌های دیداری، بساوایی، شنیداری یا حرکتی باشد؛ مانند انواع تقارن و تعادل بصری در گیاهان، انواع بافت‌های مختلف اجرام، انواع اصوات زیبای طبیعت و حرکات شگفت‌آور و زیبای جانداران، و پدیده‌های متحرک مانند سیارگان.

در این بخش می‌توان از مظاهر شگفت‌انگیز طبیعی منطقه زیست محلی که تاکنون به دلیل روزمرگی و عادت دیدن همه‌روزه از چشم دانش‌آموزان مغفول مانده است، یاد کرد. به عنوان مثال می‌توان به گونه‌های جانوری، گیاهی خاص آن منطقه اشاره کرد یا به خصوصیات اقلیمی و زمین‌شناختی مانند وجود مس در سنگ‌های منطقه کرمان و یزد، طلا در حوزه غربی زاگرس اشاره کرد. گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه و جمع‌آوری نمونه‌های آنها می‌تواند موضوع کاوش هفتگی دانش‌آموزان قرار گیرد.

دیدن و نگاه کردن؛ شنیدن و گوش‌دادن؛ حرکت و رفتار

گوهر اشیا، ذاتاً زیباست؛ زیرا مخلوق خدایند و کار هنرمند جز این نیست که این زیبایی را نمایان سازد. مهم‌ترین نمونه‌های کمال یافته هنر، مخلوقات الهی هستند.

بسط موضوع

مطلب را می‌توان با این سؤال شروع کرد تا ذهن دانش‌آموز حساسیت لازم را پیدا کند: «چرا خدا وقتی انسان را خلق کرد گفت: فتبارک الله احسن الخالقین منظور چیست؟ زیباترین مخلوق خدا چیست؟ خدا در چه جاهایی از واژه جمال استفاده کرده است؟»

منبع کمکی:

آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیة:

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

ترجمه :

آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده (۱۷)
 و به آسمان که چگونه برافراشته شده (۱۸)
 و به کوه‌ها که چگونه برپا داشته شده (۱۹)
 و به زمین که چگونه گسترده شده است (۲۰)

آیات ۱۲ تا ۱۶ سوره مؤمنون :

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (۱۲)
 ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۱۳)
 ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ
 فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)
 ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵)
 ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

ترجمه :

ما انسان را از عصاره‌های از گل آفریدیم (۱۲)
 سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم (۱۳)
 سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده)
 و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم، بزرگ است
 خدایی که بهترین خلق‌کنندگان است! (۱۴)
 سپس شما بعد از آن می‌میرید (۱۵)
 سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید. (۱۶)

برای مشاهده زیبایی در صناعت پروردگار باید دوباره به دنیای پیرامون خود نگاهی بیندازیم. در واقع به دلیل اینکه ما به صورت مداوم و روزمره مظاهر زیبای آفرینش را پیرامون خود می‌بینیم، آنها برایمان بسیار عادی شده است. اگر تصور کنیم ما یک موجود فضایی هستیم و برای اولین بار با آفریده‌های پروردگار بر روی کره زمین آشنا شده‌ایم، از شگفتی‌های عجیب آفریده‌های زیبای پروردگار بر روی این کره خاکی کاملاً به وجد می‌آییم. در رأس همه این شگفتی‌ها آفرینش انسان است. موجودی که به تعبیر قرآن راست‌قامت آفریده شده است. در قرآن کریم به انسان توصیه شده در خلقت پدیده‌های طبیعی و موجودات روی زمین و زیر دریاها تدبر کند.

منبع کمکی :

آیات شریف ۷ تا ۹ سوره سجده در مورد آفرینش انسان :

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ - ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ - ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

ترجمه :

آن خدایی که آفرینش هر چیزی را بهتر نمود و آفرینش انسان را در گِل آغاز کرد مدت درازی بعد نسل وی را از چکیده‌ای از آب بی ارزشی قرار داد - مدت درازی بعد او را راست (قامت) نمود و از روح خود در او دمید. همین‌طور شنوایی و بینایی‌ها و احساسات (اعصاب) برای شما درست کرد. افراد کمی از شما، سپاسگزارند.

آیه شریف ۲۰ از سوره عنکبوت (نام خود سوره نیز می‌تواند کاوشگری دانش‌آموزان را در این زمینه تحریک کند).

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّسْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

ترجمه :

گو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس (باز) خداست که نشئه آخرت را پدید می‌آورد خداست که بر هر چیزی تواناست (۲۰)

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که لازم است برای مباحثه دانش‌آموزان به اشتراک گذاشته شود، تأثیر نگاه کردن و گوش دادن فعالانه در شکل‌گیری رفتار افراد است. ضروری است به این معنا نیز توجه شود که «رفتار» صرفاً مربوط به آداب اخلاقی نیست و به‌طور کلی شیوه‌ای است که ما در همه جنبه‌های علمی، اعتقادی، انسانی و غیره پیش می‌گیریم.

افزون بر درس

زبان بدن

در اینجا برخی از رایج‌ترین رفتارها یا حرکات بدن را می‌آوریم که برای القای حالت یا رساندن منظور خاصی به کار می‌روند.

رفتارهای تصمیم‌گیری

رفتارهای بدنی اغلب هنگامی به کار می‌روند که فرد می‌خواهد تصمیم بگیرد. دست کشیدن به چانه از رایج‌ترین این حرکات است. اگر این کار با جمع کردن چشم‌ها همراه باشد، معمولاً نشان می‌دهد که فرد درگیر تصمیم‌گیری مهمی است. لمس لب بالایی و کشیدن آن، بازی با ریش و سبیل، گرفتن دو طرف سر نیز همین حالت را القا می‌کند. جالب است که این حرکات بدنی پس از اینکه فرد تصمیم قطعی می‌گیرد، متوقف می‌شود و دیگر آنها را به کار نمی‌برد.

رفتارهای تعویقی

این رفتارهای بدنی معمولاً هنگامی به کار می‌روند که فرد می‌خواهد از پاسخ دادن قطعی به یک پرسش طفره برود. به عبارت دیگر، فرد می‌خواهد تأخیر یا تعویق ایجاد کند تا بتواند در این فرصت، پاسخ مناسب را در ذهنش بررسی و موقعیتش را بازنگری کند. برداشتن عینک یا خودکار و بازی با آن، مرتب کردن اشیای روی میز، نرمش دادن سر و دست و انگشتان، و بلند شدن و قدم زدن از جمله این رفتارهای بدنی است.

رفتارهای تردید

این رفتارهای بدنی معمولاً هنگامی به کار می‌روند که فرد می‌خواهد تردید خود را دربارهٔ مطلب یا موضوعی نشان دهد. رایج‌ترین نمونه‌های استفاده از زبان حرکات بدن برای رساندن تردید عبارت‌اند از: مالیدن بینی، مالیدن لالهٔ گوش، مالیدن چشم، جمع کردن لب‌ها، و بالا دادن ابروها.

رفتارهای بی‌حوصلگی

این رفتارهای بدنی معمولاً هنگامی به کار می‌روند که فرد می‌خواهد بی‌قراری و بی‌حوصلگی‌اش را نشان بدهد. ضربه زدن یکنواخت روی میز، بازی با دکمهٔ خودکار، زدن مرتب پاشنه پا به زمین، نگاه کردن به سقف و دیوار و اشیای پیرامون از رایج‌ترین حرکاتی است که نشان می‌دهد فرد حوصله‌اش سر رفته و موضوع برایش جذابیت ندارد. این رفتارها اگر با سکوت طولانی همراه باشد، می‌تواند نشان‌دهندهٔ تنفر هم باشد.

رفتارهای علاقه‌مندی

این رفتارهای بدنی هنگامی به کار می‌روند که فرد می‌خواهد علاقه‌اش را به کسی یا موضوعی نشان دهد. رفتارهای علاقه‌مندی بسیار متنوع‌اند و رایج‌ترین آنها عبارت‌اند از: لبخند زدن، تکان دادن سر به تأیید، خم شدن به طرف گوینده، گوش دادن با دقت، پلک زدن اندک، گذاشتن دست زیر چانه، پرهیز از حرکات اضافی بدن. البته نوع این حرکات بدنی در زنان و مردان متفاوت است.

نمونه‌های زبان بدن در حرکت دست‌ها

علاوه بر این رفتارهای کلی، حتی حرکات یک عضو ما می‌تواند معانی متفاوت و مختلفی را به ذهن بیاورد. برای مثال، به «زبان دست» در موارد زیر توجه کنید (البته این مفاهیم می‌تواند در موارد مختلف استثناپذیر باشد). دقت کنید که اینها فقط بخشی از حرکات زبان دست است و حرکات هریک از اعضای ما، مثلاً چشم و ابرو، می‌تواند معانی فراوانی را ایجاد و منتقل کند.

دست دادن محکم: معمولاً نشان‌دهنده برتری جویی است؛ به‌ویژه اگر روی دست به سمت بالا و کف دست رو به پایین قرار گیرد.

دست دادن بسیار محکم: شور و اشتیاق علاقه و سلطه‌گری را می‌رساند.

دست دادن شل: نشان‌دهنده پرهیز از صمیمیت، ضعف، و تسلیم بودن است. گاهی پنهان‌کاری را نشان می‌دهد.

دست دادن دو دستی: این نوع دست دادن که در آن دست چپ روی دست راست طرف مقابل قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده صمیمیت زیاد است.

حرکت یکنواخت انگشت: معمولاً بی‌تابی و ناشکیبایی را نشان می‌دهد.

دست‌های پنهان: اگر کسی دست‌هایش را در جیب پنهان کند، نشان‌دهنده این است که به گفت‌وگو علاقه‌ای ندارد.

دست‌ها روی زانو: اگر کف دست‌ها به طرف بالا باشد، گشاده‌روی را نشان می‌دهد. اگر کف دست‌ها به پایین و روی زانو باشد، احتمالاً پای فریبکاری و تعرض در میان است.

انگشتان زیر چانه: نشان‌دهنده تفکر عمیق، یا انتظار برای شنیدن پاسخ است.

دست باز روی دست مشت‌شده: مهار خشم را نشان می‌دهد.

پرتاب دست: نشان‌دهنده تحمیل عقیده است. پرتاب انگشت پرخاشگری را می‌رساند.

قلاب کردن دست‌ها پشت سر: نشان‌دهنده تکبر، سلطه یا راحتی است.

بازی کردن پیوسته با انگشتی: عصبانیت و مشکل ارتباط را نشان می‌دهد.

تکان بی‌قرار دست‌ها: نشان‌دهنده تلاش برای رهایی از وضعیت ناخوشایند است.
بازی کردن پیوسته با زینت آلات: بازی کردن با سراسن پیراهن یا زیورآلات روی میج نشان‌دهنده نیاز به توجه است.

دست کشیدن در میان موها: نشان‌دهنده تردید در گفتار یا کردار است.

خم کردن بازوها: نشان‌دهنده نیرومندی است.

بالا آوردن یک دست: جلب توجه را می‌رساند.

دراز کردن هر دو دست به جلو: نشان‌دهنده خوشامدگویی است.

دست‌ها در جلو بدن: اضطراب و میل به حفاظت را نشان می‌دهد.

دست‌ها روی سینه: نشان‌دهنده احترام و حفظ حریم است.

دست‌های قلاب شده روی سینه: نشان‌دهنده اضطراب است.

دست‌های تاشده روی سینه: نشان‌دهنده وضعیت تدافعی است.

دست‌ها به کمر: تمایل به حفظ فاصله و احساس ستیز را نشان می‌دهد.

شانه بالا انداختن: بی‌اطلاعی، ناتوانی، و سردرگمی را نشان می‌دهد.

می‌توانید از دانش آموزان بخواهید نمونه‌هایی از این رفتارها را که خود یا هم‌کلاسی‌های آنها به صورت روزمره و از روی عادت انجام می‌دهند، بازگو کنند. امروزه سینما و تلویزیون در نمایش آثار هنری بالاترین جایگاه را در بین مردم دارد. درک و فهم درست منش و ویژگی‌های شخصیت‌های فیلم سینمایی یا تلویزیونی یا نمایش صحنه‌ای، تا اندازه زیادی وابسته به درک و فهم زبان بدن است.

پیامدهای تدریس

زیبایی و زیبایی‌شناسی

۱ آشنایی با مفاهیم مرتبط به زیبایی

۲ یافتن دیدگاه‌هایی در زمینه توجه به موضوع زیبایی

۳ آشنایی با ضروریات و به‌کارگیری عناصر زیبایی در امور زندگی

شناخت‌های مطلوب در این واحد درسی

۱ آگاهی از عناصر زیباشناختی به فرد کمک می‌کند که انتخاب‌های تخصصی‌تر داشته باشد.

۲ برای داشتن یک محیط زیباتر لازم است تا تمامی افراد از اصول زیبایی‌شناسی آگاهی داشته باشند.

فرد با هر حرفه و فعالیتی در جامعه با دانش زیباشناسی می‌تواند در زیباسازی محیط مؤثر واقع شود.

۲ آگاهی از عناصر زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی ایرانی موجب حس احترام و علاقه نسبت به میراث فرهنگی خواهد شد.

پرسش‌های ضروری

- ۱ آیا زیبایی واقعاً در جهان بیرون وجود دارد یا امری است ذهنی؟
- ۲ آیا زیبایی نسبی است یا مطلق؟
- ۳ آیا زیبایی اصول ثابتی دارد؟
- ۴ عناصر زیبایی در هنر اسلامی چیست؟

مهارت‌هایی که در پایان این واحد درسی دانش آموز باید به دست بیاورد

دانش آموزان درمورد مطالب زیر خواهند دانست:

- ۱ زیبایی و انواع شیوه‌های تعریف آن
- ۲ عناصر بیانی زیبایی
- ۳ عوامل مؤثر بر زیبایی
- ۴ تجزیه و تحلیل عناصر زیبایی در یک اثر هنری

واژگان کلیدی

زیبایی، زیبایی‌شناسی، فرهنگ اسلامی، حسن، جمال الهی

هدف فعالیت‌های عملکردی

فعالیت ۵ و ۶

- ۱ تحلیل آثار و بیان اصول زیبایی‌شناسی در گروه
- ۲ بررسی عناصر زیباشناسی در گروه
- ۳ بررسی علل زیبایی در آثار

فعالیت ۷

- ۱ تقویت سواد بصری
- ۲ آشنایی با تکرار در هنرهای اسلامی

اطلاعات تکمیلی و مراحل تدریس

زیبایی و زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی چیست؟ پیش از ورود به مفهوم زیبایی و توصیف حوزه زیبایی‌شناسی، ضروری است که دانش‌آموز متوجه این معنا شود که تعاریف ارائه شده برای مقوله زیبایی بسیار گوناگون است و هریک از فلاسفه و هنرمندان این موضوع را از دیدگاهی متفاوت توصیف و بررسی کرده‌اند. فعالیت آغاز این گفتار نیز با همین مقصود طراحی شده که برای دانش‌آموزان ابتدا تفاوت تعاریف خود و دوستان آنها و سپس صاحب‌نظران حوزه زیبایی‌شناسی آشکار شود.

زیبایی‌شناسی دانش بررسی و مطالعه هنر و ظواهر آثار هنری است. به عبارتی زیبایی‌شناسی زاویه دیدی است که از طریق آن فرم، ساختار و گاهی هم معنای اثر هنری بررسی می‌شود. اما در کنار این تعریف کلی، زیبایی‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه است که به چستی زیبایی و چگونگی درک و فهم مخاطب از هنر و اثر هنری می‌پردازد. این شاخه از مطالعات هنری، از روزگاران باستان، تا اکنون مورد توجه اندیشمندان و علاقه‌مندان به هنر و زیبایی بوده است. باید بدانیم که در ابتدا، زیبایی‌شناسی معمولاً به امور و پدیده‌های زیبا در طبیعت توجه می‌کرد. ولی بحث زیبایی‌شناسی در هنر و به‌طور خاص توجه آن به هنر، در سده هجدهم میلادی مطرح شد. و از آن زمان تاکنون زیبایی‌شناسی را به‌عنوان علم مطالعه هنر و زیبایی‌های هنری قلمداد می‌کنند. به همین دلیل در گذشته این اصطلاح به معنای درک حسی چیزها و احساس انسان نسبت به چیزهای مختلفی که مشاهده می‌کند، بوده است. یعنی درک ما از چیزها به واسطه حواس میسر می‌شود و این نوع درک حسی چیزهایی را که لزوماً هنر نیستند، زیبایی‌شناسی در معنای قدیمی آن می‌دانند. سپس به تدریج این اصطلاح وارد حوزه هنر شد. زیبایی‌شناسی با درک حسی سروکار دارد؛ بنابراین زیبایی‌شناسی در هنر به معنای بررسی و درک ظواهر آثار هنری است که عمدتاً به فرم و ساختار آن مربوط می‌شود. برای مثال وقتی شما با یک اثر هنری زیبا مواجه می‌شوید، در ابتدا با دیدن آن و اجزا و عناصر ترکیب بندی شده آن، احساس سرزندگی، شادی، آرامش یا حتی سردی و اندوه می‌کنید. این احساسات شما از چیزی ناشی می‌شود که به آن تجربه زیبایی‌شناسانه مخاطب گفته می‌شود. پس هر مخاطبی در مواجهه با آثار هنری واکنش‌های متفاوتی را نشان می‌دهد که ناشی از همین تجربیات زیبایی‌شناسانه اوست. اما موضوع زیبایی‌شناسی به همین جا ختم نمی‌شود و در مراحل بعدی مخاطب از طریق دیدن ویژگی‌های بصری و ساختاری اثر هنری می‌تواند به معناکاو و تفسیر اثر هنری هم بپردازد.

زیبایی‌شناسی کلاسیک (کهن)

زیبایی‌شناسی کلاسیک یا کهن که اساساً مبتنی بر اصول و قواعد مشخصی است، بیشتر با نام فیلسوفان قدیم رقم خورده است. در واقع زیبایی‌شناسی کلاسیک با تعریف زیبایی از منظر اندیشمندان قدیمی آغاز شد و آنها برای تبیین معیارهای زیبایی در هنر و پدیده‌های زیبا، نظریاتی را ارائه داده‌اند که مجموعاً می‌توان آنها را به‌عنوان اصول و شاخصه‌های زیبایی‌شناسی کلاسیک مطرح کرد. از یک منظر، زیبایی حقیقت است و با حقیقت گره خورده است. بنابراین در این نگرش، زیبایی را در پدیده‌های عینی و ملموس جست‌وجو نمی‌کنند؛ بلکه زیبایی را امری غیرمادی و ماورای عالم محسوس در نظر می‌گیرند. برخلاف این نگرش، برخی نیز نگاه واقع‌گرایانه‌ای به هنر داشته‌اند و زیبایی را بر اساس معیارهای مشخصی تعریف کرده‌اند. مانند ویژگی‌های زیر:

۱) نظم، آرایش اجزا و عناصر

۲) اندازه و بُعد

۳) اعتدال، تناسب و تقارن

برخی نیز زیبایی را در امور ملموس که باید بر اساس تناسب و اندازه و تقارن و ترکیب منظم شکل بگیرند، جست‌وجو می‌کنند و هم در اموری که لزوماً قابل اندازه‌گیری نیستند یا نظم و تقارن ندارند ولی زیبا هستند. مانند ستارگان آسمان. پس می‌توان گفت زیبایی برای قدما یا اندیشمندان قدیمی، شامل ویژگی‌های زیر است:

امری شگفت‌انگیز و متعالی

□ چیزی فراتر از اندازه‌ها و تمایزات، چیزی مربوط به بی‌کرانه‌ها

□ به‌عنوان چیزی که با شکل‌ها و رنگ‌ها و صداها و اندیشه‌ها سروکار دارد.

□ به‌عنوان نظم، تناسب اجزا، هماهنگی و تقارن

□ آنچه که لذت‌بخش است.

□ هماهنگی صورت و محتوا

زیبایی‌شناسی مدرن (جدید)

با پیدایش مدرنیسم در هنر، موضوع مهمی که باعث تغییر در اصول زیبایی‌شناسی شد، مسئله

نشان دادن یا شباهت موضوعات آثار هنری به واقعیت بود. یعنی هنر دیگر قرار نبود در خدمت نشان دادن آنچه که واقعیت بیرونی می‌خوانیم، قرار بگیرد. هنر مدرن، نتیجه اندیشه‌های مدرن و یک واکنش زیبایی‌شناسانه به نیازهای آن است. این هنر، زائیده تحولات فکری، اجتماعی و تاریخی دوران معاصر و جدید است. مدرن امری مداوم و پیوسته در حال دگرگونی است. هنر مدرن نیز به تبع آن یک درک ناپایدار است که لحظه تولد آن تا حدودی مشخص، ولی زمان افول آن مبهم و غیرقطعی است. سرنوشت مدرنیسم تا حد زیادی شبیه فرآورده‌های آن همانند ماشین، اتم، فناوری، رسانه و اینترنت است که با وجود تحولات ذاتی، پیوسته بر زندگی ما حاکمیت دارند.

از این زاویه نگاه، درک زیبایی، یک درک عینی و محسوس نیست؛ بلکه درک (ذهنی) است. به عبارت بهتر زیبایی باید درک شود؛ آن هم به‌طور فردی و ذهنی. زیبایی صرفاً ویژگی‌های موجود در اثر هنری نیست که بتوانیم بی‌طرفانه و خونسرانه آن را نشان دهیم و ثبت کنیم. بنابراین واکنش ما به زیبا بودن چیزی، صرفاً توصیف آن نیست؛ بلکه عکس‌العمل ذهنی ما نسبت به آن است. از طرف دیگر، عکس‌العمل، صرفاً شخصی نیست؛ یعنی همگانی است. هنگامی که می‌گوییم یک گل زیباست، می‌خواهیم این را نیز بگوییم که در آن گل چیزی است که موجب می‌شود دیگران هم آن را زیبا بدانند. زیبایی برای خودش زیباست و ما هرگز به‌خاطر دلیل خاصی یا منفعت خاصی چیزی را زیبا نمی‌دانیم. هنگامی که ما درباره چیزی تعمق می‌کنیم، از تعادل و هماهنگی میان خیال و دانایی لذت می‌بریم. این لذت زیبایی‌شناسانه است. این لذت فرایند بازی خیال و فهم و شعور است. پس نتیجه کارکرد ذهنی انسان است. بنابراین زیبایی هنری برتر از زیبایی طبیعی است.

بنیان هنر مدرن بر فرم استوار است. هنر مدرن با نوعی فرم‌گرایی همراه است. ویژگی‌های هنر مدرن را می‌توان چنین خلاصه کرد: هویت و وحدت، استقلال و خود پابندگی. وحدت به معنای ایجاد پیوند بین عناصر ناپیوسته و یکپارچگی در کثرت و آشفتگی. خود پابندگی و استقلال؛ یعنی دور بودن اثر هنری از واقعیت‌های پیرامونی انسان. هنر مدرن بین هنر اصیل و هنر عام یا همان هنری که مردم می‌پسندند، تمایز قائل است. هنر مدرن ساده و جهان‌شمول و به دور از معیارهای بومی است. هنر مدرن تا حدودی رها از قراردادهای و مسئولیت‌های اجتماعی است و در اغلب هم به‌طور مستقیم مفهومی را بیان نمی‌کند یا گریزان از مفهوم است. برای هنر مدرن، نشان دادن واقعیت یک توهم است، بنابراین هنر ویژگی شباهت به واقعیت را از دست می‌دهد. در این شرایط، هنر برای هنر و صرفاً داشتن دل‌مشغولی‌های ظاهری و توجه به ترکیب اجزا و عناصر و به‌طور کل فرم محض، مهم‌ترین شاخصه‌های زیبایی‌شناسی مدرن در هنر هستند.

زیبایی و طبیعت

از روزگاران کهن، این باور وجود داشته است که طبیعت بهترین آموزگار و بهترین سرمشق برای هنرمندان بوده است. سازه‌ها و شکل‌های مختلفی که در عناصر طبیعت دیده می‌شوند، همواره بسیاری از مجسمه‌سازان، نقاشان، موسیقی‌دانان، نویسندگان و حتی معماران را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع از کهن‌ترین روزگاران در آثار هنری همه اقوام و ملل، طبیعت بیش از هر چیز دیگری در آثار هنری نشان داده شده است. علاقه به طبیعت و زیبایی‌های آن منشأ خلق بسیاری از آثار هنری بوده‌اند. آفرینش فرم‌های هنری از طبیعت، به ادراکات هنرمند مرتبط است. موضوع این درک و دریافت، طبیعت و زیبایی‌های آن است. طبیعت برای هنرمند موضوع است، ولی در ذات واقعی خودش، صرفاً پدیده‌ای مختلف بی جانی است که در قدم اول از نظر زیبایی‌شناسی و هنری مورد توجه همگان نیست؛ بلکه این هنرمند است که با نگاه دقیق و ویژه خودش از آن به‌عنوان موضوع و الگوی اثرش بهره‌های فراوانی می‌گیرد. قدرت خیال هنرمند با مهارت او آمیخته می‌شود و مظاهر و مناظر طبیعت با چیدمان و آرایش اجزا و عناصر مختلف فنی، به‌عنوان یک اثر هنری آفریده می‌شود. اما برای هر ملتی و در هر فرهنگی، شیوه برخورد با طبیعت و مظاهر طبیعی و نشان دادن آن در قالب آثار هنری به‌صورت‌های متفاوتی تجلی یافته است. چرا که تنوع آب و هوایی، گیاهی، جانوری و حتی انسانی و همچنین تفاوت اندیشه و افکار ملل مختلف باعث شده است که موضوع طبیعت در آثار هنری ملل و اقوام گوناگون به یک شکل نباشد. طبیعت بخشی از فضای بی‌نهایت است. برای مردم عادی یا همگان فضا همان هوایی است که تنفس می‌کنند، ولی برای هنرمند نه آن هوای تنفس‌شونده است و نه آنچه که در واژه‌نامه‌ها و واژه‌شناسی در باب آن بحث کرده‌اند. فضا ذهن بدون مرز هنرمند است که برای آن توصیف و توضیح ویژه و مشخصی وجود ندارد. اصطلاح فضای بی‌نهایت خودش هم در فرهنگ‌های مختلف و نزد هنرمندان سرزمین‌های گوناگون تبیین و ادراکی ویژه دارد. این اختلاف معنا در سرزمین‌های هم‌جوار، به دلیل تداخل فرهنگی و نزدیکی نوع نگاهشان است. به‌طور مثال هنرمندان قدیم ایرانی، همواره کوشش می‌کردند تا زیبایی‌های طبیعت را با خلاقیت‌ها و تکنیک‌های خاص خودشان به مفهوم زیبایی مورد نظرشان نزدیک کنند. از آنجا که زیبایی یکی از صفات خداوند است، این نگرش بیش از هر چیزی باعث شده است تا طبیعت و زیبایی‌های آن موضوع بسیاری از آثار هنری ایرانیان را شکل دهد.

زیبایی ظاهری، باطنی و معنوی

زیبایی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: ظاهری، باطنی و معنوی. زیبایی ظاهری: زیبایی ظاهری مجموعه‌ای از تناسبات، معیارها و ترکیب‌بندی‌هاست که اغلب مبنای اشتراک قضاوت در باب زیبایی آثار هنری قرار می‌گیرند. در واقع این نوع از زیبایی بیشتر به معنای همان معیارهایی است که در علم زیبایی‌شناسی مطرح است و قبلاً در باب آن سخن گفتیم. زیبایی باطنی: از این نوع زیبایی بیشتر به‌عنوان نیکویی و خوبی یاد می‌شود. هنگامی که زیبایی ظاهری با عمق درون انسان گره می‌خورد، لذت‌های بصری که ناشی از مشاهده زیبایی‌های ظاهری است، به تسلی و آرامش درونی انسان منجر می‌شود و به عبارتی انسان علاوه بر چشم، با دل و جان خود ورای زیبایی‌های ظاهری را درک می‌کند.

زیبایی معنوی: در زیبایی باطنی، موضوع بحث «حرکت از برون به درون» است. ولی در زیبایی معنوی موضوع اصلی، «گرایش‌های معنوی انسان» است. این شیوه نگاه، قائل به این است که انسان و زندگی انسانی با معنویت گره خورده است و اگر معنویت را از او بگیریم، دیگر انسانیتی باقی نمی‌ماند. گرایش‌های معنوی انسان‌ها و هنرمندان که معنویت را در مسیر کار خودشان قرار داده‌اند، باعث شکل‌گیری آثار هنری با موضوعات معنوی و انسانی شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت زیبایی معنوی، به نمادها و نشانه‌هایی می‌پردازد که تجلی‌کننده زیبایی‌های باطنی و بهشتی‌اند.

زیبایی در فرهنگ اسلامی

برای فرد ژرف‌نگر و عمیق، زیبایی نه اسباب عیاشی و تفنن دنیوی، بلکه موجب یادآوری عالم معناست. در هنر اسلامی به‌جای واژه زیبایی از اصطلاح «حُسن» و «نیکویی» استفاده می‌شود. در اغلب دین‌ها و آیین‌ها، به‌ویژه در قاموس دین اسلام، زیبا نامی از نام‌های نیکوی خداوند است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: *إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَي عَبْدِهِ* (خداوند متعال زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد و دوست دارد اثر این نعمتش را بر بنده‌اش ببیند)، بنابراین در فرهنگ اسلامی زیبایی دارای معانی معنوی و معرفتی است. در این چارچوب فکری، اعتقاد بر این است که زیبایی و هنر موهبت‌های خدادادی‌اند. همچنین اعتقاد بر این است که آفریدن چیزهای زیبا عبادت است.

اگر بخواهیم از کاربرد هنری زیبایی یا حُسن سخن بگوییم، می‌توانیم از داشتن اندازه معین، نظم، و تناسب به‌منزله شرایط زیبایی یاد کنیم که حکمای شرق و غرب از دیرباز براساس آنها زیبا را تعریف کرده‌اند. این ویژگی‌ها در هنرهای تجسمی، آوایی، معماری، صنایع دستی و... به خوبی نمایان است. علاوه بر این صورت‌های هنری، حضور حُسن را می‌توان در ادبیات نیز جست‌وجو کرد. حُسن در ادبیات فارسی و همچنین فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای دارد.

زیبایی در قاموس تفکرات اسلامی جنبه باطنی، معنوی و عرفانی به خود می‌گیرد و با آنچه در سنت هنری غرب مطرح است، تفاوت‌هایی دارد. در واقع زیبایی در فرهنگ اسلامی با اصطلاحات خاص خودش قابل تعریف است که بیشتر جنبه انتزاعی و باطنی دارند تا ظاهری. برای همین ما در اینجا به کلیدی‌ترین اصطلاحاتی که مترادف زیبایی و زیبایی‌شناسی در فرهنگ اسلامی است، اشاره می‌کنیم؛ یعنی حُسن و جمال الهی:

حُسن: مهم‌ترین واژه‌ای که با زیبایی مترادف است، حسن است. در واقع برای استفاده از لفظ زیبایی در هنر، در فرهنگ و تفکر اسلامی، عمدتاً حسن را به‌جای زیبایی استفاده می‌کنند. در تفکر اسلامی، زیبایی معنای وجودی دارد؛ یعنی همه موجودات زیبا هستند و عالم مظهري از خداست. زیبایی امری ذهنی تلقی نمی‌شود و در نتیجه زیبایی تحقق خارجی پیدا می‌کند. اگرچه این روش بررسی معنای زیبایی در اسلام، ارتباطش با هنر دور است؛ زیرا در حکمت اسلامی و شرقی زیبایی در هنرها مورد بحث نیست؛ بلکه معطوف به کل موجودات است. به همین دلیل سخن گفتن از حسن موجودات، در واقع سخن گفتن در باب حسن خداوند متعال است.

جمال الهی: از مهم‌ترین ویژگی‌های عرفان اسلامی، دعوت انسان به‌سوی خدایی است که در کمال زیبایی و جمال است. در عالم عرفانی، در شناخت و عبادت خداوند همواره بر زیبایی و جمال او توصیه می‌کنند.

بنابر آیات شریف قرآن، یوسف نه صرفاً به دلیل زیبایی صورت، بلکه به دلیل نیکویی اش دوست‌داشتنی بود. آنجا که زنان مصر پس از مشاهده او دست خود را می‌برند، قرآن این واقعه را چنین نقل می‌کند: «فلما رأينه اکبرنه و قطعن ایدیهن و قطن حاش لله ما هذا بشراً ان هذا الا ملک کریم» (یوسف/ ۳۱). این آیه اشاره دارد به اینکه زنان او را بزرگ یافتند و سوگند خوردند که او بشر نیست؛ بلکه فرشته‌ای کریم است. در مواجهه یوسف و زلیخا نیز قرآن یوسف را از جانب ربّ دارای جایگاهی نیکو می‌داند و می‌فرماید: «انه ربی احسن مثنوی» (یوسف/ ۲۳). رابطه حسن و عشق به همراه مفهوم دیگری به نام «حُزن» در یکی از نوشته‌های مهم سهروردی آمده است. شهاب‌الدین سهروردی که از او به «شیخ اشراق» یاد می‌کنند، با بهره‌گیری از اندیشه اسلامی با تمثیلاتی ارتباط این سه حقیقت را در داستانی جذاب به سه برادر تشبیه می‌کند.^۱

افزون بر درس

داستان سه برادر از شیخ اشراق

سه شخصیت اصلی این داستان - یعنی یوسف، زلیخا، و یعقوب - مصادیق سه مفهوم یا حقیقت حسن، عشق، و حزن‌اند. از میانه‌های توصیف رابطه حسن و عشق و حزن، داستان یوسف وارد رساله می‌شود، تا فصول آخر حضور دارد و دائماً به آن رجوع می‌شود. حسن در مقام برادر بزرگ‌تر جلوه‌گر می‌شود و عشق، که برادر وسطی است، سخت دلبسته اوست. برادر کوچک‌تر حزن است که همواره چشم به عشق دارد و وابسته و همراه اوست. عشق به حسن میل دارد و از حزن، که سخت به او وابسته است، چاره‌ای ندارد. پس عشق بین حسن و حزن است و آنها را به هم متصل می‌کند. توصیفی که شیخ از ارتباط این سه برادر ارائه می‌کند، نوعی رابطه عاطفی بسیار محکم را در نظر ما مجسم می‌کند که با پیاده شدن روی داستان یوسف و شخصیت‌های آن، ملموس‌تر و پررنگ‌تر می‌شود.

شیخ در دومین گام، پس از آفرینش جهان، آفرینش آدم را توضیح می‌دهد. در این مرحله، حسن در آدم فرود می‌آید. او همواره در حال حرکت است و بر هر جا قرار می‌گیرد، با خود نیکویی و زیبایی می‌آورد. عشق و حزن نیز به خاطر آن میل و دلبستگی شدیدی که به حسن دارند، همواره در پی او می‌روند. پس وقتی حسن به آدمی روی می‌آورد، عشق و حزن نیز به آن جانب رو می‌کنند. اما چگونه می‌توان این میل کردن حسن و به تبع او عشق و حزن به جانب آدمی، و جمع شدن حسن و عشق و حزن در آدمی را، که سرانجام در یکی از پرده‌های پایانی داستان (فصل یازدهم رساله) تحققش را می‌بینیم، توضیح داد؟ حسن به سراغ آدم می‌آید؛ چون در آدم همان چیزی یافت می‌شود که ریشه حسن است. به عبارت دیگر،

۱- جهت دسترسی به متن کامل رجوع کنید به کتاب هنر و اخلاق نوشته محمدرضا آزادفر و همکاران انتشارات سوره‌مهر.

حسن نیا و ریشه خود را در آدم می‌یابد و این هم‌خونی را احساس می‌کند و به این ترتیب به سوی آدمی کشیده می‌شود. «پس سلطان حسن بر مرکب سوار شد و روی به شهرستان وجود آدم نهاد؛ جایی خوش و نزهتگاهی دلکش یافت، فرود آمد. همگی آدم را بگرفت؛ چنان‌که هیچ‌چیز آدم نگذاشت» (سهروردی ۱۳۸۱: ۸ و ۹). این تصویر از فرود آمدن حسن به آدمی با توصیف قرآن از خلقت انسان در نیکوترین وجه ممکن همخوانی دارد. آنجا که می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (تین/۳).

... سیر حسن از آدمی به یوسف، آن‌طور که شیخ اشراق طراحى و توصیف می‌کند، چند نکته را می‌رساند: اول، همان‌طور که از تعبیر قرآن درباره نیکو آفریدن انسان برمی‌آید و از کلام شیخ فهمیده می‌شود، همه آدمیان از حسن بهره‌مند می‌شوند. کلمه «نوبت» در جمله «... تا اکنون که نوبت یوسف در آمد، نشان حسن پیش او می‌دادند»، به همین معنی اشاره دارد. یعنی در یک مرتبه حسن به همگی داده می‌شود و سپس وقتی نوبت به یوسف می‌رسد، حسن او مضاعف و افزون‌تر می‌شود. در این گام، نیکویی و زیبایی در نقطه کمال خود به یوسف می‌رسد و در او به تمامیت جلوه‌گر می‌شود (شیربیشه ۱۳۹۴).

پیامدهای تدریس

مفاهیم بنیادی هنر

۱ انواع تعاریف هنر

۲ انواع تقسیم‌بندی هنرها

۳ شناخت عناصر هنری

۴ آشنایی با سبک و مکتب نقاشی ایرانی

شناخت‌های مطلوب در این واحد درسی

۱ داشتن اطلاعات پایه و عام از تعریف هنر برای تمامی افراد جامعه در هر حرفه و شغلی لازم است تا تفاوت یک اثر هنری از تولیدات دیگر را باز شناسند. سواد هنری به بالابردن سطح فرهنگی جامعه کمک خواهد نمود.

۲ جهت شناخت و حفاظت از میراث فرهنگی هر جامعه لازم است، همه مردم انواع هنرها و تقسیم‌بندی کلی آنها را در سطح اطلاعات پایه شناسایی کنند.

۳ شناخت تفاوت سبک و مکتب برای هر فرد لازم است تا هنگام اظهارنظر درباره یک اثر بتواند از کلمات صحیح‌تری استفاده کند.

پرسش های ضروری

- ۱ هنر را تعریف کنید.
- ۲ تفاوت هنرهای مکان مند و زمان مند در چیست؟
- ۳ انواع هنرهای مکان مند و زمان مند را نام ببرید.
- ۴ سبک را تعریف کنید.
- ۵ مکتب چیست؟

مهارت هایی که در پایان این واحد درسی دانش آموز باید به دست بیاورد:

دانش آموزان در مورد مطالب زیر خواهند دانست :

- ۱ تعاریف مختلف از هنر
- ۲ دسته بندی هنرهای مکان مند و زمان مند
- ۳ مهارت عملی در توصیف مکتب و سبک

واژگان کلیدی

هنر، هنر مکان مند، هنر زمان مند، سبک، مکتب

هدف فعالیت های عملکردی

در فعالیت های این بخش به نکات زیر دقت کنید :

فعالیت ۸

- ۱ تفکر و مشورت در گروه درباره تعریف هنر
- ۲ تفکر و مشورت در گروه درباره ماهیت هنر

فعالیت ۹

- ۱ بررسی بیان شخصی در تولید اثر هنری
- ۲ نقش جنسیت اثر هنری در کاربرد آن
- ۳ برشمردن تفاوت و تشابهات آثار
- ۴ شناخت محتوا، کاربرد و پیام آثار هنری

فعالیت ۱۰

- ۱ تقویت بیان و ذهن در تحلیل آثار هنری
- ۲ پیدا کردن رابطه موضوع و بیان شخصی اثر
- ۳ دسته بندی موضوعات

فعالیت ۱۱

- ۱ تجزیه تحلیل محتوای اثر هنری از راه توصیف آن
- ۲ تجزیه تحلیل محتوای اثر هنری از راه رجوع به زمینه اجتماعی که هنر در آن خلق و ادراک می شود.
- ۳ بالا بردن دقت در شناخت پیام های مستقیم و مستتر آثار هنری

فعالیت ۱۲

- ۱ شناخت فرم ها به صورت کار عملی
- ۲ تقویت دست
- ۳ ترکیب بندی فرم ها در یک قاب
- ۴ تقویت مهارت

فعالیت ۱۳

- ۱ دقت در تفاوت ها
 - ۲ کشف ویژگی ها
 - ۳ توصیف ویژگی ها و بیان تفاوت ها
- فعالیت انتخابی به انتخاب دانش آموزان به دلخواه انجام خواهد شد.
- ۱ تقویت مشاهده
 - ۲ دسته بندی تفاوت ها و تشابهات
 - ۳ بیان تفاوت ها و تشابهات
 - ۴ بررسی انواع شیوه های بیان شخصی

فعالیت های انتخابی پایان پودمان

دانش آموزان از بین چند فعالیت گفته شده، می توانند یک فعالیت را جهت پروژه پایان پودمان خود انتخاب و به انجام آن پردازند. اهداف دنبال شده در این فعالیت ها مجموعه ای از اهداف فعالیت ها در تمرینات این پودمان است. این فعالیت به همراه فعالیت های کلاسی نمره این پودمان را تشکیل می دهد.

۱ تقویت تفکر برای طبقه‌بندی انواع هنرها

۲ تحلیل آثار هنری از نظر عناصر

۳ پژوهش و تحلیل آثار هنری

نکات تکمیلی درس زیبایی‌شناسی

مفاهیم بنیادی هنر

شیوه‌های تعریف هنر : همهٔ ساخته‌هایی که با باری ذهن و احساس آدمی ساخته می‌شود و قابل دسته‌بندی به‌عنوان «هنر» است، دارای اشتراکاتی در زمینهٔ ساختار و عملکرداند. ساختار همهٔ آنها به‌گونه‌ای است که بر عواطف، احساسات و قدرت تعقل انسانی تأثیر می‌گذارد و فطرت زیبادوستی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دستیابی به ریشهٔ این اشتراکات ما را در زمینهٔ شناخت عمیق ماهیت و کارکرد هنر یاری می‌رساند. به‌طور کلی هنرمند با بهره‌گیری از دو مؤلفهٔ مهم به آفرینش هنری می‌پردازد «مهارت» و «ذوق»؛ که البته پیوند این دو در آفرینش هنری کاملاً درهم تنیده است.

تعریف هنری یکی از موضوعاتی است که همواره در طول تاریخ محل بحث و جدل بوده است. امانت‌داری آن است که ما نیز تلاش نکنیم، ذهنیت خود را به‌عنوان مرجع اصلی تعریف هنر به دیگران تحمیل کنیم. با وجود این، در مرحلهٔ اولیهٔ آموزش، ضروری است که متعلم برای خود تعریفی را به‌عنوان پایگاه اولیه قرار دهد و پس از مطالعه و مشاهدهٔ کامل، سعی کند محدودیت‌ها و نقاط قوت تعریف خود را بازبایی کند.

افزون بر درس

اندیشمندان مختلف سعی کرده‌اند که هریک به نوعی هنر را تعریف کنند که برخی از آنها را در اینجا مرور می‌کنیم :

(آ) هنر، آفرینش زیبایی است به نیروی دانایی.

(ب) هنر، گزارش و ترجمه‌ای است از روح هنرمند.

(ج) هنر دعوتی است به سوی سعادت.

(د) هنر، تشبیهی از جهان است که ما از آن لذت می‌بریم.

(ه) هنر، بیان آرمانی است که هنرمند توانسته در قلمرو آن، به اشیا صورت تجسمی بخشد.

(و) هنر، کوششی است برای ایجاد زیبایی و عالم ایده‌آل.

(ز) هنر، نوعی شهود خداست در ظهور جمال.

به‌عنوان یک تلاش اولیه می‌توان دربارهٔ سه روش مختلف برای تعریف هنر بحث کرد :
 (آ) در شکل اول تعریف، موضوع فرم پایه قرار می‌گیرد و هنر را چیزی به‌جز شکل‌ها و فرم‌های زیبا نمی‌بیند.
 فرم ویژگی ذاتی یک اثر هنری خوب است. فرم یعنی ترکیبی از خطوط و رنگ‌ها به شیوه‌ای مشخص است
 که باعث بیدار شدن احساسات زیبایی‌شناسانه در مخاطب می‌شود. در واقع مهم‌ترین نکتهٔ قابل توجه در این
 دیدگاه، برجسته کردن فرم در اثر هنری است که در حقیقت عامل اصلی زیبایی در هنر است.

(ب) در شکل دوم تعریف، هنر را به‌صورت مقوله‌ای غیرمادی تعریف می‌کند. یعنی اثر هنری اندیشه و
 احساس درون ذهن یک هنرمند است. در این دیدگاه و تعریف، هنر که همان اندیشه و احساس درونی
 و ذهنی هنرمند است، توسط خلاقیت و قوه خیال هنرمند شکل مادی به خودش می‌گیرد و در قالب یکی
 از انواع هنرها خودش را بروز می‌دهد. اما هدفش سرگرم کردن نیست و مادی بودن آن هم در اولویت
 دوم قرار دارد. چراکه هنر همان اندیشهٔ ذهنی و باطنی درون هنرمند است.

(ج) در شکل سوم تعریف، تلاش می‌شود تا چیزهای مختلفی را که به نوعی انسان در خلق آنها نقش
 داشته است، هنر تلقی شود. در این تعریف از هنر، شرایطی در جامعه و توسط انسان‌ها دست به هم
 می‌دهد تا اشیای مختلف یا چیزهایی را که دور انداخته‌اند، با دخل و تصرف و قرار دادن آنها در
 فضاهایی مثل موزه به هنر تبدیل کنند. مثلاً ممکن است یک تکه چوب یا یک آجر صرفاً با درج یک
 امضا روی آن و قرار گرفتنش در موزه، به‌عنوان هنر قلمداد شود. در این نگرش، مرز بین هنر و غیرهنر
 یا آن چیزی که هنر نیست، مخدوش می‌شود. همچنین معنای واقعی زیبایی هم کم‌رنگ می‌شود. اما در
 هر صورت هنر یا همان آرت (art) یک پدیدهٔ مدرن است و از زمان شکل‌گیری معنای خاص هنر، که
 آن را از سایر دستاوردهای بشری مجزا می‌کند، ما با لفظ آرت سروکار داریم.

در کشور ما، واژهٔ «هنر» کلمه‌ای قدیمی نیست و در منابع کهن از اصطلاح «صناعت» به معنای آن
 استفاده می‌کردند. حکیمان ایرانی صنعت را عنصری بسیار مهم در زندگی سعادت‌مند انسانی محسوب
 می‌کرده‌اند. فارابی صنعت را مرتبط به «عقل عملی» می‌داند؛ یعنی یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باعث
 تفاوت میان انسان و حیوان می‌شود. از نظر او، عقل، منشأ فکر و واسطهٔ فراگیری صناعات و علوم
 و تشخیص خوبی و بدی است. فارابی معتقد است چهار چیز سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین
 می‌کند فضایل انسانی، فضایل فکری، فضایل خلقی و صناعات عملی. برای انسان ژرف‌نگر ادراک
 عمیق زیبایی‌های اثر هنری موجب نیل به سمت کمال انسانی می‌شود. پس در زبان فارسی نیز، هنر به

معنای فضیلت، جوانمردی، نیکویی، تقوا و دادگری است. جایگاه قدسی صنعت نزد پیشه‌وران و هنرمندان سنتی و تغذیه معنوی آنها از سرچشمه‌های حکمی و عرفانی و همراه بودن و پیوند عمیق معنویات و آیین‌های جوانمردی با هنر و صنعت شرق و به‌ویژه تمدن اسلامی، که سبب می‌شده تولید هنر سنتی در مرتبه اعمال عبادی قرار گیرد و به خلق شاهکارهای جاویدان منجر شود.

افزون بر درس

از منظر حکمت سنتی، تهذیب اخلاق و اکتساب فضائل امری صناعی است و باید در آن به طبیعت اقتدا کرد. بدین معنا که باید در ترتیب سیاق وجود قوا و ملکات در بدو خلقت تأمل و در تهذیب با همان ترتیب و تدریج عمل کرد (داداشی ۱۳۹۴). خواجه‌نصیر طوسی در اساس‌الاعتباس واژه صنعت را چنین تعریف می‌کند: «صناعت ملکه نفسانی بود که با حصول آن، افعال ارادی که مقصود باشد، به‌حسب آن ملکه، بی‌رویتی ازو صادر شود» (نصیرالدین طوسی ۱۳۲۶: ۴۱۰؛ افنان ۱۳۶۲: ۱۵۱). خواجه‌نصیر همچنین معتقد است «طبیعت بر صنعت مقدم است؛ هم در وجود و هم در رتبت. چه صدور او از حکمت الهی محض است و صدور صنعت از محاولات و ارادات انسانی به استمداد و اشتراک امور طبیعی. پس طبیعت به منزلت معلم و استاد است و صنعت به مثابت متعلم و تلمیذ» (نصیرالدین طوسی ۱۳۷۳: ۱۴۹). در واقع، همان نظریه سنتی که معتقد است در صنعت باید بر همان گونه‌ای عمل کرد که طبیعت عمل می‌کند؛ یعنی تشبیه به عمل طبیعت و اقتدای بدان، نه تقلید از ظاهر طبیعت! زیرا منشأ صنعت فکر است (داداشی ۱۳۹۴).

تقسیم‌بندی هنرها

در این گفتار مثال‌های بسیار متنوعی ارائه می‌شود تا ذهن دانش‌آموز به بی‌شمار شیوه‌های تقسیم‌بندی هنرها توجه داده شود. برای گرفتن نتیجه بهتر می‌توان فعالیت‌های پیش از آغاز این مبحث را بیشتر بسط داد. برای این کار بیش از اینکه دانش‌آموزان شنونده باشند، باید با مشارکت زیاد و پرواز دادن ذهن به جستجوی شیوه‌های مختلفی که بر اساس آن می‌توان هنرها را طبقه‌بندی یا دسته‌بندی کرد، بپردازد. برخی از شیوه‌هایی که می‌توان هنرها را طبقه‌بندی کرد، عبارت‌اند از طبقه‌بندی بر اساس مخاطب. مثلاً هنرهایی که عموم توده‌های مردم به آنها توجه می‌کنند و هنرهایی که توسط اقشار خاص مورد توجه قرار می‌گیرد یا هنرهایی که مخاطب آنها کودکان هستند و هنرهایی که مخاطب آن بزرگسالان هستند و... برخی از سایر انواع تقسیم‌بندی هنرها عبارت‌اند از:

- (آ) طبقه‌بندی بر اساس حواس بشری؛ مثلاً هنرهای دیداری، هنرهای شنیداری، هنرهای دیداری-شنیداری.
 (ب) طبقه‌بندی بر اساس نقش و کارکرد؛ مثلاً هنرهای تزئینی، هنرهای کاربردی.
 (ج) طبقه‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخی؛ مثلاً هنرهای دوران پیش از اسلام، هنرهای قرون اولیه اسلامی، ... و هنرهای معاصر.
 (د) طبقه‌بندی بر اساس موضوع؛ مثلاً هنر دفاع مقدس، هنر مذهبی، هنر اخلاق‌مدار و...

همان‌گونه که دیده می‌شود، راه‌های بی‌شماری برای طبقه‌بندی هنرها وجود دارد. بنا به موضوع این کتاب، هنرها در سه دسته کلی طبقه‌بندی شده‌اند. این سه طبقه با ساحت آفرینش و ادراک هنرها مرتبط‌اند و عبارت‌اند از:

(آ) هنرهای زمان‌مند

(ب) هنرهای مکان‌مند

(ج) هنرهای آمیخته (زمان‌مند-مکان‌مند).

هنرهای زمان‌مند: عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که عناصر سازنده آنها در نوار زمان شکل می‌گیرند. برای درک این هنرها نیز بنا به طول زمانی اثر هنری، مخاطب باید خود را در بازه زمانی معین در اختیار دریافت آن اثر قرار دهد. مجموعه هنرهای صوتی شامل آواها، خطابه‌ها و موسیقی‌ها از جمله هنرهای زمان‌مند محسوب می‌شوند. آثار هنری این گروه همواره در نقطه‌ای خاص از زمان آغاز می‌شوند و در نقطه‌ای مشخص پایان می‌پذیرند و از این رو طول زمانی معینی دارند. فرایند دریافت مخاطب نیز در همین بازه زمانی صورت می‌گیرد؛ چه اثر به صورت زنده در حال اجرا باشد و چه به صورت بازپخش اثر ضبط شده از آن استفاده کند.

هنرهای مکان مند: به مجموعه هنرهایی گفته می‌شود که عناصر شکل دهنده آنها در گستره مکانی دو بُعد (مانند طراحی، نقاشی و عکاسی) یا سه بُعد (مانند پیکرتراشی و معماری) خلق و ادراک می‌شود. بسیاری از هنرهای مکان مند را، به ویژه آن دسته که در سه بُعد شکل می‌گیرند، می‌توان هم از راه لمس و هم از طریق دیدن درک کرد. آثار مربوط به این گروه برخلاف آثار هنرهای زمان مند، جسمیت دارند و هریک اصطلاحاً یک «اُژه» برشمرده می‌شود.

هنرهای آمیخته (زمان مند—مکان مند): عبارت‌اند از آن دسته از هنرها که هم‌زمان از دو مؤلفه زمانی و مکانی در فرایند خلق و ادراک خود بهره‌مند می‌شوند؛ یعنی اولاً به یک فضای دوبعدی (مانند پرده سینما) یا سه‌بعدی (مانند صحنه تئاتر) نیازمندند؛ ثانیاً به دلیل به نمایش گذاردن حرکت احتیاج به بستر زمانی معین جهت آفرینش و ارائه هستند. اگر هریک از دو مؤلفه زمانی یا مکانی را از این دسته هنرها بگیریم، آن هنر نبود می‌شود. مثلاً در نمایش یک فیلم اگر ابعاد طول و عرض پرده نمایش به صفر برسد، اثر سینمایی تبدیل به یک اثر رادیویی می‌شود؛ و اگر طول زمان اجرا را به صفر برسانیم، تصویر بر روی پرده منجمد می‌شود و اثر سینمایی تبدیل به یک قاب عکس می‌شود.

عناصر هنری

موضوع: ادراک آدمی مبتنی بر سازوکار معینی است. این سازوکار برای آغاز فرایند دریافت، تحلیل و نهایتاً ادراک نیازمند ورودی‌های معینی است؛ همانند پالایشگاه یا پتروشیمی که قادر به ورودی‌های معینی برای فرایند تولید هستند. از همین رو، در فرایند ادراک اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که «موضوع چیست؟» در واقع موضوع نقطه آغاز شکل‌گیری اثر هنری است و آنچه در باب موضوع بسیار روشن است، در حقیقت شباهت اثر هنری به چیزی در بیرون از جهان اثر هنری است. ضروری است که موضوع بر اساس دانسته‌های پیشین مخاطب قابل درک و طبقه‌بندی باشد؛ حتی اگر اثر هنری محتوایی کاملاً جدید را ارائه کند. در این زمینه پدیده‌های طبیعی و ویژگی‌های زیستی بشر مهم‌ترین دانسته‌های قبلی انسان‌هاست که در اغلب موارد موضوع اثر هنری از میان آنها انتخاب می‌شود. ارتباط زیستی متقابل انسان و طبیعت مانند طاق‌فرسا بودن گرما و سرما برای انسان که منجر به پدید آمدن موضوعات طبیعت‌گرایانه می‌شود و مقتضیات زیستی، روانی و روحی بشر مانند فقر، مهر مادری، پرستش و عشق پدیده‌های آشنایی در میان همهٔ انبای بشر هستند که می‌توانند موضوع یک اثر هنری شوند. دقت داشته باشید که «موضوع» با «عنوان» اثر هنری دو مقولهٔ جدا از هم‌اند. مثلاً عنوان یک اثر هنری می‌تواند «گل رُز» باشد، اما موضوع آن نفرت باشد.

محتوا: پاسخ ما به این سؤال که «این اثر هنری حاوی چه چیزی است؟» روشن‌کننده محتوای آن اثر است. محتوای اثر هنری پیامی است که اثر هنری همراه با احساسی خاص به مخاطب خود عرضه می‌دارد. بسیاری از اندیشمندان امکان بررسی جداگانه «فرم» و «محتوا» را ناممکن و امری باطل می‌دانند؛ چرا که پیام ارسالی به شدت تحت تأثیر فرم اثر هنری است و فرم بدون محتوا اساساً بروز بیرونی پیدا نمی‌کند.

فرم: فرم عبارت است از ساختار حاصله از هم‌نشینی و هم‌نهستی عناصر هنری که مخاطب آن را به‌واسطه حواس دریافت و به‌وسیله ذهن خود ادراک می‌کند. در اغلب موارد مصالحی که به‌عنوان بلوک‌های سازنده ساختمان فرمال یک اثر استفاده می‌شود، همان مضامینی است که پیش‌تر از آنها تحت عنوان محتوا نام‌برده شد. بر همین اساس است که بسیاری از زیبایی‌شناسان عرصه هنر، انفکاک بین فرم و محتوا را امری ناممکن قلمداد می‌کنند.

افزون بر درسی

در بررسی ساختار فرمال آثار سه مؤلفه تجزیه و تحلیل می‌شود: ساختمان کلی، ساختمان درونی و طرح تماتیک.

«ساختمان کلی» عبارت است از بخش‌های اصلی و بزرگ شکل‌دهنده اثر. به‌عنوان مثال در بررسی ساختمان کلی کلیسای وانک اصفهان که برگرفته از معماری اسلامی است، چند عنصر ساده کلی وجود دارد که در شکل زیر نمایش داده شده است. این عناصر عبارت‌اند از: دو مکعب مستطیل که روی مکعب بزرگ‌تر یک گنبد قرار دارند و یک مکعب مستطیل کوچک منفرد در جنب آنها که ناقوس در آن قرار گرفته است.



شکل ۱-۲. پلان سه‌بعدی کلیسای وانک اصفهان که تحت تأثیر معماری اسلامی در دوره صفوی ساخته شده است.

در بررسی «ساختمان درونی»، نگاهی تیزبینانه‌تر به اثر می‌شود و به وسیله آن عناصر درونی سازنده هر عنصر کلی بررسی می‌شود. به‌عنوان مثال همان‌گونه که در تصاویر زیر دیده می‌شود، هریک از مکعب مستطیل‌های سازنده اثر در درون خود مشخصه‌هایی مانند رواق‌ها را در بر گرفته‌اند که در بررسی ساختمان درونی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.



شکل ۲-۲- رواق‌ها، رواق‌نماها و فضاهای نیمه‌باز به‌عنوان عناصر خُرد سازنده عناصر کلان در ساختار فرمال کلیسای وانک اصفهان

«طرح تماتیک» عبارت است از مختصات عناصر سازنده بخش‌های ساختمان درونی و چگونگی الحاق آنها و نسبت‌های حاصله از آنها. به‌عنوان مثال در بخش پیشانی ورودی شبستان در شکل فوق، دو رواق ورودی وجود دارد که در طرفین هر کدام سه‌دری‌هایی قرار دارد که در بالای درهای میانی در هر طرف یک خورشیدی قرار داده شده است که ضمن تکمیل نمای متقارن بیرونی نور داخل بنا را نیز تأمین می‌کند.

سبک و مکتب

مهم‌ترین مباحثی که ذیل عنوان سبک و مکتب باید به آن توجه شود تفاوت بین آنها و پرهیز از به‌کارگیری هم‌معنای آنهاست. سبک عبارت است از شیوه‌ها، قاعده‌ها و روش‌های مختلف تولید آثار هنری از سوی هنرمند که گاهی به‌عنوان جریان‌ها یا جنبش‌های هنری هم مطرح است. سبک به‌نوعی شناسنامه فردی هنرمند، درزمینه چگونگی خلق و آفرینش اثر هنری است که ممکن است صرفاً مختص به خود باشد یا با شمار دیگری از هنرمندان همگون باشد. اما مکتب به معنای یک روش یا جریان کلی است که پیروانی دارد و بر اساس اصول و قواعد مشخصی شکل می‌گیرد و عده‌ای هم بر مبنای همان اصول مشترک و تعیین‌شده با روش خاص خودشان (یعنی سبک) اقدام به خلق آثار هنری می‌کنند. البته بسیار پیش می‌آید که هنرمندان از سبک یکدیگر تأثیر می‌پذیرند یا بر اساس سبک دیگر هنرمندان سبک خاص خودشان را رقم می‌زنند. ولی بسیاری از هنرمندان برجسته و مشهور جهان، سبک‌های ویژه خودشان را دارند که گاهی اوقات این سبک‌ها به تدریج مبدل به مکتب هم شده‌اند. بر این اساس، تاریخ هنر از دیرباز با همین شکل‌گیری مکتب‌های مختلف به مسیر خود ادامه داده است و در این فرایند، سبک‌های متنوع و بی‌شماری توسط هنرمندان مختلف شکل گرفته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به مکاتب نگارگری ایرانی مانند مکتب هرات، مکتب اصفهان و مکتب تبریز اشاره کرد.

جدول ۲-۲- بررسی تطبیقی ویژگی‌های سه مکتب نگارگری ایرانی

مکتب تبریز	مکتب اصفهان	مکتب هرات
در پس‌زمینه شخصیت‌ها در نقاشی‌های این مکتب معماری اصیل ایرانی و نقوش مرتبط با آن تبلور یافته است؛ متناسب اندام انسان و حیوان در آثار این مکتب به‌خوبی مراعات می‌شود؛ ایرها و درختان پیچان و استیلیزه شده هستند (در مکتب تبریز دوم تزئینات نقش چشمگیری بازی می‌کردند)؛ شخصیت‌ها در آثار این مکتب بیشتر دارای حرکت و جنبش‌اند تا ایستا باشند.	رواج نقاشی و طراحی به‌صورت تک‌ورقی به‌جای نگارگری کتاب؛ وارد شدن زندگی سنتی مردم و درباریان در لباس‌های الوان به‌عنوان موضوع نقاشی و کم شدن شکوه شخصیت‌ها؛ رواج نقاشی به شیوه قلم‌گیری؛ از رونق افتادن شیوه قدیم نقاشی که در آن تعداد زیادی بیکرهای انسانی ترسیم می‌شد؛ تصاویر متن‌بیشتر از مکاتب پیشین خود را به حاشیه تحمیل می‌کنند.	کارگاه‌های صنعت کتاب رشد چشمگیری به هنر نگارگری داد و ترکیبات زیبا و بدیعی از نگارگری و خوش‌نویسی در این دوره فراهم آمد؛ تنوع رنگ در قلم‌گیری تصاویر انسان‌ها در این مکتب به‌صورت ریز و کوچک ترسیم شده و نقوش با خطوط ساده و بی‌پیرایه اجرا شده‌اند؛ کنش و واکنش شخصیت‌های تابلو باهم؛ واقع‌گرایی نسبی در ترسیم گل و گیاه مهارت در ترسیم طراحی اندام.

ادراک هنری

«چشماتون قشنگ می‌بینه». این یکی از جملاتی است که ما در تعارفات روزمره خود زمانی که ادراک زیبایی کسی را تحسین می‌کنیم، از آن استفاده می‌کنیم. این موضوع این سؤال بنیادین را پیش روی ما قرار می‌دهد که آیا تأثیرگذاری اثر هنری مربوط به ذات آن اثر است یا به شیوه ادراک ما از آن مربوط می‌شود؟ پاسخ به این سؤال آسان نیست. اگر ضرب‌المثل بالا را بپذیریم می‌توانیم دلیل این نکته را به راحتی در یابیم که چرا اقوام و ملل مختلف در طراحی پوشاک و تزئین پیرامون خود متفاوت عمل می‌کنند؛ اما زمانی که با برخی از مظاهر هنری مواجه می‌شویم، می‌بینیم که هنر از «انسان» ظهور یافته است. پس باید در ارتباط با «انسان» معنا شود. منظور این است که هم تولید هنر و هم ادراک آن به انسان برمی‌گردد. به عبارت دیگر، انسان است که هنر را می‌آفریند و انسان است که هنر و مصادیق آن را ادراک می‌کند. در زمینه ادراک هنری دو دیدگاه کلی وجود دارد که تقریباً مکمل یکدیگرند:

۱ دیدگاه «مغزی – عصبی» که بخشی از مغز را مسئول ادراک هنری می‌داند.

۲ دیدگاه «روان‌شناختی – فلسفی» که روح و روان انسان را مسئول ادراک هنری می‌داند. در اینجا به اختصار این دو دیدگاه را توضیح می‌دهیم.

دیدگاه مغزی – عصبی: مغز انسان عضوی بسیار پیچیده است. هرچند در سال‌های اخیر پیشرفت‌های شگرفی در زمینه فیزیولوژی اعصاب تحقق یافته، ولی متأسفانه هنوز دانش ما از ساختار و عملکردهای مغز به حد کافی نیست. با این حال، می‌دانیم که دستگاه عصبی ما میلیون‌ها دانه یا واحد اطلاعات را از اعضای حسی دریافت و پردازش و پاسخ مناسب آن را مشخص می‌کند. به علاوه، می‌دانیم که سطح خارجی مغز از سلول‌های خاکستری‌رنگی تشکیل شده که قشر مغز نامیده می‌شود. قشر مغز به چندین ناحیه یا منطقه تقسیم می‌شود که هر کدام وظیفه و عملکرد مشخصی دارد. یکی از این مناطق منطقه تفسیر عمومی یا شناخت است که به نام‌های دیگری همچون ناحیه آگاهی، ناحیه سوم ارتباطی، یا منطقه «ورنیکه» نیز خوانده می‌شود. مهم‌ترین عملکرد ناحیه ورنیکه «اعمال فکری مبتنی بر کلام» است.

بیشتر تجارب حسی انسان پیش از اینکه در مغز پردازش یا ذخیره شود، به معادل‌های کلامی تبدیل می‌شود. مثلاً هنگامی که فرد کتاب می‌خواند تصویر واژگان را ذخیره نمی‌کند، بلکه خود کلمات یا مفاهیم آنها را به شکل کلام در ذهن ذخیره می‌کند. منطقه ورنیکه با مناطق مغزی مربوط به شنوایی

ارتباط نزدیکی دارد. هرگونه آسیب به منطقه ورنیکه باعث می‌شود تا شخص توانایی اعمال فکری کلامی یا مهارت‌هایی مانند «خواندن» یا «نوشتن» را از دست بدهد.

نکته مهم دیگر این است که نیمکره راست مغز در بازشناسی طرح‌ها و شکل‌ها و شناخت اشیای سه‌بعدی نقش بنیادی دارد. مشخص است که شناخت طرح‌ها و شکل‌ها و اشیای سه‌بعدی، از الزامات ادراک هنری است، زیرا تقریباً همه هنرها بر طرح و شکل استوارند؛ از نقاشی و گرافیک گرفته تا عکاسی و سینما و نمایش. طبیعی است اگر کسی نتواند طرح و شکل و بعد را تشخیص بدهد از درک درست آثار هنری باز خواهد ماند. اگر نیمکره راست مغز کسی آسیب ببیند و نتواند طرح‌ها و شکل‌ها را تشخیص بدهد نمی‌تواند معنای نمایش فیلم سینمایی یا عکس را بفهمد. این نکته درباره هنرمندان نیز صدق می‌کند. کسی که قادر به شناخت طرح‌ها و شکل‌ها و بعد نباشد، نمی‌تواند آثار هنری تصویرمحور خلق کند. در افراد عادی، نیمکره چپ نیز در ادراک و فهم موسیقی، بینایی، ادراک فضا و محیط و ارتباط با آن، و تشخیص لحن صدای دیگران، نقش دارد. پس عملکرد مناسب مغز از شرایط اصلی ادراک هنری است. برای مثال، وقتی کسی به یک عکس رنگی نگاه می‌کند یا نمایی را در یک فیلم سینمایی می‌بیند، با عملکرد نیمکره راست (یا نیمکره غالب) به تشخیص طرح‌ها و شکل‌ها می‌رسد و با عملکرد نیمکره چپ (یا نیمکره مغلوب) امکان تفسیر آنها برایش فراهم می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت هرچه قشر مغز در دو نیمکره راست و چپ فرد پیشرفته‌تر باشد، ادراک هنری آن فرد نیز افزون‌تر و ژرف‌تر خواهد بود.

آشکار است که در آفرینش اثر هنری اندام‌های حرکتی نیز نقش دارند. مثلاً نقاش باید با حرکت دست قلم‌مو را روی بوم بگذارد و نقاشی کند. عکاس باید با دست دوربین را به سمت موضوع بگیرد و با حرکت دست دکمه دوربین را بفشارد. نیمکره چپ (نیمکره مغلوب) این‌گونه اعمال حرکتی را کنترل می‌کند. بنابراین، مغز ما در جنبه جسمانی و حرکتی تولید آثار هنری نیز دخیل است. از سوی دیگر، آزمایش‌های عصب‌شناختی نشان داده که عملکرد نیمکره راست در تشخیص چهره افراد بیش از عملکرد نیمکره چپ است. آشکار است که تشخیص چهره نیز در رشته‌های گوناگون هنر به‌ویژه هنرهای بصری (شامل هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی) بسیار مهم است. اگر کسی نتواند چهره را تشخیص دهد، نخواهد توانست آثار هنری بصری را درک کند. هنگامی که ادراک هنری صورت‌نگیر، بدیهی است که تفسیر هنری نیز رخ نخواهد داد.

نکته دیگر این است که علاوه بر این مناطق مغز، برخی سازوکارهای احساسی و عاطفی نیز در تولید و ادراک هنر نقش دارند. به همین دلیل است که برخی معتقدند هنر اساساً با احساسات و عواطف

سروکار دارد. جالب اینجاست که دریافت و پردازش احساسات (احساسات خوشایند و ناخوشایند) نیز در بخشی از مغز صورت می‌گیرد که «دستگاه لیمبیک» یا «دستگاه حاشیه‌ای» نام دارد. این بخش شامل قسمت‌هایی از قشر مغز و هسته‌های قاعده‌ای مغز است.

عامل مهم دیگر در ادراک و ادراک هنری «حافظه» است. عملکرد حافظه در ادراک هنری به این صورت است که فرد به تدریج اصول و قواعد هنرها را می‌آموزد و به حافظه می‌سپارد. مثلاً می‌آموزد که چگونه بر بوم دوبعدی نقاشی یا بر پردهٔ دوبعدی سینما می‌توان اشیای سه‌بعدی را تصویر کرد. به علاوه، فرد مصداق‌های هنری را به ذهن می‌سپارد، یعنی با شنیدن قطعه‌ای متوجه می‌شود که آن قطعه متعلق به سمفونی پنجم بتوون یا نوبلی محلی است؛ یا با دیدن چند نما از یک فیلم متوجه می‌شود آن را قبلاً دیده است و احتمالاً نام آن را نیز به یاد می‌آورد. شناخت و بازشناسی سبک‌های هنری نیز منوط به عملکرد حافظه است. تشخیص نقاشی امپرسیونیستی، یا فیلم فراواقع‌گرا (سوررئالیستی)، یا شعر تغزلی، یا عکس خبری با عملکرد مناسب حافظه امکان‌پذیر است. اگر حافظه کسی آسیب‌دیده باشد احتمالاً در تشخیص سبک‌های هنری ناموفق خواهد بود.

درست است که دیدگاه مغزی-عصبی می‌تواند بسیاری از سازوکارهای ادراک هنر را توضیح دهد و تبیین کند، اما چند ایراد به آن وارد شده است. از جمله: مغز ساختمانی مادی است؛ چگونه می‌توان این ساختمان مادی را منبع و منشأ خلاقیت دانست؟ آیا ادراک هنری فقط پدیده‌ای مادی است یا جنبه‌های غیرمادی و معنوی و روحی نیز دارد؟ آیا دانستن زبان فارسی کافی است تا انسان بتواند شعر بسراید یا اینکه سرودن شعر به عنصری غیرمادی نیز نیاز دارد؟ این پرسش‌ها باعث شده است تا در زمینه ادراک هنری دیدگاه دیگری نیز مطرح شود که در ادامه به آن می‌پردازیم.

دیدگاه روان‌شناختی - فلسفی: پیروان این دیدگاه معتقدند که برای پاسخ به پرسش‌های بالا باید از محدودهٔ علوم جسمانی فراتر رفت و از علومی استفاده کرد که به روان‌شناسی و جنبه‌های فلسفی انسان مربوط است. البته این دیدگاه فقط ادراک هنری را مدنظر ندارد و به کلیت بحث ادراک در انسان می‌پردازد، اما از آنجا که ادراک هنری زیرمجموعه‌ای از موضوع کلی «ادراک» است، می‌توان از مباحث آن در زمینه هنر نیز استفاده کرد.

برخلاف دیدگاه مغزی-عصبی که ادراک را نتیجهٔ فعالیت جسمانی مناطق مختلف مغز می‌داند، دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی معتقد است که ادراک نتیجهٔ فعالیت و عملکرد نفس انسانی است که جوهری غیرمادی است. از نظر پیروان این دیدگاه، فعالیت و عملکرد دستگاه عصبی انسان، پدیدآورندهٔ ادراک نیست، بلکه مسیر ادراک را هموار می‌سازد. به عبارت دیگر، پیروان دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی

معتقدند برخی از ویژگی‌های ادراک انسان جنبه غیرمادی دارد و نمی‌تواند حاصل فعالیت ماده (مغز انسان) باشد. البته این عده عملکردهای مغز را نفی نمی‌کنند، بلکه این عملکردها را مقدمه و ابزار ادراک می‌دانند نه منشأ ادراک. پیروان این دیدگاه، در نفی مادی بودن ادراک چند دلیل ارائه می‌کنند که مهم‌ترین آنها به این شرح است:

۱) **توانایی انسان در تجرید و انتزاع:** ذهن انسان این توانایی را دارد با مقایسه چند شیء همانند، یک مفهوم کلی ایجاد کند که بر همه آن اشیا منطبق باشد. این توانایی ذهن را «انتزاع» می‌نامند. مثلاً انسان با دیدن انواع گوناگون جانوری خزنده و زهرآگین، مفهوم «مار» را می‌سازد که شامل همه انواع این حیوان می‌شود. نکته مهم این است که این انتزاع حالت مادی ندارد؛ یعنی هیچ ماری در عالم واقع وجود ندارد که بر همه مارها منطبق باشد. بلکه انواع مار از نظر اندازه و رنگ و زهرآگینی و وزن باهم متفاوت‌اند؛ ولی مفهوم انتزاعی «مار» شامل همه آنها هست. توانایی «تجرید» نیز از توانایی‌های غیرمادی ذهن است. مثال معروف در این زمینه، رنگ اشیاست. می‌دانیم پدیده‌های مادی دارای رنگ‌اند و ماده بدون رنگ وجود ندارد. اما در ذهن می‌توان جسم بدون رنگ را متصور شد و به اصطلاح شیء را از رنگ «تجرید» کرد. این دو توانایی انتزاع و تجرید نشان می‌دهد که ادراک انسان غیرمادی است.

توانایی انسان در ایجاد صورت ادراکی: با نگرستن به شیء مادی، تصویری از آن در ذهن ما ایجاد می‌شود که به آن «صورت ادراکی» می‌گویند. این کار همانند عکس گرفتن با دوربین است؛ اما با چشم انسان. این تصویر به مغز ارسال و در آنجا پردازش می‌شود. اگر این «صورت ادراکی» را مادی بدانیم، باید در ذهن ما اندازه‌اش ثابت باشد. درحالی که می‌توانیم اندازه و ابعاد این صورت ادراکی را در ذهنمان تغییر بدهیم. این نکته نشان می‌دهد که صورت ادراکی حالت مادی ندارد و مقوله‌ای غیرمادی است که ذهن ما قادر به تغییر آن است.

تغییرپذیری ماده: می‌دانیم ماده قابلیت تغییر و دگرگونی دارد. مغز انسان نیز ساختمانی مادی و در حال تغییر است. اما به‌رغم تغییرات فیزیکی در مغز، خاطرات و دانسته‌های انسان تغییر نمی‌کند (مگر بر اثر آسیب دیدن بخش‌هایی از مغز). اگر ذهنیات انسان حالت مادی داشت، باید با تغییرات فیزیکی مغز، آنها هم تغییر می‌کرد و دگرگون می‌شد.

سه دلیل بالا، نشان می‌دهد که ادراک انسان جنبه مادی ندارد و مقوله‌ای غیرمادی یا معنوی یا روانی است. البته نظام مادی دستگاه عصبی انسان، ابزاری در خدمت روان آدمی است تا ادراک را محقق

سازد. پیروان دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی معتقدند دستگاه عصبی انسان مانند رشته‌هایی است که داده‌های حسی را به مغز انتقال می‌دهند. بدیهی است اگر این رشته‌ها آسیب ببینند یا قطع شوند، روان انسان در ادراک دچار مشکل و ناتوانی می‌شود.

نکته دیگر در این دیدگاه، توجه به تفاوت «مرکزیت» و «دخالیت» است. گفتیم پیروان دیدگاه مغزی-عصبی معتقدند هر منطقه مغز عملکرد مشخصی دارد و «مرکز» آن عمل به شمار می‌رود. مثلاً منطقه ورنیکه را مرکز توانایی تکلم می‌دانند. ولی پیروان دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی معتقدند مناطق مغز در عملکردهای گوناگون ما «دخالیت» دارند و لزوماً «مرکز» اصلی آن عملکردها نیستند. دلیل اصلی این عده این است که ادراک هنر و زیبایی جنبه «روحی و معنوی» دارد، نه مادی. از این گذشته، بر پایه دیدگاه روان‌شناختی-فلسفی، آنچه هنر را ماندگار می‌سازد، جنبه‌های معنوی آن است.

با توجه به دو دیدگاه بالا می‌توان به دیدگاه سوم رسید. دیدگاهی که هم بر جنبه مادی مغز و تأثیرات آن در ادراک هنری تأکید می‌کند و هم جنبه روحی و معنوی هنر را مدنظر دارد. این دیدگاه سوم را که متعادل‌تر است و به هر دو سویه مادی و معنوی ادراک هنری توجه می‌کند، می‌توان دیدگاه مغزی-روانی نامید. این دیدگاه که در اینجا برای نخستین بار مطرح شده، می‌تواند کاستی‌های دو دیدگاه بالا را بپوشاند و با توجه به هنر ایرانی-اسلامی که جنبه‌های معنوی نیرومندی دارد، نکات تازه‌ای را مطرح سازد. واکاوی در این دیدگاه تازه در حوصله این کتاب نیست؛ اما دیدگاهی است که می‌توان درباره‌اش بحث کرد و آن را توسعه بخشید.

فعالیت پیشنهادی

برای اینکه به شیوه ادراک هنری و تأثیرگذاری احساسی و عاطفی مرتبط به آن پی ببرید، از دانش‌آموزان بخواهید قسمت‌هایی از یک داستان، نمایش‌نامه، یا فیلم را که بر روی آنها تأثیر عاطفی شایان توجهی گذاشته، انتخاب کنند و با خواندن یا نمایش آن در کلاس، درباره علل تأثیرگذاری آن با هم کلاسی‌های خود بحث و گفت‌وگو کنند.

خلاقیت هنری

پودمان
دوم

جدول اهداف و مهارت‌ها

جدول ۳-۲- اهداف و مهارت‌ها - پودمان ۲

مهارت	هدف	
	هدف اصلی این قسمت آشنایی با شیوه به‌کارگیری پدیده‌های طبیعی و فیزیکی پیرامون فرد برای آفرینش خلاقانه است.	سرچشمه‌های بیرونی آفرینش
دانش‌آموز در این بخش مهارت نسبی در زمینه چگونگی تبدیل مشاهدات به اندیشه‌های خلاق در مسیر آفرینش آثار هنری را پیدا می‌کند.		
	هدف اصلی این قسمت آشنایی با شیوه به‌کارگیری قوه خلاقانه درونی در آفرینش آثار هنری است.	سرچشمه‌های درونی آفرینش
دانش‌آموز در این بخش مهارت نسبی در زمینه چگونگی بیدار کردن و تحریک قوه خلاقانه درونی برای آفرینش آثار هنری را پیدا می‌کند.		
	آشنایی عملی با فرایند آفرینش آثار خلاق هنری.	فعالیت‌های خلاقانه هنری
دانش‌آموز با کار عملی توانایی خود را در زمینه آفرینش آثار خلاقانه هنری در رشته‌های مختلف محک می‌زند.		

هدف کلی پودمان: آموزش ایده‌پردازی و تجربه خلق هنری با کمترین تأثیرات بیرونی.

روش‌های تدریس پیشنهادی

معلم می‌تواند برای تدریس هر قسمت از کتاب نسبت به تجربه، توان و مبحث مورد نظر، روش تدریس خاصی را به کار ببرد. روش‌هایی که در این قسمت ذکر می‌شود، همان‌طور که از نام آن معلوم است کاملاً پیشنهادی است و سعی شده در انتخاب روش تدریس حتی الامکان از روش‌های فعال استفاده شود تا تدریس به صورت تعاملی و پویا برگزار شود. برای این قسمت می‌توان از محتوای روش‌های پیش‌سازمان‌دهنده، حل مسئله استفاده کرد و کار را به صورت تک‌نفره یا گروهی پیش برد.

وسایل کمک آموزشی برای تدریس این مبحث

تخته، ماژیک، گچ، تصاویر

پیامدهای تدریس

خلاقیت هنری

۱ پرورش قوه خلاقیت هنری

۲ آشنایی با فرایند خلاقیت

۳ پرورش اندیشه

شناخت‌های مطلوب در این واحد درسی

۱ هر فرد در جامعه در صورت استفاده از خلاقیت برای پیشبرد اهداف خود موفق‌تر خواهد بود و جامعه را دچار تحول خواهد کرد.

۲ جامعه امروز به افراد مبتکر نیازمند است و پرورش اندیشه به تقویت قوه تخیل و بروز خلاقیت منجر خواهد شد و باعث پرورش افراد خلاق و مبتکر در جامعه خواهد شد.

۳ با پرورش خلاقیت افراد توانایی اندیشیدن به راه‌های خلاقانه را فرا می‌گیرند.

پرسش‌های ضروری

۱ خلاقیت چیست؟

۲ اندیشه‌پردازی چیست؟

۳ منشأ خلاقیت کجاست؟

۴ چگونه ایده‌پردازی کنیم؟

مهارت‌هایی که در پایان این واحد درسی دانش آموز

باید به دست بیاورد

دانش‌آموزان درباره مطالب زیر خواهند دانست :

۱ شناخت فرایند اندیشه‌پردازی (ایده‌پردازی)

۲ شناخت فرایند خلاقیت

۳ پرورش خلاقیت

۴ پرورش سرچشمه‌های بیرونی و درونی خلاقیت

واژگان کلیدی

خلاقیت، اندیشه‌پردازی، قوه خلاقیت، سرچشمه‌های درونی و بیرونی آفرینش

هدف فعالیت‌های عملکردی

فعالیت ۱

۱ خلق اثر

۲ تقویت مهارت دست‌ورزی

۳ پرورش اندیشه‌های نو

۴ تشریح مراحل اندیشه‌پردازی

فعالیت ۲

۱ دقت در تفکیک و یافتن شباهت‌ها

فعالیت ۳

۱ تقویت گوش کردن

۲ به‌وجود آوردن ریتم (لحن)

۳ تقویت فن بیان و کنترل صدا

۴ تقویت اعتماد به نفس

فعالیت ۴

۱ تقویت حس زیبایی‌شناسی

۲ تقویت حس طبیعت‌دوستی

۳ آموزش هنرهای محیطی

فعالیت ۵

۱ تقویت دقت در مشاهده

۲ تقویت دقت در طبیعت

۲ آفرینش خلاقانه

فعالیت ۶

۱ پرورش قوه تخیل

۲ تقویت مهارت

۳ تقویت اندیشه و فرایند عملی کردن آن

۴ ترغیب به ابراز بیان شخصی در هنر

فعالیت ۷

۱ تقویت تخیل

۲ تقویت احساسات

۳ تقویت مهارت

فعالیت‌های انتخابی پایانی پودمان

۱ تقویت مشاهده

۲ تقویت دقت

۳ تقویت تجسم

۴ تقویت تخیل

۵ مهارت آفرینش هنری خلاقانه

نکات تکمیلی درس خلاقیت هنری

مقدمه

در این فصل پس از ارائه کلیاتی از فرایند آفرینش، به ارائه راهکارهایی برای بارور کردن خلاقیت هنری دانش‌آموزان در زمینه آفرینش محصولات هنری می‌پردازیم. در یک تقسیم‌بندی کلی، عوامل مؤثر در بارور کردن خلاقیت هنری به دو دسته محرک‌های بیرونی و محرک‌های درونی تقسیم می‌شوند. محرک‌های بیرونی عبارت‌اند از هر آنچه که در خارج از وجود انسان می‌تواند باعث ایجاد جرقه‌ای در خلق یک اثر شود. عوامل خارجی خود به دو دسته عوامل طبیعی و عوامل دست‌ساز بشر تقسیم می‌شوند. به‌عنوان مثال یک منظره خاص طبیعی می‌تواند منجر به آفرینش یک شعر شود؛ یا مطالعه کتاب می‌تواند زمینه را برای خلق یک تابلوی نقاشی فراهم کند.

محرك‌های درونی عبارت‌اند از حالات و احساسات درونی انسان که مکاشفه آنها قادر است زمینه را برای آفرینش آثار هنری فراهم سازد. به‌عنوان مثال احساس درونی پرستش زمینه‌ای برای خلق سروده‌ای زیبا فراهم می‌کند یا مهر مادری قادر است باعث ایجاد جرقه‌ای در آفرینش یک اثر نمایشی شود. جست‌وجوگری دانش‌آموزان در موارد مرتبط به این بودمان در کنار ورود به مباحث بودمان‌های دیگر ادامه می‌یابد. به‌عنوان مثال دانش‌آموزانی که خلق آثار نمایشی و سرود را برای کار خود انتخاب کنند، قادر خواهند بود تمرینات خود را برای اجرای اثر خود تا پایان سال ادامه دهند.

آزمون: ارزشیابی این بودمان به صورت نمایشگاهی از آثار خلق‌شده دانش‌آموزان در طول دوره با اجرای آثار آنان خواهد شد.

روش‌های آموزشی خلاقیت‌محور و بداهه‌پردازانه

خلاقیت در حیات فردی و اجتماعی انسان جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که تمام دستاوردها و تمدن بشری از آغاز تاکنون و نیز در آینده محصول و ره‌آورد خلاقیت است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد آموزش مؤلفه‌های شناختی و فراشناختی خلاقیت، موجب افزایش سطح ابتکار در دانش‌آموزان می‌شود (نگاه کنید به‌عنوان مثال به شاه‌رخ‌ی و همکاران ۱۳۹۲). پرورش خلاقیت هنری و علمی مسیری مشابه را طی می‌کنند. بنابراین می‌توان انتظار داشت پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه خلاقیت هنری تأثیر مستقیمی بر خلاقیت علمی آنها نیز داشته باشد. در سال ۱۹۴۴ گوردون با انجام مطالعه‌ای این موضوع را در یک مطالعه موردی به اثبات رساند. یافته‌های او در سال ۲۰۰۷ مجدداً توسط سلیگمن بررسی و تأیید شد. نتایج مطالعات این دو دانشمند نشان داد که آشنایی با فرایند آفرینش اثر هنری توسط هنرمند می‌تواند برای تحریک خلاقیت افراد در همه رشته‌ها مؤثر باشد. به‌عبارت دیگر با مشاهده فرایندهایی که هنرمندان طی می‌کنند، می‌توان بینش جدیدی کسب کرد و از آن در کار خود استفاده کرد. این بینش جدید منجر به «آشنایی زدایی» می‌شود که بر اساس آن فرد می‌تواند نگاهی متفاوت به پدیده‌های روزمره داشته باشد و به‌وسیله آن قوه خیال‌پردازی خود را تقویت کند. به‌عنوان مثال یک نوجوان روستایی هر روز وظیفه دارد به پرندگان آب و دانه دهد و خصوصیات هر یک از آنها را نیز به‌خوبی می‌شناسد. او با اندکی خیال‌پردازی می‌تواند آنها را در غالب یک خانواده یا فامیل ببیند و با قوه تخیل خود به آنها شخصیت انسانی دهد و با کمک مشاهده روابط بین آنها یک فیلم‌نامه بنویسد که اگرچه شخصیت‌های داستان آن انسان‌ها هستند، لیکن محرك اصلی در طراحی شخصیت‌های آن پرندگان بوده‌اند.

در سال‌های اخیر در کشور پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر روش‌های تدریس فعال بر خلاقیت در درس‌هایی مانند انشا و علوم صورت گرفته است که همه آنها نشان‌دهنده تأثیر مثبت این روش‌ها بر افزایش خلاقیت و میزان

پیشرفت تحصیلی در این دروس است (میرشمسیری ۱۳۸۴؛ قوشلی ۱۳۸۴؛ شریفی و داوری ۱۳۸۷). در یک کار میدانی که در سال ۱۳۹۲ نتایج آن منتشر شد، این موضوع به اثبات رسید که روش بدیعه‌پردازی در پرورش خلاقیت هنری منجر به افزایش قوه‌تخیل دانش‌آموزان در هر دو جنس دختر و پسر می‌شود (نیوشا و همکاران ۱۳۹۲). این امر نشان‌دهنده ارتباط مستقیم پیشرفت تحصیلی در به کارگیری روش‌های خلاقیت‌محور است. این بدان معناست که فعالیت‌های مرتبط به خلاقیت هنری، نه تنها توانایی دانش‌آموزان را در زمینه آفرینش هنری رشد می‌دهد، بلکه توانایی آنها را در سایر زمینه‌های علمی نیز ارتقا می‌دهد.

سرچشمه‌های آفرینش ایده‌های هنری

اندیشه اولیه، نخستین گام در آفرینش‌های خلاقانه است. این اندیشه‌ها می‌تواند سرچشمه بیرونی یا درونی داشته باشد. یعنی محرک اولیه می‌تواند پدیده‌ای در بیرون شخص باشد؛ مانند نگاه خاص به محیط طبیعی یا مواجه شدن با رویدادی در زندگی روزمره. همچنین محرک اولیه می‌تواند از خیالات و تصورات درونی فرد نشأت گرفته باشد. برخی اندیشه‌ها نیز می‌توانند نتیجه هم‌زمان سرچشمه‌های درونی و بیرونی باشند. آن دسته از هنرمندانی که با محرک‌های درونی به ساخت اثر می‌پردازند، قادرند با رجوع به خیال‌انگیزی ذهن خود به آفرینش بپردازند. اما، گروه دیگر، بیشتر تحت تأثیر محرک‌های بیرونی به آفرینش هنری می‌پردازند. البته این دسته نیز معمولاً از احساسات درونی خود در زمان خلق اثر بهره‌مند می‌شوند.

■ **سرچشمه‌های بیرونی آفرینش:** منظور از سرچشمه‌های بیرونی آفرینش محرک‌هایی است که در خارج از وجود فرد باعث انگیزش او در فرایند آفرینش به‌ویژه در زمینه «اندیشه اولیه» می‌شود. محرک‌های بیرونی می‌توانند پدیده‌ها و عناصر طبیعت و هرگونه واقعه‌ای که در دنیای بیرونی ما رخ می‌دهد، باشند. به‌عنوان مثال با نگاه به صخره‌ها می‌توان از آنها شخصیت‌های نمایشی استخراج کرد و آنها را دست‌مایه نوشتن داستان و فیلم‌نامه کرد.

ذهن پویا و خلاق انسان به‌ویژه در دوران جوانی قادر است از ساده‌ترین پدیده‌ها و اتفاقات روزمره زندگی برای آفرینش آثار بهره‌برداری کند. برای این امر کافی است فرد روحیه‌ای جست‌وجوگر داشته باشد و به پدیده‌های پیرامون خود فعالانه نگاه کند. زمانی که هنرمند جوان احساس کند، برای اولین جرقه‌های اندیشه‌پرداز نیازمند منابعی بیرونی است، بهتر است به دامن طبیعت یا کوچه و بازار برود تا در معرض محرک‌های مختلف طبیعی قرار گیرد. در این زمان بهتر است ضبط صوت یا دوربینی کوچک و دفتر یادداشتی نیز به همراه داشته باشد و اتفاقات پیرامون را ضبط کند.

مناظر پیرامون نه تنها الهام‌بخش شکل‌گرافیکی است، بلکه ویژگی‌های دیگری را نیز برای استفاده در آفرینش اثر هنری به همراه دارد. اینکه آیا فضا خشن است یا نرم، از لحاظ ویژگی‌های سایه‌روشن‌ها، محیط

چه خصوصياتی را القا می‌کند؟ آیا فضا گرفته و غمگین است یا پرنشاط و پرهیجان؟ آیا در محیط، نقاطی وجود دارد که بیشتر در مرکز توجه واقع می‌شوند؟ عناصر داخل محیط چگونه باهم ارتباط برقرار می‌کنند؟ و ده‌ها ویژگی دیگر که از محیط قابل دریافت است. اثر هنری شما می‌تواند توصیف‌هایی بی‌شمار از یک فضای خاص و محدود به دست بدهد. به‌عنوان مثال یک آهنگساز موسیقی فیلم می‌تواند از اصوات پدیده‌های طبیعی مانند غرّش رعد، آواز پرندگان، پیچیدن صدای باد در جنگل و شالیزار یا محصول ارتعاشات صنعتی در زندگی روزمره مانند صدای حرکت قطار بر روی ریل، ماشین‌آلات صنعتی در کارخانه‌ها و... به آفرینش اثر هنری بپردازد.

خلق اثر هنری در یک رشته، تحت تأثیر دیگر اثر هنری در رشته دیگر نیز از دسته همین نوع محرک‌هاست. به‌عنوان مثال فرد می‌تواند با دیدن نقش یک قالیچه زیبا طرح اولیه یک سناریوی نمایشی را بزند؛ یا تحت تأثیر یک شعر تابلویی زیبا خلق کند.

هنرمندان، چشم‌ها، گوش‌ها و سایر حواس خود را تربیت می‌کنند که پدیده‌ها را متفاوت ببینند. هر انسانی به‌صورت ذاتی این استعداد را دارد که ذهن خود را در این مسیر بارور کند. به‌عنوان نمونه به استفاده از اعداد در متن نوشته زیر دقت کنید. به تدریج که شما جملات را از بالا به پایین می‌خوانید، ذهن شما فرامی‌گیرد که چگونه به اعداد به شکل حروف نگاه کند.

ذهن انسان استعداد رشد دارد.

ذهن انسان قدرت شگفت‌انگیزی در (۱) (طابق با شرایط جدید دارد).

کافی است ب‌۵ د‌۵ (۰) خود ا‌۵ ج‌۵ ی‌۵ ر‌۵ د‌۵ ب‌۵ ا‌۵ گ‌۵ از قدرت آ (۰) شگفت‌زد ۹۵ می‌شویم.

ذهن خود را از عادات آزاد ک‌۰ سید.

گذشتگ‌۱ (۰) تو ۱ (۰) ستند پس، ۹-۱ (۰) ی‌۹ می‌توا (۰) یم.

حالا ۹ می‌توا (۰) ید ب‌۵ د‌۵ خود افتخار ک‌۰ سید.

با بهره‌گیری از نمونه‌های زیر دانش‌آموزان را تشویق به بهره‌گیری از مشاهدات طبیعی خود برای آفرینش

اندیشه خلاقانه کنید.

راه‌نما :

$$ه = ۵$$

$$ا = ۱$$

$$ز = ۰$$

$$ن = (۰)$$

$$م = ۹$$

$$لا = ۷$$

بسط موضوع :

۱] بر اساس شیوه جایگزینی تدریجی اعداد به جای حروف از دانش‌آموزان بخواهید جملاتی را بنویسند که هم کلاسی‌های آنها با اندکی تلاش بتوانند آنها را بخوانند.

۲] می‌توانید تمرین را به شیوه معکوس انجام دهید؛ یعنی حروف را در برخی از مثال‌ها جایگزین اعداد کنید.

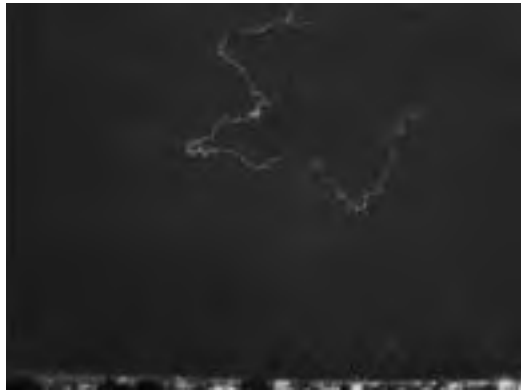
مثال :

$$۱+ه=۶$$

$$۱+ه۲=لا۸۲$$



شکل ۳-۲- مرد موسبز نام صخره‌ای است در ایبیهان فرانسه (Ebihens , France)



شکل ۴-۲- نقوش شگفت‌انگیز حاصل از رعد و برق در آسمان

۲ سرچشمه‌های درونی آفرینش: سرچشمه درونی آفرینش عبارت است از قوه‌ای خلاقانه که به واسطه آن از انسان فعالیت‌های خلاقانه سر می‌زند. شاعران این قوه را حس شاعرانگی می‌خوانند و عارفان آن را تجلی درونی خالق می‌دانند که منتسب به دمیده شدن روح الهی در نهاد بشر است. این قوه در موارد خاصی شرایط بروز بیشتری می‌یابد؛ مانند دوره عاشقی، یا کمال‌یافتگی. با شعله‌ور شدن این قوه در نهاد انسان، پدیده‌های بیرونی نیز با رنگ و بویی متفاوت دیده می‌شوند. چنان‌که مولوی می‌گوید: «در درون خود بیفزا درد را؛ تا بینی سبز و سرخ و زرد را».

با بهره‌گیری از سرچشمه‌های درونی آفرینش می‌توان بی‌شمار آثار هنری خلق کرد. سرچشمه درونی آفرینش توانایی شگفت‌آوری در خلق آثار بی‌بدیل هنری دارد. این قوه با عنصر تخیل کار می‌کند و قادر است خارج از دنیای مادی جهانی را بنا کند که در آن هر ناممکنی به ممکن بدل شود.

سرچشمه‌های درونی آفرینش کم و بیش درون همه انسان‌ها وجود دارد؛ اما در خواب زمستانی است. لازم است ما با تلاش این قوه را بیدار کنیم تا بتوانیم از مزیت آفرینندگی آن بهره‌مند شویم. در کتاب برخی توصیه‌های ساده برای بیدار کردن قوه خلاقیت درونی دانش‌آموز آمده است که می‌توان آنها را بر اساس تجربیات شخصی افزایش داد.

بسط فعالیت‌ها

بیشتر هنرمندان نقشهٔ خلاقانهٔ خود را به شیوه‌ای ترکیبی اتخاذ می‌کنند. در شیوهٔ ترکیبی به این صورت عمل می‌شود که بخشی از فرایند خلاقانه با بهره‌گیری از سرچشمه‌های درونی و بخشی دیگر به وسیلهٔ محرک‌های بیرونی به انجام می‌رسد. در شکل ترکیبی دو امکان اصلی وجود دارد :

الف) از محرکی بیرونی به‌عنوان سرچشمهٔ خلاقیت بهره‌برداری کنند، سپس قوهٔ آفرینش درونی خود را بر آن بیفزایند و آن را پرورش دهند؛

ب) به سرچشمهٔ آفرینش درونی خود رجوع کنند و برای افکار خیال‌انگیز خود در محیط بیرونی نمونه‌هایی واقعی بیابند و به وسیلهٔ آن نمونه‌ها فرایند آفرینش را تکمیل کنند.

فرایند تولید اثر هنری خلاق

تولید یک اثر هنری نیازمند مهارت‌های مختلفی همچون مهارت در استفاده از ابزار و وسایل و مواد مختلف، کاربرد تکنیک‌های مختلف، استفاده از رسانه‌ها و... است؛ اما پیش و بیش از آن لازم است هنرمند از احساسات و افکار خود مطلع باشد و دائماً آنها را واریسی کند. هنرمندان برای دستیابی به اندیشهٔ اولیه همواره با مشکل روبه‌رو هستند. آنها برای حل این مسئله لازم است راه‌حل‌های جدیدی پیدا کنند و از خطر کردن هراسی نداشته باشند و پس از تولید کار هنری اولیه آن را بازبینی و اصلاح کنند. سپس آن را ارائه کنند و در معرض مشاهده و قضاوت دیگران قرار دهند و دربارهٔ آن تأمل کرده آن را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند. می‌توان مراحل طی شده برای خلق یک اثر هنری را به شرح زیر خلاصه کرد :

- چالش و برانگیخته شدن توسط مسئله یا موضوع
- تصور و تمرکز بر روی موضوع یا مسئله
- جست‌وجو و تجربه راه‌حل‌های مختلف
- تولید و خلق کار اولیه
- بررسی و پالایش کار اولیه
- اجرا و ارائه کار نهایی
- بررسی و ارزیابی

تحلیل آثار هنری

جدول ۴-۲- جدول اهداف و مهارت‌ها - پودمان ۳

مهارت	هدف	
	هنرهای دیداری مهم‌ترین جلوه‌های آفرینش انسانی هنر هستند. آفرینش و ادراک این گروه از هنرها در فضای دوبعدی (مانند نقاشی و عکاسی) و سه‌بعدی (مانند نقش برجسته و معماری) به وقوع می‌پیوندد. آشنایی با چگونگی شکل‌گیری ساختمان این دسته آثار هنری برای ترقی فرد و جامعه در جهت فرهنگ انسانی در حوزه تمدن ایرانی-اسلامی بسیار ضروری است.	فضا
دانش‌آموز به صورت تحلیلی با ساختار هنرهای مکان‌مند آشنا می‌شود و می‌تواند به ارزیابی این گروه از هنرها در پیرامون خود بپردازد. موضوعات طرح‌شده در این فصل به همراه نمونه‌ها ضمن فراهم آوردن ادراک از طریق تجربه عملی باعث پرورش دید هنری و خلاقانه فرد می‌شود.	همان‌گونه که برخی هنرها، به‌صورت دیداری خلق و ادراک می‌شوند، هنرهای دیگر نیز به‌صورت شنیداری آفرینش و درک می‌شوند. بالای بردن سطح آگاهی در زمینه ساختار این دسته هنرها و تحلیل عوامل اثرگذار در ادراک آنها می‌تواند به بازشناسی هنرهای صوتی ارزشمند از سایر آثار صوتی که ممکن است باعث آسیب فردی و اجتماعی شود، کمک شایانی کند.	صدا
دانش‌آموز به‌صورت تحلیلی با ساختار هنرهای این گروه آشنا می‌شود و مهارت ارزیابی این دسته از هنرها را که بخش اعظم تولیدات سینمایی و تلویزیونی را به خود اختصاص می‌دهد، به صورت نسبی می‌یابد.	بخش عمده‌ای از هنرهای مصرفی امروز جامعه، هنرهایی هستند که به صورت هم‌زمان از دو مؤلفه زمانی و مکانی در آفرینش خود استفاده می‌کنند که اصطلاحاً به آنها هنرهای حرکتی نیز گفته می‌شود. سینما و نمایش در رأس این دسته هنرها قرار دارند که با توجه به حجم بالای استفاده از آنها به صورت روزانه و تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم آنها در شکل‌گیری فرهنگ زیستی ما، کسب دانش در زمینه ساختار و شکل تأثیرگذاری آنها بسیار ضروری است.	حرکت

هدف این پودمان : پرورش توانایی انتخاب آثار ارزشمند هنری و نقد و تحلیل آنها براساس معیارهای زیباشناختی و ارزشی

روش‌های تدریس پیشنهادی

برای این قسمت می‌توان از کاوشگری، حل مسئله، پیش‌سازمان دهندهٔ بارش فکری، دریافت مفهوم، تدریس اعضای تیم استفاده کرد. در قسمت کلیات صفحات ۲۳ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۶ به کمک روش‌های تدریس مثال‌هایی آورده شده است لطفاً مطالعه بفرمائید.

وسایل کمک آموزشی جهت تدریس این مبحث

تخته، مازیک، پخش‌کنندهٔ صوتی تصویری، عکس، فیلم

پیامدهای تدریس

تحلیل آثار هنری

۱ آشنایی با ساختار هنرهای بصری دو بعدی و سه بعدی

۲ آشنایی با هنرهای صوتی به صورت تحلیلی

۳ آشنایی با هنرهای حرکتی

شناخت‌های مطلوب در این واحد درسی

۱ پیشرفت فرهنگی و هنری هر جامعه تا حد زیادی مرهون شناخت تحلیلی آنها از آثار هنری است.

۲ باتوجه به ورود انواع سبک‌ها در هنرهای آوایی به جامعه، آشنایی و شناخت هرچه بیشتر فرد نسبت به این هنرها باعث می‌شود تا در انتخاب این موارد دقت کند و جلوی آسیب‌های فرهنگی گرفته شود.

۳ سینما و تئاتر در این عصر به صورت جدی‌تری وارد زندگی بشر شده‌اند و شناخت هرچه بیشتر این پدیده‌ها باعث بالارفتن سطح کار هنرمندان می‌شود.

پرسش‌های ضروری

۱ هنرهای دوبعدی را تعریف کنید و چند هنر دو بعدی را نام ببرید.

۲ هنرهای سه‌بعدی را تعریف کنید و چند هنر سه بعدی را نام ببرید.

۳ فضاهای باز، نیمه باز، بسته را نام ببرید.

۴ فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی چگونه اند؟ نمونه‌هایی از آنها را نام ببرید.

مهارت‌هایی که در پایان این واحد درسی دانش آموز باید به دست بیاورد

دانش آموزان در مورد مطالب زیر خواهند دانست :

- ۱ شناخت هنرهای دوبعدی و سه بعدی
- ۲ شناخت و تحلیل هنرهای صوتی و آوایی
- ۳ شناخت تفاوت‌های متر و ریتم
- ۴ شناخت انواع حرکت در دوربین فیلم برداری
- ۵ شناخت روش‌هایی برای ایجاد توهّم حرکت در دوربین

واژگان کلیدی

هنرهای دوبعدی، هنرهای سه بعدی، تئوری گشتالت، پرسپکتیو، واید، تله فوتو، رنگ صوتی، ریتم، هارمونی، ملودی، جمله ملودیک، موتیف، آکورد، سازآرایی، هجا، آوانگاری، موتیف، انتزاعی.

هدف فعالیت‌های عملکردی

در فعالیت‌های این بخش به نکات زیر دقت کنید :

فعالیت ۱

۱ تقویت مهارت در ترکیب بندی

۲ شناخت انواع ترکیب بندی

فعالیت ۲

۱ شناخت و تفکیک عناصر کلی در ترکیب بندی

فعالیت ۳

۱ شناخت انواع قاب بندی

۲ تقویت مهارت قاب بندی

۳ شناخت اجزای شکل دهنده تابلو

فعالیت انتخابی

- ۱ تقویت مهارت دست‌ورزی از طریق نقاشی
- ۲ تقویت مهارت نگاه کردن
- ۳ تقویت مهارت قاب‌بندی
- ۴ تقویت مهارت عکاسی
- ۵ پرورش تحلیل عناصر کلی و بیان آن

فعالیت ۴

- ۱ تقویت مهارت عکاسی
- ۲ تقویت مهارت قاب‌بندی
- ۳ شناخت بهترین حالت برای قاب‌بندی
- ۴ تحلیل انواع قاب‌بندی

فعالیت ۵

- ۱ تقویت مهارت نقاشی یا طراحی
- ۲ تقویت مهارت عکاسی
- ۳ پرورش کاربرد قاب‌بندی
- ۴ تحلیل خطوط در آثار

فعالیت ۶

- ۱ تقویت مهارت قاب‌بندی

فعالیت ۷

- ۱ شناخت کلیات تصویر
- ۲ تقویت نگاه کردن
- ۳ تحلیل عناصر تصویری

فعالیت ۸

- ۱ شناسایی عوامل جهت‌دار خطی
- ۲ افزایش مهارت دست‌ورزی

فعالیت ۹

- ۱ شناسایی جزئیات تصویر
- ۲ تحلیل عناصر تصویر
- ۳ شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های آثار

فعالیت ۱۰

- تقویت نگاه کردن و دسته‌بندی عناصر

فعالیت ۱۱

- ۱ فرصتی برای تفکر و دقت

- ۲ مقدمه‌ای بر مبحث رنگ

فعالیت ۱۲

- تحلیل و تفهیم تأثیر حسی رنگ

فعالیت ۱۳

- با توجه به مطالعه هنرهای دوی بعدی و سه بعدی در پایه هشتم، دانش‌آموزان آموخته‌های قبلی خود را

مرور خواهند کرد.

فعالیت ۱۴

- ۱ بالا رفتن مهارت دست‌ورزی

- ۲ کاوش در ایجاد حجم با عناصر بصری

فعالیت ۱۵

- تمرین شناخت ترکیب بندی حجم‌ها

فعالیت ۱۶

- ۱ تقویت تجسم

- ۲ شناخت فضاهای مثبت و منفی

- ۳ شناخت صحیح چیدمان اثاثیه

فعالیت ۱۷

- ۱ بالا بردن دقت در مشاهده

- ۲ توصیف فضاهای باز، بسته و نیم‌بسته

- ۳ تمرین تقسیم بندی فضاها

فعالیت ۱۸

- چالش ذهنی درباره فضاهای مختلف و فرصتی برای تفکر

فعالیت ۱۹

- ۱ شناخت و دقت در تولید اصوات با دهان

- ۲ شناخت و تأثیر تغییر زمان و کشش در اصوات

فعالیت ۲۰

■ تقویت دقت در تشخیص اصوات

فعالیت ۲۱

■ تقویت شناخت موتیف و عبارت

فعالیت ۲۲

۱ تمرین و تقویت حس شنیداری

۲ تجزیه و تحلیل اثر صوتی

فعالیت ۲۳

■ دقت و تأمل در قرائت قرآن کریم و تحلیل و بررسی زیبایی آن

فعالیت ۲۴

■ تحلیل یک اثر صوتی قرائت قرآن کریم

فعالیت ۲۵

۱ تحلیل علل زیبایی اصوات و متون

۲ ادراک تأثیر اصوات زیبا از راه مقایسه

فعالیت ۲۶

■ تقویت قدرت تجزیه و تحلیل

فعالیت ۲۷

۱ تقویت حس شنیداری، حافظه

۲ هماهنگی مغز و حنجره و زبان

۳ شناخت اصوات از طریق گوش و تکرار

۴ شناخت فاصله‌ها و کشش

۵ ایجاد پویایی و تنوع در کلاس

فعالیت ۲۸

۱ ایجاد پویایی و تنوع در کلاس

۲ پرورش حس هماهنگی با گروه

۳ تقویت حس همکاری با گروه

۴ تقویت حس شنیداری

۵ تقویت هماهنگی مغز و دست و پا

فعالیت ۲۹

- ۱ ایجاد بویایی و تنوع در کلاس
- ۲ تقویت حس هماهنگی و همکاری با گروه
- ۳ تقویت حس شنیداری
- ۴ تقویت خلاقیت
- ۵ تقویت حس شنیداری

فعالیت ۳۰

- ۱ تقویت حس شنیداری
- ۲ پرورش دقت
- ۳ پرورش تجزیه و تحلیل اصوات

فعالیت ۳۱

- ۱ تقویت حس تجسم
- ۲ مقدمه‌ای از مبحث حرکت

فعالیت ۳۲

- ۱ ایجاد تنوع و سرگرمی با تمرین ساخت انیمیشن دستی
- ۲ تقویت مهارت طراحی و دست‌ورزی

فعالیت ۳۳

- ۱ ایجاد توهم حرکت
- ۲ تقویت دست‌ورزی

فعالیت ۳۴

- ۱ ارتقای دقت در نگاه کردن
- ۲ تقویت عکاسی
- ۳ ایجاد حرکت توسط عکس
- ۴ تجربه عکاسی از زوایای مختلف

فعالیت ۳۵

- ۱ تجزیه و تحلیل حرکات
- ۲ دسته‌بندی حرکات

فعالیت ۳۶

۱ تقویت مهارت فیلم برداری و عکاسی

۲ تجزیه عکس و فیلم

۳ تحلیل حرکت در آثار

۴ تقویت بیان و تبادل افکار

فعالیت‌های انتخابی پایان پودمان

دانش‌آموزان از بین چند فعالیت زیر می‌توانند یک فعالیت را جهت پروژه پایان پودمان خود انتخاب کنند و انجام دهند. اهداف دنبال شده در این فعالیت‌ها مجموعه‌ای از اهداف فعالیت‌ها در تمرینات این پودمان است. این فعالیت به همراه فعالیت‌های کلاسی، نمره این پودمان را تشکیل می‌دهد.

نکات تکمیلی درس تحلیل آثار هنری

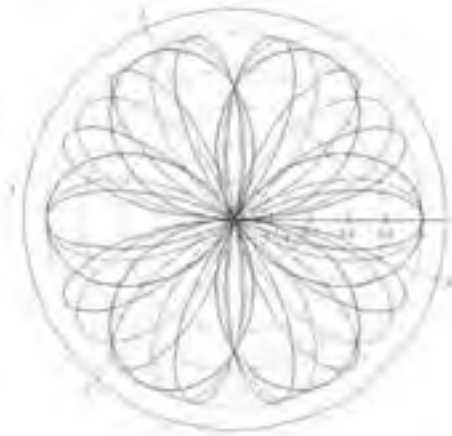
مقدمه

در این فصل دانش‌آموز با ساختار آثار هنری و چگونگی مطالعه آنها آشنا می‌شود. ساختار این فصل به گونه‌ای طراحی شده است که فرد ابتدا با هنرهایی که ساحت ساختاری آنها در فضای دوبعدی و سه‌بعدی شکل می‌گیرد - مانند نقاشی، پیکره‌سازی و معماری - آشنا می‌شود. در ادامه هنرهای صوتی و عناصر شکل دهنده آنها بررسی می‌شود. نهایتاً با ساختمان هنرهایی که هم‌زمان از فضا و صدا بهره می‌جویند آشنا می‌شود. مهم‌ترین جنبه‌هایی که در هر یک از موضوعات سه‌گانه این فصل به آنها توجه می‌شوند، عبارت‌اند از: ویژگی‌های محمل اثر هنری، عناصر شکل دهنده هنری، اصول زیبایی‌شناسی کالبد و ترکیب‌بندی عناصر، و نهایتاً نقش بستر اجتماعی و فرهنگی در ادراک زیبایی هنری.

هر یک از موضوعات سه‌گانه این پودمان با مثال‌هایی واقعی در کتاب همراه است و از دانش‌آموز خواسته خواهد شد، نمونه‌های مشابهی از آثار ارائه شده در کتاب را از میان آثار بومی منطقه خود در طول هفته بیابد و در کلاس برای دوستان خود آن اثر را از دیدگاه هنری تحلیل کند.

فضا

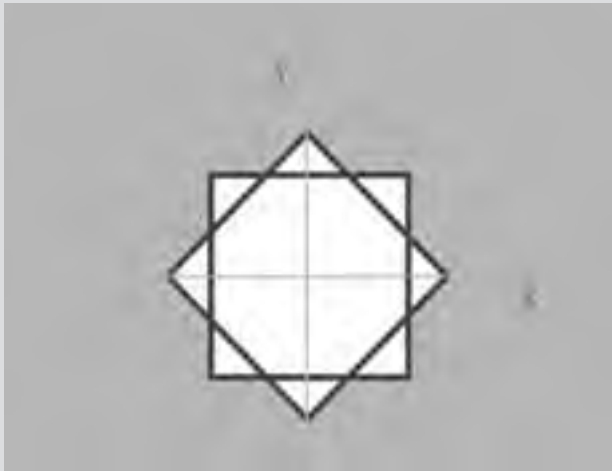
الف) فضای دو بُعدی: در این بخش به هنرهایی پرداخته می‌شود که ساختار آنها در فضای مکانی شکل می‌گیرد. همه دانش‌آموزان ریاضی خوانده‌اند و همه آنها محورهای مختصات X و Y را می‌شناسند. موضوع شکل‌گیری عناصر هنری در دو بعد به همراه مرور محورهای مختصات می‌تواند ضمن ایجاد هیجان به کارگیری مفاهیم مثلثات و هندسه در هنر، باعث فهم بهتر اینکه چرا علم ریاضی پایه همه دانش‌هاست، شود.



شکل ۲-۵- نمونه پیوند بین ریاضی و هنرهای دوبعدی

فعالیت‌های بیشتر

دانش‌آموزان می‌توانند نقوش اسلامی مثل شمسه را روی محور مختصات قرار دهند و مختصات هر یک از نقاط تلاقی اضلاع آن را معین کنند. این تمرین برای نقوش غیرهندسی بی‌چیدگی‌های بیشتری دارد.



شکل ۲-۶

عناصر و فضا

در مبحث عناصر و فضا می‌توان با موضوع سیاه‌چاله‌ها موضوع را بسیار جذاب کرد. ابتدا ضروری است که ما تخیلی از ناکجایی داشته باشیم، سپس فضایی را که در آن زیست می‌کنیم، همچنین کره‌خاکی، سیاره‌ها و ستاره‌ها وجود دارند احساس کنیم. قدم بعدی آن است که مادامی که در فضایی عناصری مانند اجرام آسمانی وجود داشته باشند، دیگر ما با سیاه‌چاله مواجه نخواهیم بود. سیاه‌چاله فضایی است که در آن به دلیل فشردگی جسم امکان بازتابش نور وجود ندارد؛ بنابراین دیدن رنگ‌ها و ... امکان‌پذیر نیست. مثالی که می‌تواند این موضوع را کمی ملموس کند، این است که ما مقداری تاریکی مطلق را برداریم و به وسیله آن در یک فضای تاریک مطلق مجسمه‌ای بسازیم!

هستی هنرهای دوبعدی و سه‌بعدی مرهون دو مؤلفه بنیادی است: فضا و عنصری که در آن قرار گیرد. برای ساده‌سازی چگونگی این موضوع می‌توان یک چارچوب قاب را روی دیوار قرار داد تا محدوده فضا را معین کند؛ سپس چند عنصر بصری ساخت و از دانش‌آموزان خواست تا آنها را براساس خلاقیت خود در چارچوب خالی جای دهند.



شکل ۲-۷

تمرین‌های مربوط به تشخیص عناصر اصلی شکل‌دهنده قاب برای بالابردن حساسیت دانش‌آموز در زمینه شیوه نگاه به تابلو بسیار مهم است. او در این زمینه باید فراگیرد که چگونه محتوای شکل‌دهنده قاب را به عناصر هندسی خلاصه‌سازی کند و سپس عناصر اصلی را از عناصر فرعی بازشناسی نماید. برای نمونه به چگونگی آنالیز عناصر منظره زیر نگاه کنید:



شکل ۸-۲- چگونگی تحلیل عناصر شکل‌دهنده قاب با ساده‌سازی عناصر اصلی (Zettl ۲۰۱۰)

افزون بر درس

نسبت ابعاد در قاب تصویر

پیش از آنکه ما تصمیم بگیریم تا چه اندازه به یک موضوع نزدیک شویم یا از آن فاصله بگیریم، باید نسبت ابعاد تصویر خود را مشخص کنیم. در نقاشی هنرمند مختار است تا بر اساس موضوع کار خود و هدفی که دنبال می‌کند، برای ابعاد و تناسب طول و عرض اثر تصمیم‌گیری کند. اما به صورت سنتی نسبت ابعاد در دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری از نسبت‌های معینی پیروی می‌کنند که قدیمی‌ترین آنها نسبت ۳×۴ است. به تدریج علاقه برای استفاده از قاب‌های عریض‌تر در عکاسی و سینما بیشتر شد. اشکال صفحه بعد اندازه قاب‌های عریض‌تر را نسبت به قاب ۳×۴ نمایش می‌دهند.

	<p>ابعاد استاندارد 3×4 تلویزیون‌ها و دوربین‌های عکاسی قدیمی</p>
	<p>نسبت 9×16 ابعاد تلویزیون‌های LCD</p>
	<p>نسبت $3 \times 5/55$ ابعاد پرده عریض سینمایی</p>
	<p>نسبت 3×7 ابعاد پرده عریض سینمایی (پانوراما)</p>

در بخش نسبت ابعاد قاب تصویر می‌توان قاب‌هایی با نسبت‌های استاندارد (یعنی 3×4 ، 9×16 ، $3 \times 5/55$ ، 7×3) تهیه کرد و از دانش‌آموزان خواست تا به وسیله آن قاب‌ها پیرامون خود را قاب‌بندی کنند. در ترکیب این درس و درس انتخاب عناصر درون قاب می‌توان عکسی با ابعاد بزرگ روی دیوار نصب کرد و از دانش‌آموزان خواست تا با قاب‌های خالی عکس بزرگ را با موضوعات محدودتر قاب‌بندی کنند.



شکل ۹-۲- نمایی از منطقه شمال تهران (عکس: محمدرضا آزاده‌فر)



شکل ۱۰-۲- تصویر بالا قاب‌بندی شده با نسبت‌های ۳×۴



شکل ۱۱-۲- نمایی دیگر از تصویر بالا، قاب‌بندی شده با نسبت‌های ۷×۳ (پانوراما)

ب) فضای سه‌بعدی : بسیاری از مفاهیم ارائه شده در مبحث فضای دوبعدی در این بخش هم قابل استفاده‌اند. به‌عنوان مثال در بخش فضای دوبعدی ما یک قاب خالی را برای آموزش ترکیب عناصر در دو بعد استفاده کردیم. در این بخش نیز می‌توان از محدوده‌ای سه‌بعدی به‌عنوان فضای شکل‌گیری عناصر برای جای دادن احجام استفاده کنیم.

بسیاری از پیکره‌های سنگی از دل یک حجم محدود سنگی خارج می‌شوند. به‌عنوان نمونه نگاه کنید که چگونه از دل قلوه‌سنگ‌ها سنگ‌های زیبا یا رواقی شگفت‌انگیز درآمده است.

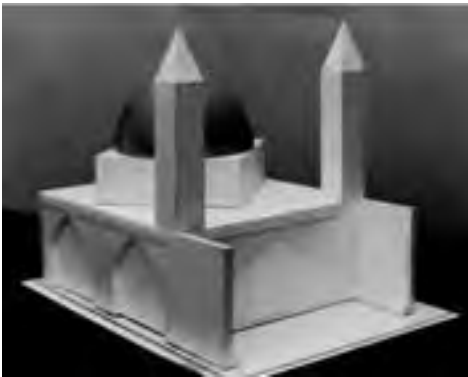


شکل ۱۲-۲- سنگاب بقعه امامزاده علی بن امام محمدباقر(ع)، مشهد اردهال (بالا) و سنگاب مسجد امام اصفهان (پایین)، (سنگاب نوعی سقاخانه است که به‌ویژه از دوره صفویه در اماکن عمومی به‌ویژه مساجد اهمیت فراوانی یافت).



شکل ۱۳-۲- نمونه‌ای از شکل‌گیری عناصر بصری در فضای محدود سه‌بعدی در شکل‌گیری یک رواق

در دورهٔ نوجوانی افراد علاقهٔ زیادی به ساخت ماکت دارند. یکی از شیوه‌هایی که برای تجربهٔ قرار گرفتن عناصر در فضا می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، تشویق دانش‌آموزان به ساخت انواع ماکت‌هاست. برای این کار می‌توانید به‌عنوان کتاب کمک آموزشی از کتاب حجم‌شناسی و ماکت‌سازی سال سوم رشتهٔ نقشه‌کشی معماری بهره بگیرید. تصاویر زیر دو نمونه از مدل‌های معرفی‌شده در این منبع را نمایش می‌دهد. مراحل و شیوهٔ ساخت تعدادی از ماکت‌های ساده در کتاب مذکور شرح داده شده است.^۱



شکل ۱۴-۲- دو نمونه از ماکت‌های معرفی‌شده در کتاب حجم‌شناسی و ماکت‌سازی، سال سوم متوسطه، رشتهٔ نقشه‌کشی

معماری

^۱ - <http://www.chap.sch.ir/books/۴۳>

فعالیت بیشتر

۱ برای آشنایی بهتر با موضوع فضا، ضروری است دانش‌آموزان به صورت عملی تجربه کنند. برای کار می‌توان از انواع هنرهای حجم سازی با خمیر، گل سفال، چوب و فلز برای تجربه ترکیب عناصر بصری در فضا استفاده کرد.

۲ ماکت‌سازی به‌ویژه ماکت بنا می‌تواند کمک زیادی به فراگیری تناسب قرارگیری عناصر حجمی در فضا - به‌ویژه در یک هنر کاربردی مانند معماری - بکند.

احساس بُعد سوم : درزمینه احساس بُعد سوم دو مبحث اساسی نیاز به توصیف دارد : مکانیزم تشخیص فاصله توسط ارگان مضاعف بینایی (دو چشم) و هندسه مناظر و مرایا (پرسپکتیو). مبحث ارگان مضاعف بینایی کمک می‌کند که بدانیم آدمی چگونه قادر به تشخیص دوری و نزدیکی اشیاست. هندسه مناظر و مرایا به این موضوع کمک می‌کند که هنرمند چگونه به یاری این دانش قادر است نسبت ابعاد اشیا و دوری و نزدیکی آنها از هم را برای تماشاگر تجسم کند. در این زمینه می‌توان نگارگری ایرانی را از موارد خاص نقاشی در دنیا محسوب کرد که در آن تقدم و تأخر مکانی فواصل به نمایش گذاشته می‌شود.

فضاهای بسته، باز و نیمه‌باز : برای فراگیری مفهوم فضا، هنر معماری بیش از هنرهای دیگر می‌تواند برای دانش‌آموز ملموس باشد. با قرار گرفتن داخل یک عمارت، فرد می‌تواند خود را محصور شده در فضا ببیند. در مرحله بعد می‌تواند فضاهایی را که از یک طرف محصور و از اطراف دیگر باز است، یعنی فضاهای نیمه‌باز را تجربه کند. فرد می‌تواند با خروج از عمارت و احساس عدم وجود حصار پیرامون خود، فضای آزاد را تجربه کند.

فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی : تمایز بین فضاها از نقطه نظر عمومی یا خصوصی بودن می‌تواند فرد را با نوع دیگری از دسته‌بندی فضا آشنا کند. تقسیم‌بندی‌های کارکرد محور می‌تواند زمینه را برای فرایند آموزش کاربردی و نگاه عملیات محور به یادگیری تقویت کند. آشنایی با انواع سه‌گانه فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی همچنین قادر است تا درک بهتری از شهرسازی و معماری اسلامی برای دانش‌آموز فراهم کند. برای این کار بهترین روش آن است که دانش‌آموزان در بیرون از فضای کلاس به شکل عینی این فضاهای سه‌گانه را تجربه کنند.

معماری اسلامی

در معماری اسلامی، مسجد به‌عنوان مهم‌ترین نماد معماری اسلامی قلمداد می‌شود. معماری مساجد از این امتیاز برخوردار است که عناصر معنوی و هنری با هم آمیخته می‌شوند و بنا را برای انسان بسیار دلپذیر می‌کند. به همین دلیل بنای مساجد، یکی از مهم‌ترین جذابیت‌های کشورهای اسلامی برای مردم سایر کشورهاست. جلوه‌های بسیاری از معماری و هنر اسلامی در مساجد دیده می‌شود، این معماری و هنر آمیخته با مهندسی، گچ‌بری، آجرکاری، موزاییک‌سازی، کاشی‌کاری، سفالگری، سنگ‌تراشی، مقرنس‌سازی، آینه‌کاری، کنده‌کاری، منبت‌کاری، خاتم‌کاری، نگارگری، خوشنویسی، و... است.



شکل ۱۵-۲- مسجد گوهرشاد در کنار بارگاه مقدس امام رضا (ع) در شهر مشهد

صدا

مفاهیم اولیه صوت^۱: موج عامل اصلی شنیده شدن صداست. صوت در خلأ منتشر نمی‌شود و برای انتشار خود نیاز به محیط مادی دارد. این فضای مادی می‌تواند گاز، مایع یا جامد باشند. زمانی که یک جسم مرتعش می‌شود، امواج صوتی آن به‌صورت هم‌زمان در تمامی جهات به حرکت درمی‌آیند. این موضوع باعث می‌شود ما بتوانیم صدای حاصل از یک ساز را در تمامی نقاط اطراف نوازنده بشنویم. انتشار صوت در محیط به‌صورت آنی نیست و منتشر شدن آن از یک نقطه به نقطه دیگر محیط به زمان نیاز دارد. اگر از

۱- کتاب اطلاعات عمومی موسیقی اثر دکتر محمدرضا آزاده‌فر منتشرشده توسط نشر نی، به‌منظور بر کردن خلأ عدم وجود آموزش عمومی موسیقی در ایران و بر اساس نیازهای عمومی دانش‌آموزان در همه جنبه‌های صداشناسی، تئوری موسیقی، سازشناسی و... طراحی و تألیف شده است. کتاب مذکور می‌تواند به‌عنوان منبعی کمک‌آموزشی در تمام موضوعات هنرهای آوایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

دور به ضربه‌ای که یک نفر با چکش روی آهن می‌زند، نگاه کنیم نخست نواختن ضربه را می‌بینیم و پس از مدتی صدای آن را می‌شنویم.

سرعت صوت رابطه مستقیم با دما و جنس محیط دارد. به این ترتیب که هرچه محیط سخت‌تر باشد، سرعت صوت بالاتر است. به این صورت که سرعت صوت در مایعات بیشتر از گازها و در جامدات بیشتر از مایعات است (به عنوان مثال اگر گوش خود را روی ریل راه آهن بگذارید، صدای نزدیک شدن قطار را زودتر از کسی می‌شنوید که صدای قطار توسط هوا به گوش او می‌رسد).

تشابهات و تفاوت‌های بیانی در هنرهای دیداری و شنیداری

از آنجا که قوه بینایی در همه انسان‌ها سهم بیشتری در ادراک محیط دارد، ما برای ادراک و تحلیل سایر پدیده‌ها نیز به صورت غیرمستقیم از قوه بینایی بهره می‌گیریم. به همین منظور برای ورود به تحلیل هنرهای صوتی و ایجاد یک پایگاه ذهنی اولیه برای دانش آموز می‌توان از طرح موضوع تشابهات ساختاری هنرهای دیداری و شنیداری در دو فرایند آفرینش و ادراک بهره جست.

(در قسمت کلیات صفحه ۱۶ از روش تدریس پیش سازمان دهنده مثالی در مورد ترکیب بندی آواها و شکل گیری صداها آورده شده است لطفاً مطالعه شود.)

بسط موضوع

عدم موجودیت جسمانی نورو صدا: یکی از نخستین ویژگی‌های حواس بینایی و شنوایی آن است که حواس تصویری مجازی از پدیده صوتی یا تصویری را ایجاد می‌کنند؛ برخلاف حس لامسه یا بویایی که مستقیماً با پدیده قابل ادراک تماس پیدا می‌کنند. به عنوان مثال جسمی که در طبیعت به رنگ قرمز دیده می‌شود از مجموعه نورهای تابیده شده به آن کلیه امواج را جذب می‌کند به جز نور با طول موج ۴۰۰ نانومتر را. بازتاب این موج از جسم به چشم بیننده این تصور را به وجود می‌آورد که شیء مذکور قرمز است. در فرایند شنیدن صدا نیز، ارتعاش جسم در حال لرزش مستقیماً توسط ارگان شنوایی لمس نمی‌شود. این ارتعاش منجر به ارتعاش ستون هوای مجاور جسم می‌شود و با انتقال انرژی حاصله توسط مولکول‌های هوا، پرده گوش به حرکت درمی‌آید و تصویری از شکل ارتعاش آن شیء را به وجود می‌آورد. تداوم ادراک تصاویر مجازی از پدیده‌های صوتی و تصویری در طول زندگی ماهیت مجازی بودن آنها را تا حد زیادی از میان برمی‌دارد و شخص احساسی از درک مستقیم اثر را خواهد داشت.

انتقال به حواس انسانی از طریق واسطه‌ها: از آنجا که رنگ و صوت به طور مستقیم با ارگان‌های حسی ارتباط ندارند، این ارتباط از طریق واسطه‌هایی برقرار می‌شود. این واسطه در زمینه بینایی بازتاب امواج الکترومغناطیسی است و در زمینه ارتعاشات صوتی، از طریق انتقال انرژی توسط جامدات، مایعات یا

گازهای واسطه قرار گرفته بین جسم در حال ارتعاش و پرده گوش شنونده انجام می‌گیرد.

محدودیت فیزیولوژیک انسان در ادراک: از میان بی‌شمار طیف‌های امواج الکترومغناطیسی، چشم انسان تنها قادر به درک یک طیف بسیار محدودی است که طول موج آنها در حفاصل ۴۰۰ تا ۷۰۰ نانومتر است. از بین بی‌نهایت امواج فیزیکی موجود در طبیعت گوش انسان صرفاً توانایی شنیدن محدوده بسیار باریکی در محدوده ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز را دارد. شرایط موجود، نوعی محدودیت ابزار ارائه را به هنرمند تحمیل می‌کند که این محدوده از آن جهت که بین هنرمند به‌عنوان مولد اثر و مخاطب به‌عنوان درک‌کننده آن مشترک است، زمینه را برای ایجاد یک ارتباط بویا و مؤثر فراهم می‌آورد. این ویژگی اولین عامل در ایجاد یکی از دو اصل طرح در اثر هنری به‌نام «بیوستگی» است.

دریافت هم‌زمان به‌وسیله عنصر حسی مضاعف (دو چشم، دو گوش): دریافت شاخصه مهم بُعد در عوامل شنیداری و دیداری مشترکاً از ویژگی فیزیولوژیکی تبعیت می‌کند که مبتنی بر مضاعف بودن ارگان‌های بینایی و شنوایی است. چشم‌های انسان در مقابل قرار می‌گیرد و قادر است به‌صورت افقی تا ۱۶۰ درجه را پوشش بینایی دهد. هرچشم از زاویه‌ای اندکی متفاوت از دیگری اشیا را می‌بیند و همین عامل سبب می‌شود تا ما بتوانیم اندازه و فاصله شیء تا چشمان را تخمین بزنیم؛ به عبارت ساده‌تر بتوانیم سه‌بعدی ببینیم.

ترکیب‌بندی آواها و شکل‌گیری اثر هنری: همان‌گونه که عناصر بصری در تابلوی مکان، شکل می‌گیرند، یک ترکیب صوتی از قرار گرفتن عناصر موسیقایی در تابلوی زمان تشکیل می‌شود. به‌طور کلی عنصر حسی بینایی به جهت اینکه در بستر زندگی فرد سهم بیشتری از دریافت‌ها را به عهده دارد، تا حد زیادی قوی‌تر از حس شنوایی است. به همین دلیل یکی از بهترین شیوه‌های آموزش ترکیب‌بندی صوتی در تابلوی زمان آن است که آن را با ترکیبات بصری در تابلوی مکان مقایسه کنیم.^۱

محمل اصلی موسیقی زمان است؛ حتی برای موسیقی نوشته‌شده با خط نُت. شاید اجرای ذهنی یک اثر موسیقی نوشته‌شده صرفاً برای آهنگساز یا رهبری توانا درک‌پذیر باشد؛ آن‌هم نه درک کامل. با وجود این، هیچ موسیقیدانی، درعین‌اینکه می‌تواند نت‌خوانی کند، ادعا نمی‌کند موسیقی در علامات مدون مستقلاً وجود دارد.

وحدت و تنوع: تناسب میان وحدت و تنوع عامل بنیادین در ساختمان آثار هنری موفق است. فلاسفه وحدت را رمز هستی می‌دانند و معتقدند که وحدت، محور هستی و انتظامی است که رمزی از قوانین کلی و لایتغیر دنیای برتر و سایه‌ای از حقایق آن در جهان خاکی است. در هنر ایران زمین وحدت زیربنای همه‌چیز

۱- به‌عنوان منبع کمکی در زمینه بررسی تطبیقی ساختار نقاشی ایرانی و موسیقی رجوع کنید به مقاله دکتر محمدرضا آزادفر منتشرشده

است، یعنی اینکه جهان از عامل واحدی پی‌ریزی شده است، مانند یک طناب یا یک خط که در سبزی بی‌کران پیوسته به خویشتن بازمی‌گردد و دور می‌شود (بورکھات، ۱۳۶۵، ۷۵). تسلسل اندیشه‌های موسیقایی برای شنونده نیازمند هم‌زمان «وحدت» و «تنوع» است.

افزون بر درس

مهم‌ترین عنصر وحدت‌بخش که تقسیم‌بندی دستگاه‌های موسیقی ایرانی نیز تحت تأثیر آن به وجود آمده، ارتباط مُدال مواد ملودیک گوشه‌هاست. این ارتباط از چگونگی کیفیت قرار گرفتن نُت‌های تشکیل‌دهنده هر مُد و نقشی که هریک در ساختن آن بازی می‌کنند حاصل می‌شود. از دیگر عناصر وحدت‌بخش می‌توان از انضباط در عبارت‌بندی و استمرار متر معین با ضرب‌ها الگوی ریتمیک مشخص نام برد.^۱

هنرهای صوتی با کلام

آواز بنیاد خود را بر حروف صدادار در مقابل حروف بی‌صدا استوار می‌سازد؛ به همان‌گونه که کلام در نزد ما فارسی زبان‌ها شکل می‌گیرد. موسیقی ایرانی پیوندی ناگسستنی با شعر فارسی دارد. شعر فارسی با بهره‌گیری از نغمه‌های دل‌نشین موسیقی ایرانی با تأثیری دوچندان به گوش خیل عظیم شنوندگان می‌رسد. در قاموس موسیقی‌دانان قدیم ایران اجرای آواز بر اجرای ساز تقدم دارد و در بسیاری موارد نغمه‌هایی که از ساز برمی‌آید، در خدمت خیال‌انگیزی افزون‌تر آواز بوده است.

در مسیر ترکیب موسیقی و شعر دو راه اساسی در پیش است؛ اول آنکه شعر مناسبی انتخاب شود و روی آن ملودی پردازش شود و دیگر اینکه ابتدا موسیقی ساخته شود و سپس شعری بر مبنای آن خلق شود. البته در تاریخ موسیقی ایران تصنیف‌سازانی نیز به چشم می‌خورند که مرحله آفرینش شعر و موسیقی را هم‌زمان انجام می‌داده‌اند که مهم‌ترین آنها علی‌اکبر شیدا و عارف قزوینی بوده‌اند. معمول‌ترین شیوه از بین انواع یادشده فوق‌شیوه اول یعنی انتخاب شعر مناسب و سپس ساخت ملودی بر روی آن است. بر این اساس برای مراعات تناسب سه‌گانه موسیقی، وزن شعر و محتوا می‌توان دو عامل تناسب موسیقایی وزن شعر و محتوا را در مرحله انتخاب شعر در نظر داشت تا پس از این مرحله مشکل کمتری در آفرینش ملودی مناسب بر روی آن و ایجاد محصول نهایی با کیفیت داشت.

۱- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به فصل پنجم کتاب ساختار ملودی در موسیقی ایرانی نوشته دکتر محمد آزاده فر، نشر مرکز

هنرهای صوتی بدون کلام

موسیقی بارزترین هنر انتزاعی است که قادر است بدون واسطهٔ صوتی که در طبیعت مابه‌ازای عینی داشته باشد، بر مخاطب خود تأثیر بگذارد. فارابی دربارهٔ پیدایش الحان عوامل متعددی را معرفی می‌کند که مهم‌ترین آنها فطرت شاعرانهٔ انسانی است که در نهاد آدمی از بدو خلقت وجود داشته است. او در بخش استعداد‌های صناعت موسیقی دو عنصر اصلی برای آفرینش موسیقی قائل است: «قوة ذوق و استعداد» و «قوة تعقل».

همان‌گونه که در ابتدای فصل اشاره شد، دو مؤلفهٔ اصلی در آفرینش موسیقی وجود دارد: صدا و زمان. توالی بی‌دری اصوات عاملی است که به‌وسیلهٔ آن ملودی ساخته می‌شود و جریان اصوات در بستر زمان ریتم را به وجود می‌آورد. علاوه بر ملودی و ریتم که دو عامل اصلی در شکل‌گیری موسیقی‌اند، عوامل دیگری نیز وجود دارند که در شکل‌گیری موسیقی مؤثرند؛ مهم‌ترین این عناصر هارمونی، سازآرایی و بافت است. دانش‌آموزان در سال‌های گذشته به‌صورت گذرا با برخی از این مفاهیم آشنا شدند. ضروری است که در این کتاب این آشنایی تعمیق بیابد.

ملودی

ملودی عبارت است از «از پی آمدن و انتظام اصوات موسیقایی در بستر زمان بر بنیان هنجارهای فرهنگی» (آزاده‌فر ۱۳۹۵ب). ملودی یکی از پدیده‌هایی است که در همهٔ اقوام و ملل عالم دیده‌شده و قدمت آن به دوران ماقبل تاریخ برمی‌گردد. از نظر ساختاری ملودی نیازمند یک ارتباط مطمئن و قابل ادراک بین عوامل صوتی است. این ارتباط سبب می‌شود تا پاره‌های صوتی که هر یک به‌خودی‌خود دارای معنایی نیستند، به یک کلیت واحد دارای معنا و یک ساختمان منسجم تبدیل شوند.

یکی از شیوه‌های تجسم حرکت ملودیک استفاده از خطوط گرافیکی است. ملودی می‌تواند حرکتی بالارونده، پایین‌رونده یا سینوسی داشته باشد. بر همین اساس می‌توان اشکال ملودی را با خطوط گرافیکی نمایش داد. به‌عنوان نمونه می‌توان حرکت ملودیک سرود ملی ایران را که بر اساس شعر سرزد از افق مهر خاوران ... اجرا می‌شود به شکل زیر نمایش داد.^۱

۱- برای مطالعهٔ تخصصی در زمینهٔ ملودی رجوع کنید به کتاب آفرینش ملودی در آهنگسازی نوشتهٔ دکتر محمدرضا آزاده‌فر، نشر مرکز.



شکل ۱۶-۲- نمای گرافیکی حرکت ملودی سرود ملی ایران در قسمت «سرزد از افق مهر خاوران، فروغ دیده حق باوران».

ریتم

سازمان‌دهی مواد موسیقایی به شکل کشش‌های کوتاه و بلند در تابلوی زمان را به‌گونه‌ای که برای شنونده قابل‌ادراک باشد، «ریتم» گویند. ریتم در موسیقی معمولاً بر اساس روندی از تضادها حاصل می‌شود. این تضادها می‌توانند کوتاهی و بلندی، تاریکی و روشنایی، زیری و بمی، شدت و ضعف، و دیگر شیوه‌های ایجاد تضاد باشند. تناوب این تضادها به شکل منظم ایجاد گونه‌ای پالس در ذهن شنونده می‌کند که به آن «متر» گویند. برای آموزش ریتم می‌توان از دانسته‌های دانش‌آموزان در زمینه فواصل کوتاه و بلند افاعیل شعری بهره جست. به‌عنوان نمونه الگوی «مَفْعُولُ فاعِلَاتُنْ» را که به‌صورت «تن تن تن تن تن» اجرا می‌شود، می‌توان با بهره‌گیری از نُت‌های موسیقی یا هر نشانه دیگری که کشش‌های کوتاه و بلند را نمایش دهد، ترسیم و اجرا کرد. برای نمایش نمونه فوق اگر هر کشش بلند را با یک نُت سیاه (■) و هر کشش کوتاه را با یک نُت چنگ (♪) نمایش دهیم، الگویی به‌صورت زیر خواهیم داشت (از چپ به راست بخوانید) :



شکل ۱۷-۲

در بخش ریتم کتاب اطلاعات عمومی موسیقی، جدولی ارائه شده است که در آن تفاوت‌های متر و ریتم به تفصیل توضیح داده شده است. در اینجا ضمن مرور برخی از این تفاوت‌ها و تشابه‌ها سعی می‌کنیم تا به وسیله آن برخی سؤالات احتمالی را که ممکن است برای دانش‌آموز بروز کند، یادآور شویم.

جدول ۵-۲- تفاوت‌های ریتم و متر (آزاده‌فر ۱۳۹۴)

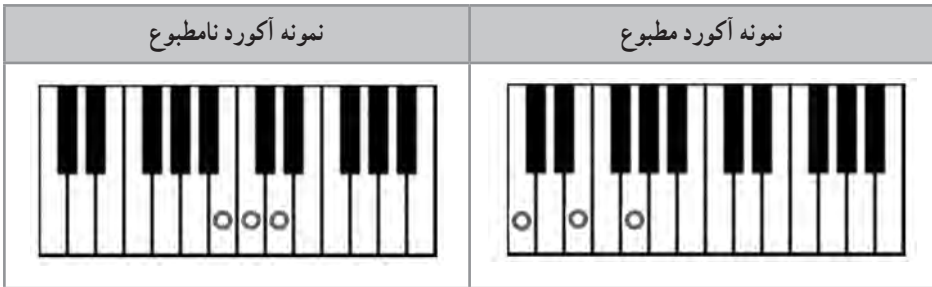
ریتم	متر
مجموعه‌ای از کشش‌های متفاوت که گروه‌های ریتمیک را شکل می‌دهند.	مجموعه‌ای از اتفاقات صوتی یا نقطه‌های زمانی که میزان‌بندی را در موسیقی شکل می‌دهند.
ریتم به «چی»های موسیقی اشاره می‌کند که محتوای کوتاهی و بلندی‌های کشش را در یک گروه ریتمیک تعیین می‌کند.	متر به «کی»های موسیقی اشاره می‌کند که در آن نقطه‌های زمانی، شنونده احساس برجستگی می‌کند.
ریتم معمولاً نامنظم است.	متر معمولاً منظم است.
تأکیدات ریتمیک بر اساس ساختار بیرونی مواد موسیقایی به دست می‌آید.	تأکیدات متریک بر اساس مشارکت فعال شنونده در درک پالس‌های ریتمیک حاصل می‌شود.
تأکیدات ریتمیک در هر نقطه‌ای می‌توانند شکل بگیرند.	تأکیدات متریک معمولاً اولین اتفاق در هر میزان است.
گروه‌های ریتمیک پیوسته‌اند. نمی‌توان در خلال اجرای یک گروه ریتمیک گسست ایجاد کرد.	گروه‌های متریک پیوسته‌اند. نمی‌توان در خلال اجرای یک گروه متریک گسست ایجاد کرد.
در اجرای متوالی گروه‌های ریتمیک می‌توان توقف‌های کوتاه به وسیله سکوت یا پاساژهای موسیقایی ایجاد کرد.	اجرای متوالی گروه‌های متریک باید بدون وقفه باشند. در غیر این صورت تناوب متریک در ذهن شنونده از بین می‌رود.
تأکیدات ریتمیک به شدت غیرقابل پیش‌بینی هستند (شما نمی‌دانید در ادامه چه تناسبی از کشش‌های کوتاه و بلند را آهنگساز برای شنیدن طراحی کرده است).	تأکیدات متریک به شدت قابل پیش‌بینی‌اند (شما می‌توانید پیش‌بینی کنید در ادامه چگونه با یک قطعه دست بزنید).

هارمونی

هارمونی از موضوعات نسبتاً پیچیده‌تر در بین عناصر تشکیل‌دهنده موسیقی است؛ لذا، امکان بررسی عمیق‌تر آن در کتاب هنر دهم که رویکردی عام نسبت به مقوله هنر دارد، نامیسر است و انتظار نمی‌رود که دبیران محترم موضوع آن را بیش از آن اندازه که در کتاب درس دانش‌آموز آمده است، بازکنند. هارمونی که در زبان فارسی از آن به «هماهنگی» یاد می‌شود، به بررسی و تنظیم اصواتی که به صورت

هم‌زمان اجرا و ادامه پیدا می‌کند، می‌پردازد. آکوردشناسی علمی مقدم بر هارمونی است. آکوردشناسی علم شناخت تأثیر اجرای هم‌زمان دو یا چند نُت است. به‌وسیلهٔ این علم آهنگساز می‌تواند تعیین کند که اجرای هم‌زمان چه نُت‌هایی باهم باعث ترکیبی مطبوع یا نامطبوع می‌شود. البته این بدان معنا نیست که در آهنگسازی صرفاً از ترکیب اصوات مطبوع استفاده می‌شود، در موارد زیادی ممکن است آهنگساز برای نمایش عدم پایداری یا بی‌ثباتی از آکوردهای نامطبوع بهره‌گیری کند. علم هارمونی در معنای دقیق‌تر به بررسی تأثیر توالی آکوردها بر روی شنونده می‌پردازد.

بهترین شیوهٔ تدریس آکوردها در مبحث هارمونی، اجرای آنها بر روی پیانو یا ارگ است. به‌عنوان مثال اجرای هم‌زمان سه نُت «دو»، «می» و «سُل» ترکیبی مطبوع و اجرای هم‌زمان سه نُت «سی»، «دو» و «ر» ترکیبی نامطبوع به دست می‌دهند. موسیقی‌های دوره‌های باروک، کلاسیک و رمانتیک در مجموع بیشتر از موسیقی‌های دورهٔ مدرن از فواصل مطبوع بهره‌برداری می‌کنند.



ساز آرای

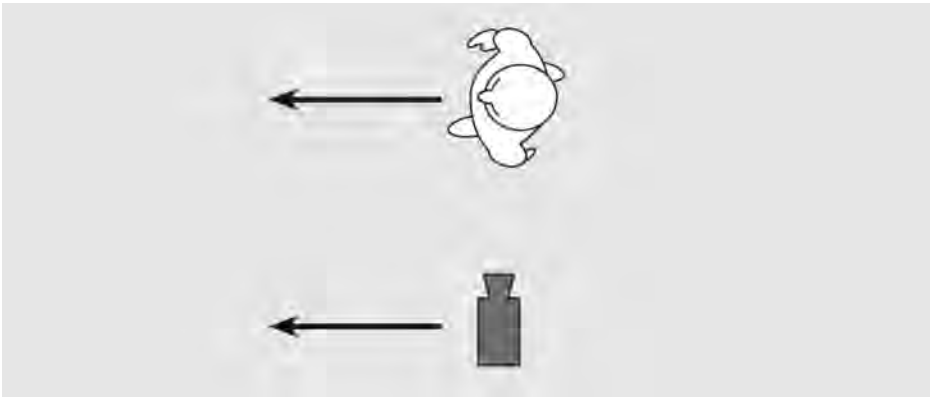
ترکیب سازها تأثیر زیادی در انتقال احساس به شنوندهٔ یک اثر موسیقی دارد. مقدمهٔ داشتن یک ترکیب خوب در این زمینه، سازشناسی است و در مرحلهٔ بعد سازآرای و رنگ‌آمیزی است که اصطلاحاً به آن «ارکستراسیون» گفته می‌شود. بهترین شیوهٔ تدریس این موضوع آن است که برای دانش‌آموز یک قطعهٔ موسیقی انتخاب شود و با ترکیب سازهای مختلف اجرا شود. در این حالت دانش‌آموز قادر خواهد بود تفاوت‌هایی را که رنگ‌های متفاوت صوتی سازهای مختلف به یک اثر موسیقایی می‌دهد، به خوبی ادراک کند. برای این کار دانش‌آموزان می‌توانند آثاری را که هم به‌صورت ارکستری نواخته شده و هم با یک ساز مانند پیانو اجرا شده است، بشنوند و باهم مقایسه کنند (به‌عنوان مثال سمفونی پنجم بتهوون را که هم به‌صورت ارکستری اجرا شده و هم توسط نوازندگان متعددی برای پیانو تنظیم و اجرا شده است، از شبکهٔ وب دانلود و باهم مقایسه کنند).

حرکت

ما عادت داریم حرکت را زمانی ادراک کنیم که چیزی موقعیت مکانی خود را نسبت به پس‌زمینه‌ای ایستا عوض کند. به‌عنوان مثال من از یک سمت کلاس به سمت دیگر می‌روم و موقعیت مکانی من عوض می‌شود. اگر یک دوربین فیلم‌برداری حرکت من از یک طرف کلاس به طرف دیگر را ثبت کند و ما آن را تماشا کنیم، اگرچه هیچ شیء واقعی‌ای روی پرده نمایش حرکت نمی‌کند، اما تغییر رنگ و نوری که روی پرده نمایش دیده می‌شود، توهمی از حرکت را به تماشاگر انتقال می‌دهد. هرچند که چنین حرکتی مجازی و تخیلی است. در هر دو شکل حقیقی و مجازی، حرکت مستلزم حضور هم‌زمان دو مؤلفه «زمان» و «مکان» است. مکان برای اینکه عامل متحرک در آن مسافتی را طی کند و زمان برای اینکه طی مسافت مستلزم زمان است. از همین روست که این دسته هنرها را اصطلاحاً «هنرهای زمان‌مند - مکان‌مند» نام‌گذاری می‌کنیم. سینما، نمایش و حرکات موزون که بر اساس حرکت شخصیت‌ها بر روی صحنه آفریده می‌شوند، در این گروه قرار می‌گیرند. استفاده هم‌زمان از امکانات بالقوه هنرهای تجسمی و صوتی و افزوده شدن عنصر حرکت، باعث جذابیت بسیار زیاد هنرهای این گروه شده است؛ به‌گونه‌ای که سینما و هنرهای وابسته به آن امروزه بالاترین حجم مصرف روزانه را بین کلیه اقشار جامعه دارد.

دو دیدگاه بنیادی در زمینه حرکت وجود دارد. دیدگاه اول اعتقاد به این دارد که اساساً حرکت نمی‌تواند وجود داشته باشد و یک شیء که به نظر ما در حال حرکت از یک نقطه به نقطه دیگر است، در واقع فاصله بین دو نقطه را با بی‌نهایت توقف طی می‌کند. بر اساس این دیدگاه هر شیء همواره در یک موقعیت مکانی است که می‌توان مختصات آن موقعیت را بر روی محور X, Y, Z نمایش داد. پیروان این دیدگاه تصاویر یک فیلم بر روی نوار شفاف فیلم را مثال می‌زنند که هرکدام در واقع یک تصویر ثابت‌اند، اما وقتی یکی پس از دیگری بر روی پرده سینما نمایش داده می‌شوند، ما تصور می‌کنیم شخصیت‌ها بر روی پرده در حال حرکت‌اند.

عامل مرجع در حرکت: برای ادراک حرکت، ما نیازمند مرجعی هستیم که حرکت یک شیء را نسبت به آن بسنجیم. به‌عنوان مثال زمانی که ما نظاره‌گر حرکت یک عابر در پیاده‌رو هستیم، عامل مرجع ساختمان‌های پس‌زمینه‌ای او هستند. برای درک بهتر این موضوع می‌توانیم آزمایشی انجام دهیم. اگر یک عابر در پس‌زمینه‌ای از یک دیوار یکنواخت حرکت کند و هم‌زمان دوربین نیز هم‌جهت و با سرعت برابر با او حرکت کند، تماشاگر احساس خواهد کرد که سرعت حرکت عابر صفر است. شکل زیر را برای بهتر درک شدن این آزمایش می‌توان بر روی تابلو ترسیم کرد.



شکل ۱۸-۲- توهم حرکت درجا با سرعت صفر در زمان حرکت سوژه جلوی دوربین متحرک با سرعت برابر در مقابل پس‌زمینه یکنواخت

ادراک مقوله حرکت و انواع آن بیشتر به وسیله تمرین‌های عملی میسر می‌شود. در مثال بالا اگر واقعاً عابر حرکتی درجا داشته باشد و دوربین هم ثابت باشد، اما پس‌زمینه آن به تدریج به عقب حرکت کند، برای تماشاگر توهمی از حرکت روبه‌جلوی شخصیت ایجاد خواهد شد.

احساس سرعت حرکت : همان‌گونه که در بالا هم اشاره شد، مهم‌ترین شیوه ادراک ویژگی‌های انواع حرکات بر روی صحنه تمرین‌های عملی است. دانش‌آموزان می‌توانند انواع حرکاتی را که شخصیت‌های مختلف می‌توانند بر روی صحنه داشته باشند، تمرین کنند. این شخصیت‌ها می‌توانند دارای خصوصیات باشند که ابتدا بین معلم و دانش‌آموزان قرارداد می‌شود. در زیر برخی نمونه شخصیت‌هایی که دانش‌آموزان می‌توانند حرکات آنان را نمایش دهند، آمده است. شما می‌توانید این فهرست را با خلاقیت خود و مشارکت دانش‌آموزان افزایش دهید :

■ سالمندی که سعی می‌کند در یک پارک ورزش کند؛

■ کودکی که بدون بزرگ‌تر در خانه مانده است؛

■ ورزشکاری که خود را برای مسابقات قهرمانی آماده می‌کند؛

■ شخصی که در حال حرکت به دنبال نشانی‌ای است و به پیرامون خود نگاه می‌کند.

در هنرهای نمایشی که با حرکت سروکار دارند، باید احساس سرعت شخصیت‌ها و دیگر عوامل متحرک در صحنه تحت مهار دقیق کارگردان باشد. در غیر این صورت ممکن است احساسی که به تماشاگر دست می‌دهد، مغایر با هدفی باشد که اثر هنری آن را دنبال می‌کند. به‌عنوان مثال اگر ورزشکاری که خود را برای مسابقات قهرمانی آماده می‌کند، با حرکات رخوت‌آلود حرکت کند، تماشاگر متوجه امری غیر معمول می‌شود.

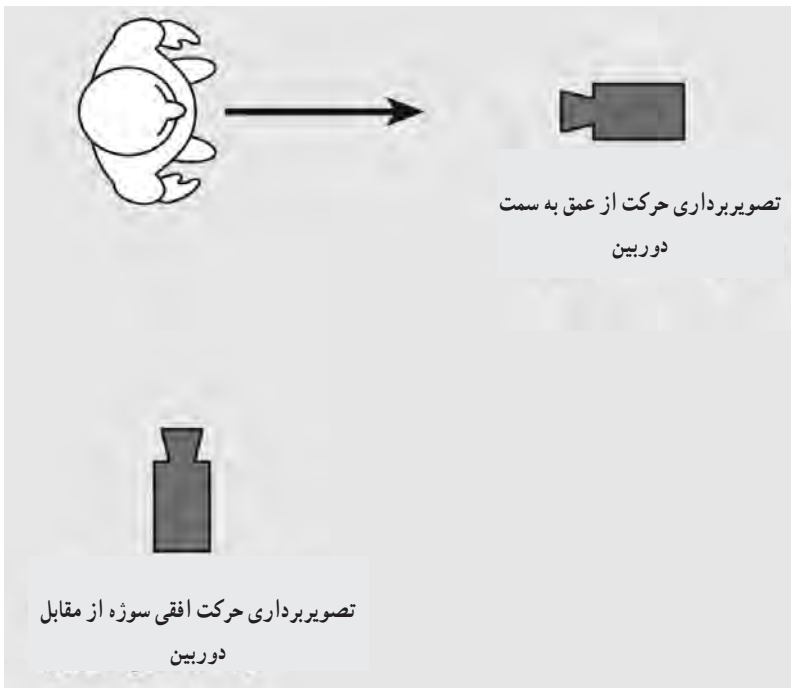
در زمینه تأثیر ابزار صحنه بر سرعت ضروری است که تمرین‌ها به صورت عملی انجام شود. ابزار اولیه برای این کار یک دوربین دارای لنز باز (واید انگل) و بسته (تله فتو) است. باید توجه داشت که دوربین‌هایی که صرفاً دارای زوم دیجیتال اند (مثل دوربین‌های گوشی‌های همراه) برای این کار نامناسب‌اند. چهار تمرین اصلی برای این منظور به شرح زیر قابل انجام است:

■ **تمرین ۱:** حرکت افقی سوژه در مقابل دوربین با زاویه لنز باز (در این حالت سرعت حرکت سوژه کُندتر از وضعیت طبیعی به نظر می‌رسد).

■ **تمرین ۲:** حرکت افقی سوژه در مقابل دوربین با زاویه لنز بسته (در این حالت سرعت حرکت سوژه تندتر از وضعیت طبیعی به نظر می‌رسد).

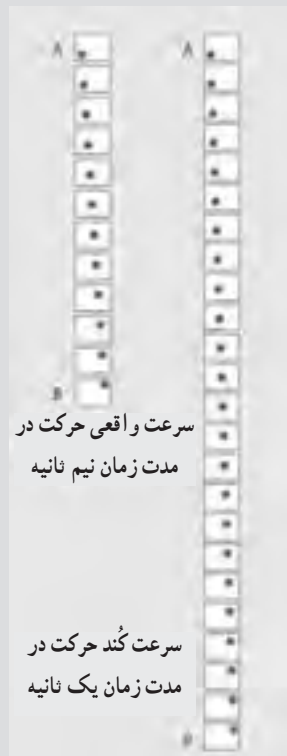
■ **تمرین ۳:** حرکت سوژه از عمق به سمت دوربین با زاویه لنز باز (در این حالت سرعت حرکت سوژه تندتر از وضعیت طبیعی به نظر می‌رسد).

■ **تمرین ۴:** حرکت سوژه از عمق به سمت دوربین با زاویه لنز بسته (در این حالت سرعت حرکت سوژه کُندتر از وضعیت طبیعی به نظر می‌رسد).



افزون بر درس

مهم‌ترین فنّ ایجاد توهم، حرکت آهسته یا تند در سینما به وسیلهٔ تغییر سرعت تعداد قاب در ثانیه حاصل خواهد شد. به‌طور معمول در سینما سرعت عکس‌برداری دوربین فیلم‌برداری ۲۴ قاب در ثانیه است. اگر در زمان نمایش تصاویر با همان سرعت یعنی ۲۴ قاب در ثانیه نمایش داده شود، سرعت پدیده‌های در حال حرکت با سرعت طبیعی نمایش داده خواهد شد. اگر در زمان فیلم‌برداری تعداد قاب‌های بیشتری در ثانیه فیلم‌برداری شود (مثلاً ۴۸ قاب در ثانیه) و در زمان نمایش با سرعت استاندارد (۲۴ قاب در ثانیه) نمایش داده شود، تماشاگر توهم حرکت کُندتری را می‌کند. عکس این حالت هم صادق است؛ یعنی اگر در زمان فیلم‌برداری با سرعتی معادل ۱۸ قاب در ثانیه فیلم‌برداری شود و در زمان نمایش با سرعت معمول یعنی ۲۴ قاب در ثانیه نمایش داده شود، توهم حرکت سریع متحرک‌های درون قاب ایجاد می‌شود. شکل زیر بالابردن سرعت دوربین فیلم‌برداری در زمان تصویربرداری و نمایش محصول آن با سرعت معمول، باعث توهم حرکت کُندتر متحرک از نقطهٔ A به B می‌شود.



انواع حرکت

حرکات را می‌توان به شیوه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. در آغاز این بحث، بهتر است از دانش‌آموزان خواسته شود تا به شیوه‌های مختلف انواع حرکات‌ها را دسته‌بندی کنند. می‌توان از مبحث حرکت اجرام آسمانی شروع کرد؛ به دلیل آنکه یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تقسیم‌بندی حرکات دسته‌بندی آنها به صورت حرکات وضعی و انتقالی است. حرکات فیزیکی و مجازی نیز می‌توانند در دادن پیش‌زمینه ذهنی به دانش‌آموز کمک کنند. مهم‌ترین مثال روشن حرکات فیزیکی و مجازی مقایسه‌ی صحنه‌ی نمایش و پرده‌ی سینماست. مه در اولی جابه‌جایی حقیقی بازیگران سازنده‌ی حرکت است و در دومی تغییر رنگ نقطه‌های صفحه‌ی توهم حرکت را حاصل می‌کند. از انواع حرکتی که در کتاب دانش‌آموز به آنها اشاره شده، برخی حقیقی و شماری نیز مجازی‌اند که در جدول زیر دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۶-۲- انواع حرکت

حرکات مجازی	حرکات حقیقی
حرکت حاصل از تغییر زاویه‌ی لنز (زوم)	انواع حرکت فیزیکی شخصیت روی صحنه
حرکت حاصل از انتقال نماها (بُرش نماها)	انواع حرکت فیزیکی دوربین

هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی

پودمان
چهارم

هدف کلی پودمان : ارج نهادن به میراث فرهنگی و هنری و بی بردن به نقش آن در هویت ملی و تلاش در نگهداری و حفظ آن

روش‌های تدریس پیشنهادی

برای این قسمت می توان از روش تدریس پیش سازمان دهنده، دریافت مفهوم، بارش فکری و تفکر استقرایی استفاده کرد.

وسایل کمک آموزشی جهت تدریس این مبحث

تخته، مازیک، گچ، پخش کننده فیلم و صوت، بازدید از موزه‌ها یا کارگاه‌های تولید صنایع دستی.

پیامدهای تدریس

هنر، میراث فرهنگی و سبک زندگی

- ۱ آشنایی با فرهنگ و عوامل سازنده آن
- ۲ آشنایی با فرهنگ ایرانی - اسلامی و بی بردن به ویژگی‌های معنوی آن
- ۳ تقویت ریشه‌های فرهنگی و اصالت مخاطبان
- ۴ تقویت حس سربلندی نسبت به داشتن فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی
- ۵ پرورش حس ارزش‌گذاری نسبت به میراث فرهنگی
- ۶ پرورش داوطلبانی به عنوان میراث یار
- ۷ تقویت حس بهسازی محیط خویش

شناخت‌های مطلوب در این واحد درسی

۱ شناخت فرهنگ و عوامل تشکیل دهنده آن به فرد کمک می‌کند تا به حفظ هویت خویش کمک نماید و احساس رضایت نسبت به داشتن فرهنگ، او را فردی مسئول و متعهد نسبت به حفظ آنچه به او رسیده نماید.

۲ عوامل آسیب‌زا و شخصیت‌های مخرب نسبت به میراث فرهنگی را شناسایی کند و برای سازندگی و حفظ آنها تلاش نماید.

۳ هنر به صورت مستقیم در بهبود زندگی تأثیر می‌گذارد و بهره‌گیری از آن باعث ارتقای توانایی و قدرت خلاقیت و سلامتی و نشاط افراد جامعه خواهد شد. آگاهی نسبت به این مسئله به دانش آموز کمک می‌کند تا با حفظ میراث فرهنگی و استفاده از هنرهای بومی خویش نسبت به زیباسازی محیط و جامعه اقدام نماید.

پرسش‌های ضروری

- ۱ عوامل سازنده فرهنگ چیست؟
- ۲ هویت چیست و عوامل سازنده آن کدام است؟
- ۳ میراث فرهنگی چیست؟
- ۴ چگونه از میراث فرهنگی محافظت کنیم؟
- ۵ عوامل مخرب میراث فرهنگی را نام ببرید.
- ۶ هنر تجریدی چیست؟
- ۷ جایگاه نور در هنر اسلامی چگونه است؟
- ۸ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس را نام ببرید.

مهارت‌هایی که دانش آموز در پایان این واحد درسی

باید به دست بیاورد.

- دانش آموزان درباره مطالب زیر خواهند دانست:
- ۱ ارزش‌گذاری نسبت به میراث فرهنگی
 - ۲ شناخت میراث فرهنگی بومی و محلی
 - ۳ نگهداری از میراث فرهنگی به عنوان میراث یار

واژگان کلیدی

هویت، فرهنگ، میراث فرهنگی، هنر تجریدی، موزه

هدف فعالیت‌های عملکردی

در فعالیت‌های این بخش به نکات زیر دقت کنید :

فعالیت ۱

۱ تفکر و آشنایی با عوامل سازنده فرهنگ

۲ توجه به فرهنگ به‌عنوان یک پدیده پویا

فعالیت ۲

۱ شناخت طبیعت به‌عنوان منبع الهام در هنرهای ایرانی - اسلامی

فعالیت ۳

۱ تفکر در معماری اسلامی

۲ آشنایی با برخی ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی

فعالیت ۴

۱ توجه به کارکرد نور در معماری ایرانی - اسلامی

۲ توجه به استفاده بهینه از نور در معماری ایرانی

۳ توجه به نوع نورپردازی در معماری ایرانی - اسلامی

فعالیت ۵

۱ تفکر و ایجاد چالش درباره شخصیت و خود

۲ تقویت توجه به خویش

۳ شناخت عوامل سازنده شخصیت و شناسایی آنها

فعالیت ۶

۱ آشنایی با فرهنگ به‌عنوان یک هویت و ریشه

۲ آشنایی با میراث فرهنگی به‌عنوان یک اصالت و هویت

فعالیت انتخابی

۱ شناخت نمادهای بومی

۲ تحلیل نمادهای بومی و محلی

۳ تقویت حس حفظ و نگهداری از نمادهای بومی

فعالیت ۷

- ۱ بازدید علمی
- ۲ تقویت نگاه کردن و دقت
- ۳ تقویت فن گزارش نویسی
- ۴ تقویت حواس از طریق دیدن، به یاد آوردن و نوشتن
- ۵ ثبت و نگهداری بهتر در ذهن

فعالیت ۸

- ۱ شناخت آثار فرهنگی ملموس و غیر ملموس
- ۲ شناسایی این آثار در زادگاه خویش
- ۳ تفکر در مورد نقش آنها در هویت

فعالیت ۹

- ۱ تفکر دربارهٔ بهسازی محیط
- ۲ تقویت توجه و اندیشه دربارهٔ مهارت های هنری

فعالیت ۱۰

- ۱ احساس خطر نسبت به از بین رفتن میراث فرهنگی
- ۲ پرورش تلاش برای حفظ میراث فرهنگی

فعالیت ۱۱

- ۱ فرصتی برای تفکر و دقت
- ۲ توجه به معضل مهم تخریب آثار فرهنگی
- ۳ تقویت حس خطر نسبت به از بین رفتن میراث فرهنگی
- ۴ پرورش تلاش برای حفظ میراث فرهنگی
- ۵ تلاش برای یافتن راهکار

فعالیت ۱۲

- ۱ تحقیق و پژوهش دربارهٔ میراث فرهنگی غیر ملموس زادگاه خود
- ۲ حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی غیر ملموس جهت حفظ اصالت آن
- ۳ پرورش راهکار حل مسئله در دانش آموز
- ۴ پرورش حس مسئولیت و تعهد در دانش آموز

فعالیت‌های انتخابی پایان پودمان

دانش‌آموزان از بین چند فعالیت داده شده می‌توانند یک فعالیت را جهت پروژه پایان پودمان خود انتخاب کنند و به انجام آن بپردازند. اهداف دنبال شده در این فعالیت‌ها مجموعه‌ای از اهداف فعالیت‌ها در تمرینات این پودمان است. این فعالیت به همراه فعالیت‌های کلاسی نمره این پودمان را تشکیل می‌دهد.

مقدمه

در این پودمان بار دیگر از دانش‌آموز خواسته خواهد شد نمود زیبایی آثار هنری را در منطقه خود مطالعه کند و نقش آنها را در زندگی روزمره مردم ارزیابی کند. در این بررسی نقشی که حیات هنری و میراث فرهنگی در بویایی جامعه مانند اصالت، هویت، خودباوری، و توسعه دارد بیش از سایر موضوعات مدنظر خواهد بود. در این زمینه نمونه‌های متنوعی در کتاب ارائه خواهد شد.

جدول ۷-۲- اهداف و مهارت‌ها

مهارت	هدف	
	زیبایی در انتخاب‌های معمولی افراد تجربه می‌شود. در بخش‌های گذشته درباره مفهوم زیبایی به صورت نظری بحث شده است اما در این بخش با اشاره به ارزش‌های زیبایی‌شناختی از آنچه انتخاب، خریده و مصرف می‌شود، به مفهوم سلیقه پرداخته می‌شود.	سلیقه و انتخاب
دانش‌آموزان با هنرهای ملی و هنرهای هویت‌بخش آشنا می‌شوند.	هنر هویت بخش است. در این بخش به ویژگی‌های متمایزکننده هنر ایران از نظر فرهنگی پرداخته می‌شود و درباره اصالت هنرها در مرزهای قومی و ملی بحث می‌شود. اشاره به هنرهای ملی دیگر کشورها می‌تواند مرزهای هویت بخشی هنر را برای دانش‌آموزان روشن‌تر کند.	هنر ایرانی و هویت ایرانی
بالا رفتن حساسیت دانش‌آموزان در ارزیابی هنری از محیط پیرامون و به کارگیری آثار هنری در محیط شهر و خانه.	بالا بردن سطح بهره‌گیری از هنر در زندگی روزمره مهم‌ترین هدف این پودمان است. برانگیختن حساسیت دانش‌آموزان در ارزیابی هنر در زندگی روزمره و محیط پیرامون خود می‌تواند زمینه‌های ایجاد این توانایی را فراهم کند.	هنر و زندگی روزمره

هنر و زندگی روزمره

استفاده انسان از هنر در محیط زندگی خود قدمتی چند میلیون ساله دارد. با وجود این در سال‌های اخیر پرداختن به هنر در زندگی روزمره به‌عنوان یک ضرورت توسط متخصصین توصیه شده است. این امر باعث شده است که در برخی کشورها توجه مردم نسبت به ضرورت پرداختن به هنر در حال افزایش باشد. به‌عنوان مثال، براساس سرشماری که در کشور استرالیا صورت گرفت، در سال ۱۹۹۹ حدود ۸۵ درصد از افراد معتقد به ضرورت هنر در زندگی روزمره بودند که این رقم طی ده سال یعنی تا سال ۲۰۰۹ به ۹۵ درصد ارتقا یافت. براین مبنا در حال حاضر از هر سه نفر استرالیایی یک نفر به هنرهای تجسمی یا کاربردی و از هر هفت نفر یک نفر به هنرهای صوتی و آوایی می‌پردازد. در کشور ما که مهد هنر در آسیای غربی محسوب می‌شود، هنر در خانواده‌ها از دیرباز رواج داشته است و اهمیت این هنر در سال‌های اخیر بیشتر شده است. توجه به هنر به‌ویژه در زمینه هنرهای اصیل ایرانی بیشتر دیده می‌شود.

خصایص فرهنگ ایرانی - اسلامی

یکی از مشکل‌ترین امور یافتن آگاهی به خویشتن است. تمامی خصایل فردی و اجتماعی ما آن قدر به ما نزدیک است که به راحتی قادر به دیدن آنها نیستیم. ما به راحتی می‌توانیم با چشم‌های خود دیگران را ببینیم، ولی برای دیدن خود احتیاج به ابزاری به نام آینه داریم. در اغلب اوقات تصویری که ما از خود داریم، بسیار متفاوت از تلقی دیگران نسبت به ماست. در ابتدای این بحث می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید تصور خود از خصوصیات فردیشان را روی یک برگ کاغذ به صورت محرمانه بنویسند. سپس دیگر دانش‌آموزان تلقی خود از دیگران را بازگو کنند. در این فعالیت دانش‌آموزان به تفاوت دیدگاه دیگران نسبت به خود پی خواهند برد. به همین صورت در نگاه بیرونی ایرانیان مردمانی متفاوت از آنچه خود تصور می‌کنند، قلمداد می‌شوند. در بررسی خصائل ملت‌ها از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: قومیت‌های ساکن در سرزمین و پراکندگی آنها، زبان، دین، مذهب و باورهای اعتقادی، شیوه زندگی مردم از نظرگاه شهرنشینی، روستانشینی و کوچ‌رو، نقش اجتماعی زنان، مردان، کودکان و سالمندان، نظام قضایی، اقتصاد، هنر و مظاهر فرهنگی. براین اساس مهم‌ترین خصائل ایرانیان در کتاب دانش‌آموز دسته‌بندی شده است و بنا به قوه ادراک آنان معلم قادر است سایر جنبه‌های برجسته از خصائل ایرانیان را در ابتدای این پودمان توصیف کند. (در صفحه ۱۳ کتاب این قسمت با روش دریافت مفهوم آورده شده است لطفاً مطالعه شود.)

اصالت و هویت

برای آموزش مفهوم «اصالت» ابتدا نیاز به آشنایی با مفهوم «هویت» است. هویت در دو آیینۀ خود و دیگری قابل تعریف است؛ بدین معنا که تلقی‌ای که هریک از ما از «خود» داریم، چیست، و دریافتی که دیگران از «من» دارند، چگونه است. در این زمینه فعالیت‌ها و مثال‌هایی در ابتدای درس آمده است. از آنجاکه این درک موضوع هویت به‌ظاهر ساده، اما به‌واقع بسیار پیچیده است، ضرورت دارد برای دانش‌آموزانی که موضوع را به‌راحتی درک نمی‌کنند، مثال‌ها و فعالیت‌های بیشتری با کمک معلم کلاس طراحی و ارائه شود.

بسط موضوع

برخی سؤال‌هایی که پاسخ به آنها زمینه را برای درک موضوع هویت آماده می‌کند، در زیر آمده است. این سؤالات در زمینۀ هنر است، اما می‌تواند در هریک از سایر مظاهر فرهنگ مانند پوشاک، خوراک، اعتقادات و غیره نیز از آنها استفاده شود.

- ۱ در هنر شما چه چیزهایی بیانگر ویژگی خاص فرهنگ قوم یا ملت شما است؟
- ۲ هنر شما با عوامل دیگر زندگی‌تان مثل: زبان، لباس، آداب و غیره همسان است؟ چه ارتباطی بین عناصر زندگی و محیط و فرهنگ در هنر شما یافت می‌شود؟
- ۳ چه عواملی باعث شده که با شنیدن موسیقی محلی و یا دیده شدن آثار هنری بومی شما، نام قومتان در ذهن جاری شود؟
- ۴ آیا هنر قوم شما به فرد غیر از قومتان قابل آموزش است؟ آیا فقط با تولید آثار هنری مشابه با آثار هنری قوم شما می‌شود همهٔ منویات^۱ درونی هنر شما را آموخت؟
- ۵ چه عواملی باعث هویت بخشی و ریشه‌دار بودن هنر شما شده است؟
- ۶ اگر فردی غیر از مردم این منطقه سال‌ها در این منطقه زندگی کند و زبان و فرهنگ شما را بیاموزد و تمام آداب و سنن شما را به‌جا بیاورد، می‌تواند بگوید از قوم شماست؟ یا این ویژگی‌ها از نظر شما خونی هستند؟
- ۷ ویژگی قوم شما در کدام آثار هنری بیشتر جلوه‌گر است؟
- ۸ هنر شما چه تأثیری از عوامل زندگی مثل: نوع معیشت، مذهب، کشاورزی، اقلیم، خاک، آب، ابزار و غیره گرفته و چه تأثیری بر جنبه‌های مختلف زندگی شما گذاشته است؟
- ۹ اگر نوع هنر شما را عوض کنند، آیا هویت و ریشه هنری شما به‌تبع آن عوض می‌شود؟
- ۱۰ هویت هنری قوم شما از چه عناصری ساخته و پرداخته شده است؟
- ۱۱ آیا مردم این منطقه به هویت هنری و فرهنگ خود پایبندند؟
- ۱۲ آیا مردم این منطقه با تغییرات کنار می‌آیند یا در مقابل تغییرات و تحولات فرهنگی و هنر متعصب هستند؟

- ۱۲ دوری و یا نزدیکی شما به مرکز (پایتخت یا شهر) چه تأثیری در ماهیت و هویت هنری شما داشته است؟
- ۱۳ رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، موبایل و غیره) چه تأثیری در هنر و فرهنگ مردم این منطقه داشته و دارد؟
- ۱۴ سواد و بی‌سوادی مردم این منطقه در هویت این منطقه چه نقش و تأثیری داشته است؟
- ۱۵ تحولات روز در دنیای هنر چه تأثیراتی بر هنر مردم شما داشته است؟
- ۱۶ مرگ اساتید قدیمی و نبود آنها چه تأثیری بر هنر شما داشته است؟ نسل آینده می‌توانند جایگزینی برای آنها باشند یا با مرگ هر هنرمند قدیمی بخشی از فرهنگ هنری شما فراموش و معدوم می‌شود؟
- ۱۷ چه چیزی را در فرهنگ قومی خود مهم‌تر از دیگر مسائل می‌دانید؟
- ۱۸ آیا مراسم آیینی و مذهبی مخصوص به قوم یا منطقه خود دارید که فقط مربوط به فرهنگ شما باشد؟
- ۱۹ آیا افسانه‌هایی را که مربوط به قوم شما باشد، از پیشینیان خود شنیده‌اید؟ آوازه‌های قدیمی چطور؟ آیا نغمه‌هایی در موسیقی شما وجود دارد که از زبان قومی دیگر روایت نشده باشند؟
- هویت را می‌توان به دو دسته هویت فردی و گروهی تقسیم کرد. هویت گروهی خود به انواع هویت‌ها از کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده آغاز می‌شود و سپس طایفه، قوم، ملیت و نژاد را ایجاد می‌کند. مکان به‌عنوان کانونی که می‌تواند حائز شخصیتی واقعی یا استعاری برای گردهم آمدن ساکنان فرهنگ برای باهم بودن و از سرگذراندن «تجربه مشترک»؛ و زمان، به‌عنوان برداری که کانونی بر روی بردار طولی نشانه‌گذاری می‌شود، دو مؤلفه مهم تجارب مشترک مردم در هر فرهنگ است. بر همین اساس هنرها که معمولاً یا منحصرراً زمانمند هستند، یا مکان‌مند می‌باشند یا به‌صورت آمیخته از هر دوی این دو مؤلفه برخوردارند، عامل مهمی در تجربه هویت جمعی هستند.

افزون بر درس

نمی‌توان آثار هنری را که توسط هنرمند آفرینش و اجرا می‌شوند، پدیده‌ای مستقل و منفک شده از بدنه اجتماعی که در آن به وقوع پیوسته بدانیم. هر اثر هنری حضوری زنده و واقعی در جامعه خود دارد و این به آن جهت است که اعضای یک جامعه دارای مجموعه‌ای از تجارب و ارزش‌های مشترک در حوزه ادراک مفاهیم، احساسات و معانی هستند. این مجموعه مشترک که به بیان دور کیم «مخیله اجتماعی» نام‌گذاری می‌شود، انسان‌های متکثر و پراکنده را به اجتماعی انسانی بدل می‌کند. این مخیله اجتماعی یا آگاهی جمعی باعث معنا بخشی به ساکنان یک فرهنگ در لایه‌های مختلف می‌شود. هویت گروهی بیشتر بر اساس مخیله اجتماعی شکل می‌گیرد. به‌عنوان یک قاعده کلی می‌توان گفت زیست جمعی به هر شکلی

که باشد، فرهنگ و هنر متناسب خود را ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای که از معنایی جمعی در بین ساکنان آن فرهنگ برخوردار باشد. در دوره‌های تاریخی بشر دو خاستگاه بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری مخیله اجتماعی بشر داشته است: اساطیر و ادیان. پیش از پیدایش و گسترش ادیان، هر فرهنگی برای خود اساطیری داشت که نقش و معنای آن در زیست اجتماعی هر قوم مشترک بود. با گسترش ادیان به تدریج در کنار اسطوره‌ها باورهای دینی نیز به‌عنوان عامل پیوندزنده در نزد جامع فعال شد.

زمانی که افراد بر اساس هویت فرهنگی خود رفتار می‌کنند، اصطلاحاً گفته می‌شود آنها بر اساس «اصالت» خود رفتار کرده‌اند. دورافتادن از هویت و اصالت عارضه‌ای به نام «از خودبیگانگی» یا «الیناسیون» را به همراه دارد. این عارضه بسیار دردناک است. دکتر علی شریعتی یکی از اولین جامعه‌شناسانی است که در این زمینه قلم زده است. به‌جا آوردن سنت‌ها در برخی دیدگاه‌های غرب‌گرایانه گونه‌ای از تعصب محسوب می‌شود، اما این نگاه در بسیاری اوقات تخریب‌گرایانه است، چرا که بسیاری از رسوم که ریشه در اصالت‌های یک قوم دارد، برای مردمانش ایجاد بهداشت اجتماعی و روانی می‌کند و بسیار حائز اهمیت است. حتی اگر نتوان به‌طور مستقیم و از منظر علمی برای آنها کارکردهای اعتقادی یا اقتصادی قائل شد. نمونه‌ها و فعالیت‌های ارائه شده در کتاب دانش‌آموز به‌ویژه درباره سه وضعیت بنای تخت جمشید که دو وضعیت آن تخیلی است (تصویر اول تخریب کامل و تبدیل شدن به یک تل خاک و تصویر آخر بنای سالم و کامل) امکان مقایسه‌ای را فراهم می‌کند که اگر همین اندازه هم به این میراث گران‌قدر توجه نشده بود، امروز هیچ اثری از آن دوره تاریخی ایران نبود و در مقابل اگر آن را در ادوار مختلف بهتر نگه‌داشته بودیم، امروزه حقایق بیشتری از گذشته خود می‌دانستیم. ضروری است براساس حوزه فرهنگی که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند، درباره نمونه‌های مشابه بحث شود.

سیانت از میراث فرهنگی ملموس

در ابتدای این بحث لازم است با مثال‌های متعدد، تفاوت بین میراث ملموس و میراث غیرملموس به‌خوبی روشن شود، سپس بر ضرورت اهمیت حفظ و نگهداری از آنها تأکید شود و در مرحله سوم راهکارهای عملی حفظ و نگهداری از آنها با بیان مثال‌های مختلف آموزش داده شود. برای این امر می‌توان عوامل آسیب‌زا را به دودسته عوامل انسانی و عوامل طبیعی تقسیم‌بندی کرد و سپس نمونه‌هایی از آسیب‌هایی را که هر یک از این دو عامل می‌توانند به میراث ملموس وارد کنند، برشمرد و نهایتاً درباره راه‌های پیشگیری یا کم کردن این آسیب‌ها بحث و گفت‌وگو کرد. رؤس مباحثی که طرح کردن آنها در این بخش ضروری است، عبارت‌اند از:

■ معرفی عوامل آسیب‌زای انسانی

■ معرفی عوامل آسیب‌زای طبیعی

■ تقویت و تغذیه موزه‌ها

(این مبحث در صفحه ۱۴ با روش بارش فکری آورده شده است لطفاً مطالعه شود)

باز آفرینی و زنده نگه‌داشتن میراث فرهنگی ناملموس

ادراک میراث ناملموس به جهت آنکه جسمیت ندارد، برای دانش‌آموزان بسیار مشکل‌تر از میراث فرهنگی و هنری ملموس است. به همین دلیل تلاش بیشتری را در زمینه توصیفات معلم نیاز دارد. بیان نمونه‌ها و مثال‌ها در این زمینه می‌تواند به شناخت این موضوع کمک کند. برای مثال می‌توان یک شرایط مجازی را بیان کرد که مثلاً شاهنامه فردوسی در طول تاریخ فراموش شود و ما هیچ چیزی راجع به شاهکار فردوسی در خلق داستان رستم و وقایعی که برای او در این داستان بر اساس شعرهای حماسی فردوسی بیان می‌شود، نمی‌دانستیم. مثال دیگر می‌تواند درباره نوروژ باشد. یعنی اینکه ما شیوه برگزاری سال نو خود و زمانی که باید مراسم آن را انجام می‌دادیم، نمی‌دانستیم و بر اساس آن تقویم هم نمی‌داشتیم و همه ماه‌ها و روزهای سال بدون آنکه نقطه عطفی می‌داشت، مانند هم بود.

یکی از تهدیداتی که برای میراث ناملموس وجود دارد، انحراف و بدعت درباره آنهاست. بدعت‌ها و انحرافات حتی می‌تواند بدتر از نابودی و از بین رفتن این میراث باشد. چه یک میراث منحرف‌شده و آسیب‌زا به علت وجود تعصب در محافظت از آن به‌راحتی قابل ریشه‌کن کردن نیست. بسیاری از این میراث آسیب‌زا در زندگی اعراب دوره جاهلیت وجود داشت که سال‌ها تداوم داشته است. اما از میان رفتن میراث فرهنگی ناملموس که نقش آفرینی مهمی در هویت بخشی به زندگی سعادت‌مند هر قوم دارد، بسیار حائز اهمیت است. در کتاب دانش‌آموز فعالیت‌هایی برای محافظت و استمرار این میراث گران‌بها ارائه شده است. در صورت ضرورت می‌توان فعالیت‌های بیشتری را در این زمینه با خلاقیت معلمان و خود دانش‌آموزان ارائه کرد. به‌عنوان مثال می‌توان وب‌گاه‌هایی را برای ثبت و معرفی داستان‌ها، حکایات و معرفی بازی‌های بومی منطقه راه‌اندازی کرد.

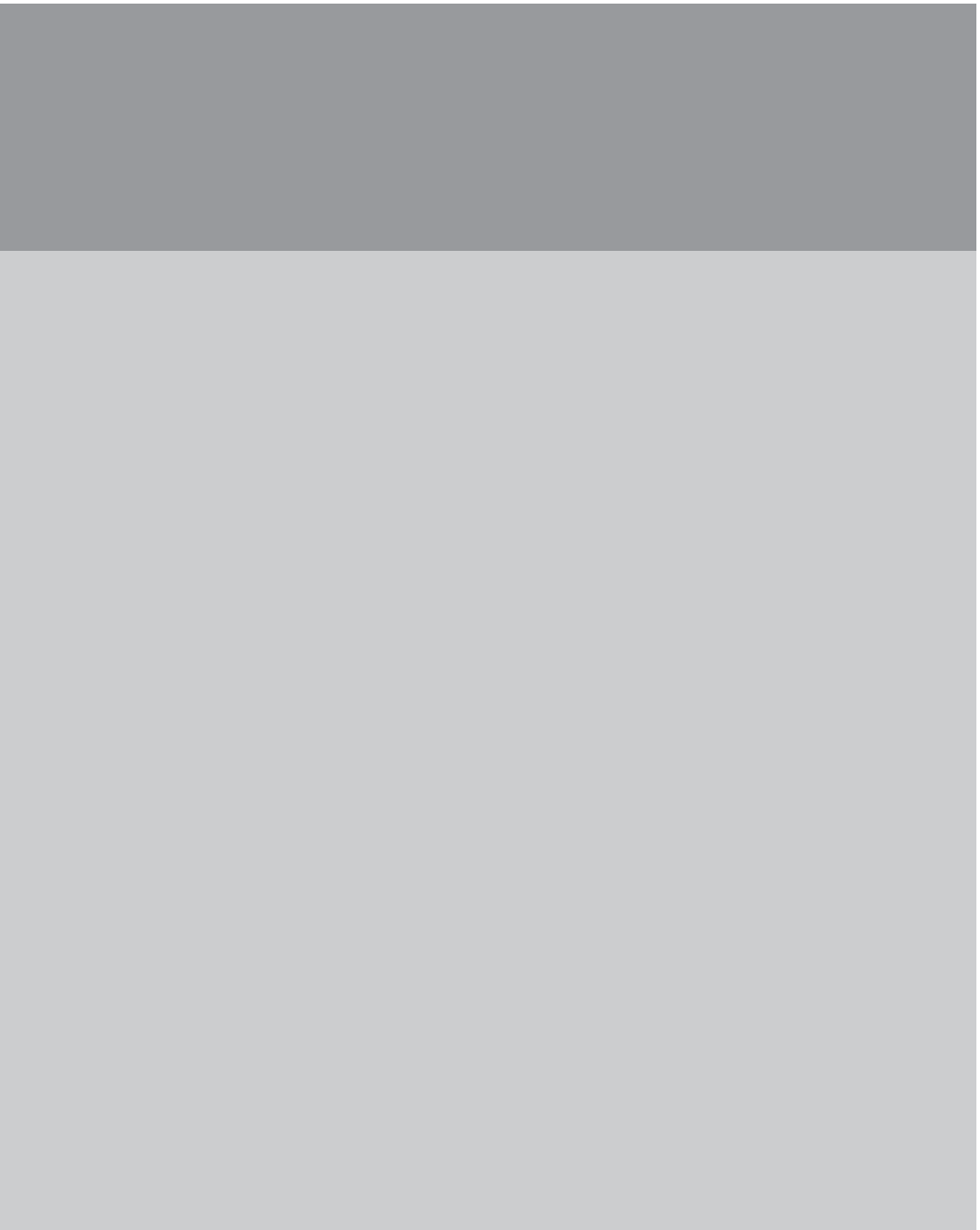
توسعه و بهسازی محیطی با آثار هنری

هدف اصلی این پودمان این است که آموزش در زمینه هنر و میراث فرهنگی در نهایت منجر به توسعه و بهتر شدن محیط زندگی در دو حوزه زندگی فردی و اجتماعی شود. توازن در ایجاد این توسعه زمانی حاصل می‌شود که به‌طور هم‌زمان در بهینه‌سازی زندگی مادی و معنوی توازن ایجاد شود. شماری از

بهره‌های هنر در زندگی فرد که در کتاب درسی نیز به آنها اشاره شده است، عبارت‌اند از:

- بالا بردن سطح رشد انسان
- ایجاد توانایی در بیان احساسات انسانی
- بالا بردن قدرت خلاقیت و پردازش اندیشه‌های نو
- توانایی در زمینه مواجهه با فشارهای روانی روزمره و تحمل آنها
- بالا رفتن احساس سلامتی و نشاط

به نسبت نیاز دانش‌آموزان در حوزه فرهنگی و قومی که در آن زندگی می‌کنند، معلم می‌تواند بر روی برخی از این موارد تأکید بیشتری کند. به‌عنوان مثال در منطقه‌ای که دانش‌آموزان بیش از اندازه درون‌گرا و منزوی هستند، معلم می‌تواند از ابزار هنر برای ایجاد توانایی در بیان احساس و مشارکت اجتماعی آنها بهره‌برداری کند؛ یا در منطقه‌ای که افراد معمولاً از نشاط پایینی در زندگی روزمره خود برخوردارند، معلم می‌تواند با کمک ابزار هنر زندگی را برای آنان نشاط‌انگیز کند. در واقع قاعده از پیش تعیین شده‌ای برای بهسازی محیط با آثار هنری وجود ندارد و فرد می‌تواند با نگاهی دقیق کمبودها و نارسایی‌های محیط را کشف کند و با ابزار هنر از آسیب‌های آنها بکاهد. مثال آورده شده در کتاب درسی دانش‌آموز در زمینه مقایسه اتاق آفریقایی و اتاق ایرانی صرفاً اشاره به نقش هویت‌ساز هنر دارد؛ در صورتی که مبحث کارکرد هنر در بهینه‌سازی محیط بسیار متنوع‌تر و متکثرتر از این نمونه است. در این زمینه می‌توان پروژه‌های مشترک با ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها، سازمان میراث فرهنگی و سایر نهادهای دخیل در این امر طراحی و اجرا کرد.



فصل ۳

ضمائم

- سازمان دهنده های تصویری
- نقشه ها و نمودارها.
- منابع و مآخذ.

عنوان تصویر	شماره صفحه
۲-۱- پلان سه‌بعدی کلیسای وانک اصفهان که تحت تأثیر معماری اسلامی در دوره صفوی ساخته شده است.	۵۴
۲-۲- رواق‌ها رواق‌نماها و فضاهای نیمه‌باز به‌عنوان عناصر خُرد سازنده عناصر کلان در ساختار کلیسای وانک اصفهان	۵۵
۲-۳- مرد مو سبز نام صخره‌ای است در ایبیهان فرانسه (Ebihens, France)	۶۹
۲-۴- نقوش شگفت‌انگیز حاصل از رعدوبرق در آسمان	۷۰
۲-۵- نمونه پیوند بین ریاضی و هنرهای دوبعدی	۸۰
	۲-۶
	۲-۷
۲-۸- چگونگی تحلیل عناصر شکل‌دهنده قاب با ساده‌سازی عناصر اصلی (۱۳-۱۲: Zettl ۲۰۱۰)	۸۲
۲-۹- نمایی از منطقه شمال تهران (عکس: محمدرضا آزاده فر)	۸۴
۲-۱۰- تصویر بالا قاب‌بندی شده با نسبت‌های ۳×۴	۸۴
۲-۱۱- نمایی دیگر از تصویر بالا، قاب‌بندی شده با نسبت‌های ۳×۷ (بانوراما)	۸۴
۲-۱۲- سنگاب بقعه امامزاده علی بن امام محمدباقر(ع)، مشهد اردهال و سنگاب مسجد امام اصفهان	۸۵
۲-۱۳- نمونه‌ای از شکل‌گیری عناصر بصری در فضای محدود سه‌بعدی در شکل‌گیری یک رواق	۸۶
۲-۱۴- دو نمونه از ماکت‌های معرفی شده در کتاب حجم‌شناسی و ماکت‌سازی، سال سوم متوسطه، رشته نقشه‌کشی معماری	۸۶
۲-۱۵- مسجد گوهرشاد در کنار بارگاه مقدس امام رضا (ع) در شهر مشهد	۸۸
۲-۱۶- نمای گرافیکی حرکت ملودی سرود ملی ایران در قسمت «سرزد از افق مهر خاوران، فروغ دیده حق باوران»	۹۳
	۲-۱۷
۲-۱۸- توهم حرکت درجا با سرعت صفر در زمان حرکت سوژه جلوی دوربین متحرک با سرعت برابر در مقابل پس‌زمینه یکنواخت	۹۳

نقشه‌ها و نمودارها

شماره صفحه	نام جدول
۶	جدول ۱-۱- وضعیت ارائه درس هنر در برنامه درسی دوره دوم متوسطه
۱۰	جدول ۱-۲- ارتباط محتوای درس با چهار عنصر خود، خالق، خلق، خلقت
۱۱	جدول ۱-۳- ساختار کتاب هنر در دوره دوم متوسطه
۱۳	جدول ۱-۴-
۱۸	جدول ۱-۵- جدول طبقه‌بندی افکار
۲۳	جدول ۱-۶- طبقه‌بندی اطلاعات به روش استقرایی
۲۶	جدول ۱-۷- ارزشیابی از کتاب هنر دوره دوم متوسطه - پودمان اول - مطالعه مفهوم زیبایی و هنر
۲۹	جدول ۲-۱- اهداف و مهارت‌های پودمان اول
۵۶	جدول ۲-۲- بررسی تطبیقی ویژگی‌های سه مکتب نگارگری ایرانی
۶۲	جدول ۲-۳- اهداف و مهارت‌ها - پودمان ۲
۷۲	جدول ۲-۴- جدول اهداف و مهارت‌ها - پودمان ۳
۹۴	جدول ۲-۵- تفاوت‌های ریتم و متر (آزاده‌فر ۱۳۹۴)
۱۰۰	جدول ۲-۶- انواع حرکت
۱۰۵	جدول ۲-۷- اهداف و مهارت‌ها

منابع و مآخذ

- آزاده‌فر، محمدرضا. ۱۳۹۶. ساختار ملودی در موسیقی ایرانی، تهران: نشر مرکز.
- آزاده‌فر، محمدرضا. ۱۳۹۵ الف. موسیقی در فلسفه و عرفان: یک مقدمه کوتاه، تهران: نشر مرکز.
- آزاده‌فر، محمدرضا. ۱۳۹۵ ب. آفرینش ملودی در آهنگسازی، تهران: نشر مرکز.
- آزاده‌فر، محمدرضا. ۱۳۹۴. اطلاعات عمومی موسیقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- آزاده‌فر، محمدرضا و همکاران. ۱۳۹۴. هنر و اخلاق، تهران: سوره مهر.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۶۵. هنر اسلامی زبان و بیان. ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
- داداشی، ایرج. ۱۳۹۴. «اخلاق و هنر سنتی: نگاهی به موضوع اخلاق و صناعات از منظر خواجه‌نصیرالدین طوسی»، در هنر و اخلاق، نوشته محمدرضا آزاده‌فر و همکاران، تهران: سوره مهر.
- سهروردی، یحیی بن حبش ۱۳۸۱. فی حقیقه‌العشق یا مونس‌العشاق، به کوشش حسین مفید، تهران: مولی.
- شاه‌رخ، مسلم؛ احمدی، مریم؛ رضایی، نورمحمد؛ پادروند، نادر؛ رضایی، اسد. ۱۳۹۲. «تأثیر آموزش مؤلفه‌های شناختی و فراشناختی بر افزایش سطح مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط در بین دانش‌آموزان»، ششمین همایش بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان، ۲۶-۲۸ شهریور ۱۳۹۲، تبریز: دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- شریفی، علی‌اکبر؛ داوری، رقیه. ۱۳۸۷. مقایسه تأثیر سه روش پرورش خلاقیت در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۵ (۱): ۵۷-۶۲.
- شیربیشه، پروین. ۱۳۹۴. «بررسی پیوند حُسن، عشق، و حُزن براساس بازخوانی فی حقیقه‌العشق شیخ شهاب‌الدین سهروردی»، در هنر و اخلاق، نوشته محمدرضا آزاده‌فر و همکاران، تهران: سوره مهر.
- قوشلی، عبدالحمید. ۱۳۸۴. مقایسه تأثیر روش تدریس بدیعه‌پردازی با روش تدریس سنتی بر خلاقیت عمومی و خلاقیت نوشتاری دانش‌آموزان پسر کلاس پنجم شهرستان گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز.
- میرشمسیری، مرجان. ۱۳۸۴. تأثیر الگوی تدریس بدیعه‌پردازی بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه چهارم در درس انشا فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تحقیقات آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- نیوشا بهشته؛ پاکدامن، آذر؛ اویسی، زهرا. ۱۳۹۲. «نقش الگوی تدریس بدیعه‌پردازی در خلاقیت هنری و تفاوت آن در دختران و پسران». ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۲- شماره ۴- صفحه ۱۵۹-۱۷۶.

■ Gordon, William JJ. ١٩٤١. "Synectics: The development of creative capacity." New York: Harper & Brothers.

■ Zettl, Herbert. ٢٠١٠. Sight, sound, motion: applied media aesthetics. Belmont, Calif: Wadsworth.

■ Seligman, E. R. ٢٠٠٧. Reaching Students Through Synectics: A Creative Soloution USA: University of Northern Colorado.



معلمان محترم و صاحب نظران گرامی می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران- صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴- گروه درسی مربوط و یا پیام‌نگار (Email)

ارسال نمایند. talif@talif.sch.ir

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسط نظری